▪ سه‌شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹٦ ▪ ۱۵ی خاکه‌لێوه‌ی ۲۷۱۷ی کوردی ▪ ٤ آوریل ۲۰۱۷ ▪ سال دوم ▪ شماره ۱۸ ▪ ۸ صفحه ▪ قیمت ۱۰۰۰ تومان ▪

زباله مریوان، تهدید یا فرصت

برابر نص صریح قانون جایگاه‌های زباله باید منطبق بر ضوابط و مقررات زیست‌محیطی مکان‌یابی شوند و در کل مراحل اجرا، آماده‌سازی، جمع‌آوری، تفکیک، حمل‌ونقل، دفن و مراقبت‌های بعدی باید ضوابط زیست‌محیطی لحاظ گردد

صفحه ۱

چیا
لیژنی ئاڤا ژینگه‌یی ـ کۆمه‌ڵایه‌تی

آفریقای جنوبی؛ سیاست زبانی و آموزش چندزبانگی

آفریقای جنوبی ۱۱ زبان رسمی دارد؛ از این ۱۱ زبان، ۹ زبان از زبان‌های آفریقایی خانواده بانتو و دو زبان اروپایی؛ یکی زبان آفریکانس و دیگری زبان انگلیسی می‌باشد. اما در ایران، سرمایه‌های زیادی برای محدود کردن و تضعیف زبانِ زنده‌ی مادریِ اقوام ایرانیِ غیرفارسی زبان صرف می‌شود و متأسفانه هیچ یک از زبان‌های ترکی، بلوچی، کردی و... در سیستم آموزشی کوچک‌ترین جایگاهی ندارند

صفحه ۵

خه‌رمان به‌ره‌که‌ت نیشتمان

له قاڤرستانی سووتان و فه‌وتان، له‌م ڕۆژه ڕه‌شانه‌ی کوشتن و بڕینه‌دا، ده‌ستێک به پانتایی هه‌موو چه‌مکه‌کانی ژیان، به زوڵاڵی کانیاوه‌کانی ژاگرۆس و به‌رزه‌فریی شاباز‌ی نیشتمان، ده‌نگێک له هۆزی هۆره و سپاوچه‌مانه‌وه‌ره‌نگێک له‌روخساری خۆره‌ڕه‌ڕینه، ئه‌لفی قامه‌ت بۆراماڵینی زبڵه‌کان ئه‌چه‌مێنێته‌وه. چه‌ماندنێ وه‌ک گۆچانه‌که‌ی پیره‌مێرد که‌له‌سه‌ر ناسنامه‌ی ڕۆڵه‌کانی میدیاو که‌یخه‌سره‌ونه‌خشێنداوه. کۆڵنه‌ده‌رانێک که‌له‌وه‌ها ڕۆژێکدا سروودی هه‌رمان و ئاوه‌دانی ئه‌چڕن، له‌هه‌موو کات زیاتر مرۆڤایه‌تی پێویستیه‌تی پێیانه. ڕۆڵه‌کانی به‌ئه‌مه‌گ و نیشتمان په‌ڕوه‌ری کوردستان، بۆ چواره‌مین ساڵ ئاڵای شه‌کاوه‌ی ئاوه‌دانیی و ئازادییان گه‌یانده‌لوتکه‌ی هه‌ڵوێست و به‌ڕپرسایه‌تی.

درێژه له لاپه‌ڕه‌ی۲

شایستگی حضور در طبیعت

اگر خواهان پایداری زندگی در این جهان به‌هم‌پیوسته هستیم، ناچاریم؛ تفکر و سبک زندگی خود را از دیدگاهی خطی، تک‌بعدی و یک‌بارمصرف نسبت به منابع جهان، به دیدگاهی سیستمی، دایره‌ای و چندبعدی که در آن، هر چیزی بازتولید می‌شود تغییر دهیم

صفحه ٦

بوی عیدی

عید؛ روزی است که سفره‌ی هیچ کس خالی از نان نباشد، که خشونت و جنگ به زباله‌دان تاریخ پیوسته باشد، که بساط رانت‌خواری و اختلاس برچیده شده باشد، که تاوان کارگران برای گرفتن حق‌وحقوقشان، شلاق و تازیانه نباشد، که آدمیان به‌دوراز تعصبات خشک و متحجرانه‌ی دینی، مذهبی، قومی و نژادی، یکدیگر و سایر جانداران را دوست داشته باشند؛ عید روزی است که ...

صفحه ٤

شاخه‌وانێک له ڕه‌گه‌زی به‌ڕوو، پزشکێک له تۆره‌مه‌ی خاک

به باڵای ته‌مه‌ن و دنیایه‌ک ئه‌زموون و شاخه‌وانی، دوکتور خوسره‌وی له کۆمه‌ڵگایه‌کدا ده‌ژیی که هێشتا برینه قووڵه‌کانی مێژووی پێوه دیاره؛ به‌ڵام وه‌ک بیرمه‌ندێک به وزه‌یه‌کی له ڕاده‌به‌ده‌ر، قه‌ت له کۆمه‌ڵگای خۆی نه‌تۆراوه

لاپه‌ڕه‌ی ۷

قدمتی به قامت قرون

باوجود تمام تلاش‌های صورت گرفته در طول تاریخ در زمینه حفاظت از زمین، به‌وضوح دیده می‌شود که قدرت به نفع تخریب‌کننده بوده و زمین همچنان روبه افول است و این روند به نفع هیچ‌کس نیست... تا زمانی که میلیاردها انسان نتوانند سبک زندگی سالم و محیط‌زیست گرایانه را قبول کنند، زمین همچنان به سمت مرگ پیش خواهد رفت

صفحه ۷

کۆڵبه‌رنامه...

مێرمنداڵیمان له‌بنه‌ده‌وه‌نه‌کانی هه‌ژارییدا به‌جێ‌ما

درۆیه؛ چیرۆکی کۆڵبه‌ری نانووسرێته‌وه، ئه‌م وشانه هه‌مووی تازه‌ن، وشه‌ی به‌ره‌له‌پتاپ و تلگرامن. ئه‌بێ بێده‌سه‌ڵات بیت و موحتاج، ئه‌بێ جوێنێ وه‌ها بدا له جه‌رگت، دڵت پڕ بێت و سه‌ر له ناو ئه‌ژنۆت تێر بگریه‌یت و هه‌وڵیش بده‌ی که‌س پێت نه‌زانێ! ئه‌بێ عاره‌قی پشتت کۆڵه‌که‌ت بخووسێنێت و...

لاپه‌ڕه‌ی٦

نه‌ورۆز؛ ڤیستیڤاڵ یا کاره‌سات؟!...

به‌داخه‌وه‌به‌هۆی له‌به‌رچاونه‌گرتنی ویست و داخوازی خه‌ڵک و کپ کردنه‌وه‌ی حه‌زو ئاواته‌کانیان، به هۆی به‌کارهێنانی ته‌قه‌مه‌نی پڕمه‌ترسی و تێکدانی سروشت و ژینگه، ڕێوڕه‌سمی نه‌ورۆز ده‌که‌وێته به‌ر هه‌ڕه‌شه و زۆرجار ڕووداوی دڵته‌زێنی لێ ده‌که‌وێته‌وه.

لاپه‌ڕه‌ی ٦

▪ سخن چیا ▪

پلاس کهنه اندیشه را دور باید انداخت

گفتنی‌ها از ۹۵ گفته‌شده و نیمی از آغازین ماه ۹۶ را دوباره با ثبت لحظاتی شاد از سفر و مهمانی‌ها آغاز کردیم و آمار تصادفات بازهم مثل خاطراتی که داشته و نمی‌خواهیم به یاد بیاوریم اعلام گشته است. آنچه شاید کمتر شنیده و دیده شد تنهایی‌ها و بهانه‌هایی بود که بسیاری به خاطر وضعیت نامناسب معیشت بر سر راه سیاحت‌های نکرده و جاهای نرفته خود گذاشتند و افسوسی که معلوم نیست از آرزوی گذشته است یا رمق نمانده برای ادامه راه. درد نبودنی که صدای آن را در انتخابات آتی قطعاً جار خواهند داد و وعده‌ها بر سر سفره‌های خالی و صد برابر ناامید مردم خواهند گذاشت. البته بگذار وعده دهند و امید بدهند و زبانم لال دروغ بگویند که در رقابت دیده شدن و انتخاب شدن به انبوه شمارش رأی می‌ارزد. ما که خوشبختانه یا حافظه‌مان یاری نمی‌دهد یا در انبوه مشکلات، نای فکر کردن به دیروز خود را نداریم. همان دیروزی که انرژی‌مان را صرف نه پیشرفت که ماندن حداقلی‌های زندگی آبرومندانه کردیم. ما که انرژی‌مان را صرف نه توسعه بلکه از سر کردن خطرات کردیم و نه امیدی به خیر که از شر نالیدیم. بلاهایی که معلوم نیست کی می‌خواهد نماند تا همان شویم که بودیم با این تفاوت که زمان گذشت و توسعه نیافتیم اما چه خوب که بدتر نشدیم. این بدتر نشدنی احوال روزگار ما شده است. هنگامی‌که ۹۵ را ورق می‌زنم و از دیدگاه زیست‌محیطی به آن می‌نگرم، این تفکر بیشتر شدت می‌یابد. آرزو داریم که خوزستان همان باشد که قبلاً بود و برایش هزاران بار متشکر می‌شویم. برای جنگل‌ها، رودخانه‌ها، مراتع، تالاب‌ها و ... چه خوب می‌شد که آن می‌شدیم که بودیم. برای زریبار چه خوب می‌شد که بود و خبری از پالایشگاه نبود.

ما نه منابع، نه نیرو و نه انرژی سد راه آبادانی و توسعه‌مان را نگرفته است بلکه اسراری بیهوده بر سیکل مدیریت‌های معیوب و رابطه محور و عدم بازرسی‌ها و بازبینی‌ها و نظارتی قانونمند به قهقرایمان می‌فرستد. ما را میزان کم مطالعه و نبود اراده‌ای جدی برای ورود خواندن و فکر کردن به زندگی‌مان به این روز انداخته است. ما را نبود تحمل دیگری و نقد بدین ورطه کشیده است و چه متعصبانه همیشه خود را و فقط خود را بر حق می‌دانیم. ما را برچسب و انگ و نیرنگ هاج و واج کرده است. همه‌چیز را می‌دانیم و دیگر چه نیازی به شنیدن و خواندن و فکر کردن داریم. اقیانوسانی از علم به وسعت زمینیم با عمقی به ژرفای هیچ. مسخره شده‌ایم به خاطر هر آنچه نفعی شخصی برایمان نداشته و مسخره می‌کنیم هرکسی را که سرش برای دردسر منافع عام درد می‌کند. یافتن مقصر در این گرگ‌ومیش شاید کاری بیهوده می‌نماید که بر هر عضوی که دست می‌گذاریم تا مغز استخوان‌درد می‌کند. بیایید در این انبوه آزمون خطاهای زندگی که نه از سر دوراندیشی که به خاطر تجربه بوده است نیز یک‌بار متفاوت فکر کردن و متفاوت زندگی کردن را بر پایه تعقل، احترام و تلاشی مضاعف آزمون کنیم. آزمونی که مطمئنم از این بدتر نخواهد شد که بالاتر از سیاهی نیز رنگی نیست. بیایید یک‌بار هم که شده زندگی و توسعه را بر بنیان تمامی مفاهیم توسعه پیش ببریم و به طبیعت، به زندگی سلامی تازه کنیم. بیایید زندگی را معنایی تازه کنیم.

زباله مریوان، تهدید یا فرصت

▪ ابراهیم همت بلند
کارشناس محیط زیست

این روزها برای مردم مریوان فصل بحران‌های محیط‌زیستی است البته این مختص شهر یا منطقه مریوان نیست بلکه کل جهان و دیگر شهرهای استان کردستان نیز با این مشکل روبه‌رو هستند. مریوان به دلیل طبیعت و محیط‌زیست غنی و اقلیم پربارش همچنین تراکم جمعیتی بیشتر، فعلاً در اول صف قرار گرفته است.

امروزه بیشتر مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی ساخته دست بشر بوده و بیشتر حاصل اجرای برنامه‌های بدون مطالعه و تصمیم‌های عجولانه بوده که گاهی آگاهانه یا ناآگاهانه به‌وجود می‌آیند.

مشکلات و معضلات زیست‌محیطی شهر مریوان هم از همین نوع‌اند مشکلات زیست‌محیطی شهر مریوان کم نیستند ولی از یک طرف بحث جایگاه زباله شهر مریوان و از طرف دیگر احداث پالایشگاه تبدیل به دغدغه اصلی و مشکلات این روزهای مردم شهر مریوان شده است مشکلات آلودگی هوا و گردوخاک‌های روزهای آتی بماند.

قانون مدیریت پسماندها در تاریخ ۸۳/۲/۲۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۸۹/۳/۹ به تائید شورای نگهبان رسیده و جهت اجرا به وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط‌زیست ابلاغ‌شده است. برابر ماده ۱۲ این قانون محل‌های دفن پسماندها براساس ضوابط زیست‌محیطی توسط وزارت کشور با هماهنگی وزارت جهاد کشاورزی تعیین خواهد شد. تبصره۱ همین ماده شورای عالی شهرسازی و معماری را موظف به درنظرگرفتن مکان‌های مناسب دفع زباله و در طرح‌های جامع نموده است و برابر تبصره ۲ همین ماده وزارت کشور موظف است اعتبارات، تسهیلات و امکانات لازم را جهت ایجاد و بهره‌برداری از محل‌های دفع پسماند رأساً یا توسط بخش خصوصی فراهم نماید.

برابر نص صریح قانون جایگاه‌های زباله نیز باید منطبق بر ضوابط و مقررات زیست‌محیطی مربوطه مکان‌یابی شوند و در کل مراحل اجرا آماده‌سازی، جمع‌آوری، تفکیک، حمل‌ونقل، دفن و مراقبت‌های بعدی باید ضوابط زیست‌محیطی لحاظ گردد.

سؤال این است که آیا مکان‌یابی جایگاه کنونی زباله شهر مریوان جایگاه اسرآوا بر اساس مطالعات کاربری زمین و ضوابط زیست‌محیطی صورت گرفت؟ آیا مراحل جمع‌آوری و تفکیک و بازیافت مجدد دفع و دفن زباله شهری، صنعتی و بهداشتی و زباله ویژه شهر مریوان بر اساس ضوابط زیست‌محیطی صورت می‌گیرد؟

از این‌ها مهم‌تر آیا جایگاه پیشنهادی جدید واقع در حدود اراضی روستای گماره لنگ «سماقان» بر اساس ضوابط زیست‌محیطی صورت گرفته است؟

آیا در آینده معضلات و مشکلات زیست‌محیطی همان جایگاه قبلی شاید به‌مراتب شدیدتر را نخواهد داشت؟

برابر ضوابط زیست‌محیطی جایگاه زباله جزء رده ۷ صنایع خدمتی هستند که در تعیین محل این لند فیل‌ها علاوه بر رعایت فواصل لازم از مناطق حساس زیست‌محیطی شامل مناطق مسکونی، منابع آب جاری و زیرزمینی، جاده‌ها، مناطق نظامی، مناطق تحت‌مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست و ... باید دارای طرح ارزیابی کامل اثرات زیست‌محیطی باشند و طرح‌های ارزیابی زیست‌محیطی نیز مورد تائید سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار گیرد.

ادامه در صفحه۲

ضرورت دادسرای تخصصی محیط‌زیست در مریوان

▪ مختار زارعی

وظیفه اصلی دادسرا، حفاظت و پاسداری از حقوق مردم در مقابل بزهکار و متجاوز به حقوق عمومی است. اساساً دادسرا به‌نوعی وکیل همه مردم در بعد قضایی است همچنان که پارلمان نماینده مردم در بعد قانون‌گذاری است.

ماده ۲۲ قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲، وظایف دادسرا را کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی، اقامه دعوا و اجرای احکام کیفری می‌داند.

دادسرا، نگهبان کلیت و منافع عمومی جامعه است تا گزند و آسیبی به آن نرسد و برای انجام این امر، اختیارات ویژه و فوق‌العاده دارد. مثلاً فقط کافی است از طریقی از وقوع جرم مطلع گردد همین برای تعقیب کافی است و می‌تواند از تمام امکانات موجود استفاده کند و تمام مقامات دولتی و حکومتی موظف به تبعیت و اجرای فرمان‌هایش هستند. مخصوصاً ضابطان قضایی که کار ویژه آن‌ها اجرای فرمان‌ها دادسرا است.

قانون آیین دادرسی کیفری جدید (مصوب ۹۲) خوشبختانه حاوی نکات جدید و نسبتاً مدرنی است که خود نشان از تأثیر افکار عمومی بر ذهنیت قانون‌گذار و به‌تبع قوه قضاییه است. یکی از این موارد ماده ۲۵ این قانون است که تأسیس دادسراهای تخصصی را پیش‌بینی کرده است. دادسراهایی که با حضور دادستان خبره و متخصص و بهره‌مندی از کارشناسان متخصص در موضوع مذکور این امکان را فراهم می‌آورد تا در خصوص مسائل ویژه و تخصصی، باقدرت تشخیص و واکنش مناسب ورود کند. در این ماده به‌طور مثال به امور پزشکی و دارویی اشاره‌شده است. موضوعی که مربوط به سلامتی و بهداشت عمومی جامعه می‌شود و نیاز به دادسرای تخصصی دارد.

مریوان یکی از شهرهای زیبا و جنگلی استان کردستان است. مناظر زیبا و طبیعت کم‌نظیرش بیشترین جاذبه توریستی را دارد اما متأسفانه بیش از یک دهه است که آتش، بلای جان این جنگل‌های زیبا شده است و تاکنون صدها هکتار از درختان قدیمی با طول عمر بیش از یک‌صد سال را نابود کرده است. فکرش را بکنید اگر از هم‌اکنون به‌جای آن درختان سوخته شده دوباره بلوط بکاریم قریب صدسال زمان نیاز داریم تا مجدداً جای خالی آن‌ها پر شود. این فقط در مورد درختان است حال بماند تأثیر غیرقابل‌جبرانش بر زندگی انواع جاندارانش.

در این سال‌ها مردم مریوان با پیش‌قراولی انجمن سبز چیا، بارها و بارها با امکانات شخصی و صرفاً با انگیزه حفظ جنگل‌های سرسبز و جاندارانش با تمام توان به مقابله با آتش‌سوزی‌ها رفته‌اند و بارها و بارها با خطرات جانی و از همه بدتر با تهدیدات امنیتی! روبرو شده‌اند.

یکی از راه‌حل‌های اساسی برای این معضل بزرگ و خطرناک، تشکیل دادسرای تخصصی محیط‌زیست در مریوان است. دادسرایی که قانون دارای تمام اختیارات برای تعقیب تمام کسانی است که دستی بر آتش دارند! این دادسرا می‌تواند بدون کمترین ملاحظه‌ای تمام عاملان، آمران و مسببان را تعقیب، بازداشت و مجازات کند.

تشکیل این دادسرا خود محکی است برای تشخیص اراده مقامات حکومتی و مخصوصاً قضایی برای حل بنیادین این معضل. اگر اراده آن‌ها معطوف به حل این معضل باشد با تشکیل دادسرای تخصصی محیط‌زیست برای همیشه آرامش و امنیت به جنگل‌های مریوان برمی‌گردد و اگر هم اراده‌ی خلاف آن باشد باید روزبه‌روز شاهد نابودی این طبیعت زیبا و تبدیل‌شدنش به بیابانی برهوت باشیم. آینده قضاوت خواهد کرد.

ادامه از صفحه ۱

زباله مریوان، تهدید یا فرصت

آیا محل جدید جایگاه زباله طرح، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی دارد؟ و مورد تائید سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد؟
در ماده ٤ در آئین‌نامه اجرائی قانون مدیریت پسماند آمده است مدیریت‌های اجرائی پسماندهای عادی باید طرح جامع و تفصیلی مدیریت پسماند را به‌گونه‌ای تهیه کنند که در مراکز استان‌ها و همچنین شهرهای با جمعیت بیش از ۱ میلیون نفر تا پایان سال ۱۳۹۰ و در سایر شهرها و روستاها تا پایان سال ۱۳۹۲، همه پسماندها را به‌صورت تفکیک‌شده جمع‌آوری نمایند.
درحالی‌که زباله‌های منطقه مریوان به‌صورت تفکیک نشده به همراه زباله‌های ویژه دارای خطرات جدی برای انسان مثل «باقیمانده مواد دارویی» منازل، لامپ‌های فلوئورسنت، با طرح‌های الکتریکی انواع افشانه‌ها و زباله‌های مربوط به تعمیرگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی مطب‌ها و زباله‌های بیمارستانی با زباله‌های آلی و انواع نایلون نایلکس لاستیک شیشه و پلاستیک در یکجا باهم دفن می‌گردد. جایگاه زباله فاقد هر نوع بسترسازی و سیستم جمع‌آوری شیرابه بوده محدوده آن محصور نگشته و تعداد زیادی سگ ولگرد و انواع جانوران و حشرات موذی در محل جایگاه جمع شده‌اند. دفن به‌موقع و با خاک مناسب صورت نمی‌گیرد. همواره در حال سوختن بوده و حجم بالائی از گازمتان در محل تولید می‌شود. درنهایت ما با شیرابه به‌عنوان سمی‌ترین پساب شناخته‌شده در جهان در آب جاری و زیرزمین خود روبه‌رو خواهیم بود، با دود بسیار سمی و حاوی اکسین ها حاصل از سوختن زباله‌های پلاستیکی و لاستیکی، بوی بد و تعفن و انواع حیوانات و حشرات انواع بیماری‌های خطرناک روبه‌رو خواهیم شد.
آنچه اینجا جای تأسف است این است که در جوامع پیشرفته از پسماندها به‌عنوان طلای کثیف یاد می‌شود ولی در جامعه کنونی ما نه به‌عنوان یک فرصت بلکه به‌عنوان تهدید جدی با آن روبرو هستیم.
در صورت اجرای اصولی مدیریت پسماند به‌صورت تفکیک از مبدأ و اجرای سایت بازیافت زباله‌های شهری علاوه بر کاستن از خطرات جدی زیستی و بهداشتی مانع از اتلاف سرمایه عظیمی از سطح جامعه و شاهد اشتغال‌زایی به تعداد چشمگیری خواهیم بود.
در جایگاه زباله اسرآوا مشکلات زیست‌محیطی فوق را کاملاً می‌توان لمس کرد و جوامع روستایی محل با تهدیدات شدید زیستی و بهداشتی روبه‌رو شده است که این مشکلات نه از بوی بد زباله و کثیفی آن است بلکه مشکل از بی‌دراپتی و بی‌توجهی ماست اگر زباله‌ها از مبدأ تفکیک می‌شد اگر سایت بازیافت پسماند داشتیم کالاها و مواد باارزش این مردم نه‌تنها تبدیل به معضل بهداشتی، زیست‌محیطی و امنیتی نمی‌شد بلکه به سرمایه‌ای عظیم و اشتغال دائمی برای مردم این شهرستان تبدیل می‌شد.
متأسفانه به‌جای تمرکز روی حل اصولی مسئله در حال پاک کردن صورت‌مسئله بوده و مشکل کنونی یک جایگاه را به جایگاه بعدی انتقال می‌دهیم. بسیار ساده‌انگارانه است اگر با انتقال زباله به جایگاه سماقان فکر کنیم که مشکل جایگاه زباله اسراوا را حل نموده‌ایم. چون این جایگاه تا حداقل ۲۰ سال آینده دارای شیرابه، تعفن، دود و آتش‌سوزی و انواع آلودگی‌ها خواهد بود و کمتر از ۵ سال آینده یک جایگاه زباله مثل عصرآباد را با مشکلات زیست‌محیطی، بهداشتی و اجتماعی بیشتر در یک مکان دیگر خلق نموده‌ایم. بدین ترتیب مشکلات دوچندان شده، کماکان باقی بوده و همیشه درگیر این مسئله خواهیم بود.
اینجاست که باید از خودمان بپرسیم آیا وقت این نرسیده است که حداقل برای یک‌بار هم شده منطقی فکر کنیم و مشکل را با مشکل حل نکنیم. وقت آن نرسیده آستین‌ها را بالا زده و کاری کنیم.
مردم فرهنگی شهرستان مریوان همواره خالق حرکت‌های فرهنگی عمیق و تأثیرگذار بوده و به بهترین نحو پذیرای طرح‌های مدیریت پسماند از مبدأ خواهند بود. این اقدام مستلزم اقدام عاجل و سنجیده مسئولین سطح شهرستان خواهد بود که باتدبیری جدی بحث تفکیک از مبدأ پسماند عملی گردد.
با اجرای طرح تفکیک از مبدأ حجم عظیمی از پسماندها عادی و ویژه خانگی کاسته می‌شود و مواد دوباره وارد چرخه تولید و بازمصرف خواهند شد و به همراه این طرح اجرای سایت بازیافت در محل جایگاه کنونی اشتغالی بیشتر و پایدارتر از پالایشگاه ایجاد خواهد کرد و برای درازمدت مشکلات پسماند منطقه نیز حل خواهد شد.
آیا بهتر نیست بجای اصرار بر اجرای طرح‌های هزینه‌بر آلاینده و مخرب محیط‌زیست روی سرمایه‌های بالقوه و طرح‌های منطبق با شرایط زیستی انسانی و طبیعی فکر کرد؟ آیا مجریان و حامیان طرح‌هایی چون پالایشگاه، انبار نفت و صنایع همراه به پسماندهای ویژه این بخش فکر کرده‌اند؟ یا این نوع پسماندها که یکی از پسماندهای ویژه و خطرناک می‌باشند نیز به جایگاه‌های زباله عادی خواهند پیوست.

نامه شورای هماهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد شهر مریوان در باره تدریس به زبان مادری در مدارس مناطق کوردنشین

"به نام خداوند جان و خرد"
جناب آقای شفیعی
فرماندار محترم شهرستان مریوان
با عرض ادب و احترام

به استحضار می‌رساند، همچنان که نیک آگاهید؛ حق آموزش به زبان مادری یکی از بنیادی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق انسانی است که در بسیاری از اسناد و معاهدات بین‌المللی [میثاق بینالمللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۹۶)، کنوانسیون بینالمللی محو همه صور تبعیض نژادی (مصوب ۱۹۶۵)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون عدم تبعیض در آموزشوپرورش (۱۹۶۰)، اعلامیه جهانی حقوق زبانی (۱۹۹۶)، اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیتهای قومی، دینی و زبانی (۱۹۹۲)، منشور زبان مادری یونسکو (۱۹۹۶) و...] و نیز اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی کشور، مورد تأکید قرارگرفته است.
همچنین جناب آقای روحانی ریاست محترم جمهوری طی بیانیه ۱۰ ماده‌ای در سال ۱۳۹۲ بر (تدریس زبان مادری ایرانیان (کردی، آذری، عربی و...) به‌طور رسمی در سطوح مدارس و دانشگاه‌ها در اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی – بند ٤ بیانیه) تأکید و صراحت کامل داشته‌اند.
اما متأسفانه باگذشت نزدیک به ٤ دهه، هنوز در راستای احقاق این حق انسانی، قانونی و ابتدایی، مبنی بر تأمین امکانات لازم برای آموزش دانش آموزان به زبان مادری و تخصیص منابع و تهیه کتب و وسایل لازم و تربیت و آماده کردن کادر آموزشی، گام‌های عملی برداشته نشده است.
نظر به اینکه جنابعالی بالاترین مقام سیاسی و قانونی دولت محترم جمهوری اسلامی ایران در شهرستان مریوان می‌باشید، شورای هماهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد شهرستان مریوان، به‌عنوان مدافعان حقوق انسانی، قانونی، مدنی و فرهنگی مردم این دیار، در رابطه با استیفای حق مسلم آموزش به زبان مادری از دولت محترم، وزارت آموزش‌وپرورش و سایر مسئولان ذی‌ربط، ضمن انتظار انعکاس این درخواست عادلانه به مقامات عالی و هماهنگی و پیگیری جدی تا حصول نتیجه نهایی، از دولت محترم جمهوری اسلامی ایران موکدا درخواست می‌نماییم؛ زمینه آموزش به زبان مادری برای همه دانش آموزان اقوام مختلف ایران و به‌ویژه مناطق کردنشین فراهم گردد به‌طوری‌که در نزدیک‌ترین فرصت ممکن دانش آموزان این مناطق بتوانند به زبان مادری خود آموزش ببینند.

با احترام فراوان
شورای هماهنگی سازمان‌های مردم‌نهاد شهر مریوان

انجمن فرهنگی- ادبی مریوان،
انجمن سبز چیا،
انجمن فرهنگی – ادبی رۆجیار،
کانون فرهنگی – هنری ڤژین،
کانون علمی- فرهنگی رونان،
انجمن مردمی مبارزه علیه اعتیاد- ژیانەوە

رونوشت:
- ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جهت اطلاع و هماهنگی با دولت محترم در راستای عملی نمودن این امر مهم
- نمایندگان محترم مناطق کردنشین در مجلس شورای اسلامی جهت اطلاع و پیگیری

موضع انجمن سبز چیا درباره مشکل مکان و نحوه دفع زباله در مریوان

تلنبار نمودن زباله در زمینی خارج از محدوده شهر، جاری شدن شیرابه زباله در طبیعت و سپس سوزاندن زباله‌ها بدون توجه به اثرات زیان‌بارآنی و آتی آن، دیگر راهکار دفع زباله نیست.
مریوان شهرستانی است با زیست‌بوم و تنوع زیستی غنی و متنوع، تراکم بالای جمعیت روستایی در محدوده غالب جنگلی یا مراتع باارزش که وجود منابع مهم آبی، اهمیت حفاظت از این منطقه استراتژیک را چند برابر کرده است.
تاکنون زباله‌های شهر مریوان در فاصله ۵ کیلومتری شرق این شهر، بدون رعایت نکات و مسائل محیط‌زیستی و بدون در نظر گرفتن جهت باد غالب، در داخل محدوده جنگلی تلنبار می‌شد که متأسفانه بعد از گذشت سال‌ها به دلیل روش‌های نادرست دفع زباله و نبود برنامه آینده‌نگر در این رابطه، موجب ایجاد انواع آلودگی‌ها در منابع آبی و طبیعی در این منطقه و تهدید سلامتی مردم شده است. درنهایت بعد از گذشت بیش از یک دهه با توجه به عدم ارائه راهکاری برای حل این وضعیت، اعتراض جوامع محلی باعث شد نهادهای مربوطه، متعهد به حل این بحران و مکان‌یابی جدید شوند.
بعد از اعلام رسمی مکان انتخابی جدید «دۆڵی سماقان» برای دفع زباله، نگرانی مردم و جوامع محلی نسبت به ایجاد مکانی غیراستاندارد و روش‌های نادرست دفع زباله، اعتراضات مدنی را در پی داشت؛ اصولاً برای مقوله مهم مکان‌یابی، دفع و بازیافت زباله، نمی‌شود واقعیاتی همچون رضایت بومیان، حفظ محیط‌زیست و منابع آبی مکان انتخابی را در نظر نگرفت.
انجمن سبز چیا به‌عنوان نهادی مستقل، مردمی و حامی محیط‌زیست، با درک رعایت حقوق محیط‌زیستی مردم در این مسئله، با توجه به اعتراض شهروندانی که اهمیت مقوله تأثیر منفی آلودگی محیط‌زیست بر سلامتی خود و زیست‌بومشان را درک نموده و نسبت به دفع نامناسب و مکان‌یابی زباله اعتراض نموده‌اند؛ به مسئولین و به‌ویژه نهادهایی که مسئول تأمین امنیت هستند، اعلام می‌دارد که جواب خواست بر حق و مدنی مردم در برخورداری از محیطی سالم و دفع اصولی زباله، برخوردهای قهری نیست و خواستار عدم امنیتی نمودن این مسئله می‌باشد.
انجمن سبز چیا بارها در برنامه‌ها و رسانه‌های خود، بر اهمیت تفکیک زباله، تولید زباله کمتر و رعایت استانداردهای دفع و بازیافت زباله اشاره و تأکید داشته است که برنامه‌های پاک‌سازی و ترویج فرهنگ تفکیک زباله از مبدأ که چندی پیش اجرا شد، دلیلی بر این ادعاست.
همه‌ی مسئولین و نهادهای مرتبط در این امر ازجمله شهرداری مریوان لازم است با در نظر گرفتن حساسیت‌ها و استعدادهای طبیعی زیست‌بوم باارزش شهرستان مریوان، به دنبال جذب سرمایه‌گذار، استفاده از روش‌های نوین و استاندارد در تفکیک، دفع و بازیافت زباله در مکان مناسب با کمترین تخریب و آلودگی باشند. در این راه انجمن سبز چیا برحسب رسالت ذاتی‌اش همانند قبل آمادگی خود را جهت هرگونه همکاری در حل این معضل اعلام می‌دارد.

انجمن سبز چیای مریوان
فروردین ۱۳۹۶

ڤەژین، لق و پۆپی خۆی لە گوندەکان بڵاو دەکاتەوە

ناوەندی فەرهەنگی-هونەریی "ڤەژین" لە شاری مەریوان لە درێژەی کار و چالاکییەکانی خۆیدا، ئەمساڵ لە بەرەبەری نەورۆز و هاتنی ساڵی نوێدا، لە یازدە ئاواییی دەوروبەری ئەم شارە لقی خۆی کردووەتەوە؛ کردنەوە و دەستبەکاربوونی ئەم لقانە لە ئاواییەکان، بۆ ئاوڕدانەوەیەکی جدییە لە کۆمەڵگا و منداڵانی لادێنشین؛ بەتایبەت بە پەرەپێدانی بارهێنان و گەشەی منداڵان هەر لە سەرەتاوە لە ڕێگای فێربوون و خوێندنی زمانی دایکی. بۆیە ناوەندی ڤەژین بە گرتنی یادی نەورۆز و کۆڕوکۆبوونەوە لەو یازدە گوندە و هەروەها بڵاوکردنەوەی ۱۲۰۰ کتێبی کوردیی تایبەت بە منداڵان وەک نەورۆزانە ژارو چالاکییەکانی بەڕێوە برد.
ناوەندی فەرهەنگی-هونەریی ڤەژین ئەیەوێت بە شێوەیەکی سەردەمیانە ئاوڕ لە بواری فەرهەنگیی لادێکان بداتەوە.
ئەو گوندانەی کە ئەمساڵ لقی ڤەژینیان لێ کرایەوە، بریتین لە: ئەڵمانە، بەردەڕەشە، سێفی ژوورو، دەرەتفێ، گوماڕەلەنگ، یەنگیجە، ولەژێر، حەسەناوڵە، مووسک، سەردۆش و کانی سانان؛ کە لە هەموویان کۆڕ و بەرنامەی بۆ گیراوە و بە کردنەوەی ئاگر و هەڵپەڕکێ و خوێندەوەی شیعر و سرود، دواتریش کتێبەکان بڵاو کراونەتەوە. ئەم کارەی ناوەندی ڤەژین لەگەڵ پێشوازییەکی گەرم و بەتینی خەڵکەکە ڕووبەڕوو بووەوە.

نابودی منابع عظیم گیاهان کوهستانی، خوراکی و دارویی

■ کمیته آموزش انجمن سبز چیا

از جای پای روزهای بارانی و خیس گرفته تا برداشت بی‌رویه گیاهان در مراتع و دامنه‌ها که دیگر نفسی برای سرسبزی آن‌ها باقی نمانده است، هیچ‌چیز در این کره خاکی از دخالت انسان بی‌تأثیر نمانده است. همان‌طور که می‌دانیم گیاهان فقط در یک مرحله قادر به رشد دوباره هستند آن‌هم در مرحله پنجه‌زنی.
رشد دوباره: گیاهان در این مرحله دچار پاخورگی یا استرس شده و بعد از چند روز، دوباره رشد می‌نمایند.
رویش دوباره: در اثر آب کافی و فراهم شدن شرایط، بذرهای خاک جوانه‌زده و قادر به سبز شدن می‌باشند. که همان خالی شدن بی‌رویه بانک بذر خاک می‌باشد.
چند سالی است گیاهان کوهستانی منطقه رو به نابودی می‌روند.
اما گویا ریشه‌های اصلی نابودی گیاهان هر مکانی، نبود معیشت کافی و فقر در آن مکان است. منطقه سه یا همان منطقه محروم مناطقی از کشور می‌باشد که نبود امکانات و اختیارات کافی، مردم را به‌طور مخرب به دامان طبیعت فراخوانده است.
گیاهان در مناطق کوهستانی منبع درآمد عده‌ای از مردم منطقه در فصل بهار و تابستان می‌باشد، لذا آموزش چگونگی برداشت پایدار گونه‌های گیاهی خوراکی، دارویی و چگونگی رشد و تکثیر و از بین رفتن آن‌ها ضروری می‌نماید تا شاید آن‌هایی که به این کار مشغول‌اند، فکری جدی برای تغییر روش کار و برداشت اصولی اتخاذ کنند.

نحوه رویش گیاهان کوهستانی:
گیاهان کوهستانی در یک تقسیم‌بندی نسبت به کندن و ریشه‌های آن‌ها و قرار گرفتن داخل خاک در نقاط خاصی قرارگرفته‌اند. مثلاً کنگر در پاره‌ای از نقاط هم داخل خاک‌های نرم و زمین‌های کشاورزی و هم در کوهستان و زمین‌های سنگلاخ می‌روید.
باید در نظر داشت اگرچه نقاطی که دارای گیاهان خوراکی کوهستانی هستند بیشتر در معرض نابودی قرار می‌گیرند، گیاهان دارویی و علف‌های هرز هم که ازنظر تشکیل فضای سبز کوه‌ها و دشت‌ها و کامل نمودن زیست بومی سالم نقش بسزایی دارند، نیز آسیب می‌بینند.
قدم‌های بیشمار و آرامی که جهت برداشت گیاهان در روزهای بارانی و زمانی که زمین هنوز خیس و گلی است به‌طورجدی در تخریب زیست‌بوم سالم و حیاتی دخالت مستقیم دارند. چه‌بهتر انانی که در این زمینه مشغول‌اند به فکر بذر گیری و تکثیر گیاهان باشند تا حداقل بخشی از خسارات وارده را جبران کنند.

تکثیر گیاهان از راه ریشه، مرغ، ساقه، برگ و بذر
روند رشد و تکثیر انواع گیاهان متفاوت است. همیاری و همدلی خود روستاییان که صاحب این منابع می‌باشند در نگهداری و احیا گیاهان کوهستانی نقش بسزایی دارد. مسئله مهمی که در تکثیر گیاهان نقش اساسی دارد بانک بذر خاک است.
بانک بذر چیست؟ مقدار بذر ذخیره‌شده در عمق‌های مختلف خاک(تا یک متر و بیشتر) که در اثر رطوبت و فرسایش خاک فعال می‌شود. بذرها به‌طورکلی ازلحاظ طول عمر و قوه نامیه و قدرت نامیه با همدیگر فرق دارند. یعنی از یک سال تا چندین سال می‌توانند در خاک به‌صورت خفته زنده بمانند. بانک بذر از طرق مختلف فعال و یا از بین می‌رود . بذرها زمانی جوانه می‌زنند که آب، رطوبت و اکسیژن کافی به آن‌ها برسد. میزان شدت گرما هم در رشد آن‌ها مؤثر است.

منابع مهم و روبه نابودی حاشیه زاگروس و چل چه مه:
پیچک، مەنێ، کنگەر، گیلاخه، شنگ، خوژه، پسڵ، ڕێواس، سورەبنه، گەبڵە، هاز، بەڕەزا، هەزبێ، کەرەوس، پەنەوشە، ناخونک، بوژانه، گوڵە مێزمەڕ، گوڵەحاجیانه، موسیر کێوی، بنەکاڵاقن، ریشەی ڕێواس، قارچک کێوی، کنیواڵ، کاشمه، گەزنه، پەی کوڵ، پڵپینه، گۆزروان، قازیاخه، کووزەڵە، چاوکتکه، سۆلان، زەو، کەما، لۆ، چنوور، گیاه ڕێواسی، گوڵاڵەسوورە

خەرمان بەرەکەت نیشتمان

ڕاگەیندراوی ئەنجومەنی سەوزی چیا بە بۆنەی چوارەمین ساڵی بەردەوامی هەڵمەتی دێتەکانی

ئازیزان، ژینگەپارێزان و ژیانبەخشانی کومیتەی دێکانی ئەنجومەنی سەوزی چیا:
وێرای پیرۆزبایی بە بۆنەی هاتنی نەورۆزی ساڵی ۲۷۱۷ی کوردیەوە، هەواڵی هەڵمەتی هاودەنگ و هاوکاتی ئێوەی ئازیز لە چوارەمین ساڵی خاوێن کردنەوە و بەرز ڕاگرتنی کولتووری شیاوی ژینگەپارێزی (دێ تەکانی)، دڵ و دەروونی هاو نیشتمانان و وڵاتپارێزانی خۆش کرد، هەواڵێک کە ئەیکەین بە چەپکەگووڵی درەوشاوەی دیاریی بۆ نەورۆز و ساڵی تازە. چ ئەمەکدارانە و چ سەرکەوتووانە ڕۆشتن بە پیری نەورۆزەوە. هەنگاوەکانتان ئەکەین بە بەردی بناغەی ساز کردنی نیشتمانی بێ زبڵ. نیشتمانێ کە بە پوختەیی و پاکی لە دونیادا بەناوبانگ بێت و قەد ئاڵای خۆشەویستی و ژینگەپارێزی و ئازادیی دانانەوێ.
شەکاوەتر بێت ئاڵایەک کە لە سەر دەستی ماندوویی‌نەناس و بەردەوامی ئێوە لە ڕێگای ئاوەدانیدا هەڵکراوە. بەرز و بەڕێز بێت هەنگاوی پتەو و بەرزداگرتان لە ڕێگای بونیادنانی نیشتمانی بێ زبڵدا.
هیوادارین هاونیشتمانیان ئەم ئەرکەی ئێوە کە بە جوانترین شێواز بە جێتان هێنا، بکەن بە نموونەی پاراستنی لەمە زیاتری ژینگە تا چیتر زبڵێک نەمێنێت تا هەڵگیرێت و پیسیەک نەبێ تا خاوێن بکرێتەوە.

ئەنجومەنی سەوزی چیا
۲۸ی ڕەشەمەی ۲۷۱٦

چوارەمین هەڵمەتی دێتەکانی لە گوندەکانی مەریوان و سەوڵاوا بەڕێوە چوو

خاوێن کردنەوەی ئاواییەکان و چەم و کانییەکان، لە هەر چەشنە زبڵ و پاشماوەیەک و گۆرانی ڕوخساری دێهاتەکان بۆ ساڵێکی نوێ. هەڵمەتێکی ژینگەیی کە بۆ ماوەی چوار ساڵە لە لایەن کومیتەی دێکانی ئەنجومەنی سەوزی چیا بەڕێوە ئەچێت، بە پێی بەرنامەیەکی هەماهەنگ ئەژمارێکی زۆر لە دێهاتەکان بە بەشداری زۆرینەی خەڵکی ئاوایی و بە دروشمگەلی ژینگەیی دەست ئەدەنە خاوێن کردنەوەی ژینگەی ئاوایی.
لە هەڵمەتی دێ تەکانی ئەمساڵیشدا زیاتر لە ۸۰ ئاوایی لە گوندەکانی مەریوان و هەورامان بە هاوکاری و هەماهەنگی کومیتەی دێکانی ئەنجومەنی سەوزی چیا بە دروشمی "نا بۆ پاڵاوگە"، دەستییان دایە خاوێن کردنەوەی ژینگە و گوندەکانی خۆیان.
ئەوەی زیاتر دڵخۆشکەر بوو هێمنی و ئارامی ناو دێکان بوو بەشێوەیەک نەک دەنگی تەقە نەدەبیسترا بە ڵکوو بەپێچەوانەوە پێکەنین و ئارامی و بە هەست بە بەرپرسیاریەتی لەهەمبەر ژیان و ژینگەی وڵاتەکەیانەوە، بەرەو پیری نەورۆز چوون.

بحران آب؛ خشونت و آینده مبهم (بخش۳)

این شماره: وضعیت آب ایران بحرانی است

■ ایرج قادری

چاه‌های لبریز از خاک، سقف‌های فروریخته، چشمه‌ها و نهرهای خشکیده و کوچه‌هایی که سال‌هاست صدای پای کسی در میان دیوارهای نیمه‌جانش طنین نینداخته است. این‌ها نه جملاتی از داستانی تلخ که تصویر آشنای بسیاری از روستاهای فلات مرکزی ایران است. قلعه‌های بزرگ و کاروانسراهای متعدد و وسیع در قلب بیابان‌های امروز نشانگر حضور تمدن پررونق درگذشته دور و باغ‌هایی که سال‌هاست بر تن سوخته‌ی درختانش برگی نروییده، یادآور حضور آب و سایه‌ساری دل‌چسب در روزهای نه‌چندان دور است (مسعود بربر، آذر ۹۵) این تصویر دست‌کم ۳۴ هزار روستای ایران است که معاون امور روستایی رئیس جمهور در ۶۰ سال گذشته از مهاجرت روستاییان اعلام کرد و کارشناسان «خشک‌سالی مدیریتی» را مقصر می‌دانند.

محمد درویش، مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست، در تشریح دلایل خالی شدن روستاهای ایران می‌گوید: بخشی از این دلایل به جذابیت‌هایی که در شهرها به وجود آمده برمی‌گردد و بخش دیگر به این‌که در روستاها، اقتصاد جواب نمی‌دهد و ما هم اشتباه راهبردی کردیم و فکر کردیم اگر امکانات را به روستا ببریم مردم در روستا می‌مانند. پول خرج کردیم، جاده‌ها را آسفالت کردیم و لوله‌کشی آب بردیم و برق و تلفن بردیم اما درواقع روستاها به یک سکونتگاه ییلاقی برای برخی شهرها تبدیل شد و روستاها ماهیت خود که یک مرکز تولیدکننده بودند را از دست دادند. او تأکید می‌کند: بسیاری می‌گویند به دلیل گرمایش جهانی و تغییر اقلیم و خشک‌سالی است که روستاها خالی می‌شود. درست است که کشور ما دچار فرایند تغییر اقلیم شده و خشک‌سالی‌ها در آن شدیدتر می‌شود اما یک خشک‌سالی بسیار شدیدتری در کشور وجود دارد و عملکرد نابخردانه مدیریتی ما و عدم توجه به ملاحظات آمایش سرزمین تمرکززدایی سبب شد روستاهای ما به‌شدت با پدیده مهاجرت و متروکه شدن روبه‌رو شوند. موضوعی که من به آن خشک‌سالی مدیریتی می‌گویم.

در ایران چه بر سر منابع آبی آمده است؟

متوسط میزان بارندگی سالانه در ایران در ۲۰ سال گذشته ۲۵۰ میلی‌متر بوده و اکنون به ۲۰۵ میلی‌متر رسیده است (پاک‌دل، ۱۳۹۵). نرخ بارندگی در ایران تنها یک‌سوم میانگین جهانی بوده درحالی‌که میزان تبخیر آب در ایران ۴ برابر میانگین دنیا است. فقط در ۴ دهه گذشته بیشتر منابع آبی زیرزمینی خود را که میراثی صدها هزارساله بود را به بهانه توسعه و رونق کشاورزی تاراج کرده و بیشتر دشت‌های خود را به ورطه نابودی و بیابانی شدن کشانده‌ایم. ایران در ۴ دهه گذشته ۱۲۰ میلیارد مکعب آب‌های شیرین فسیلی خود که حدود ۷۵٪ آب‌های شیرین زیرزمینی بود را مصرف کرده است که حدود ۷۵ میلیارد مترمکعب آن فقط در ۸ سال گذشته بوده است. منابع آب تجدیدشونده در ایران هم‌اکنون ۲۵ درصد متوسط جهانی آن است. کشورهایی که ۲۰ درصد از آب‌های تجدید پذیر را استفاده می‌کنند از خطر کم‌آبی و بی‌آبی مصون هستند. از دید سازمان ملل و طبق استانداردهای بین‌المللی کشورهایی که ۲۰ تا ۴۰ درصد از آب‌های تجدید پذیر را استفاده می‌کنند، اگر علمی برخورد نکنند، با خطر مواجه می‌شوند. کشورهایی با مصرف بیش از ۴۰ درصد از آب‌های تجدید پذیر وارد بحران می‌شوند و تنها دو کشور بالای ۴۰ درصد از آب‌های تجدید پذیر استفاده می‌کنند، یکی مصر با ۴۶ درصد مصرف و دیگری ایران است که بین ۸۰ تا ۹۶ درصد از آب‌های تجدید پذیر استفاده می‌کند (عیسی کلانتری ۱۳۹۳).

به‌تازگی گزارشی از طرف ناسا درباره شرایط جوی زمین در ۳۰ سال آینده منتشرشده که باعث نگرانی بسیاری از کشورهای جهان ازجمله کشورهای خاورمیانه شده است. در این گزارش آمده است که به دلیل شرایط لایه او زن و همچنین انحراف زمین به میزان یک میلیونم درصد از مسیر چرخشی خود به دور خورشید ۴۵ کشور جهان دچار خشک‌سالی شدید شده و در صورت عدم ذخیره منابع آبی دچار بحران در تولید کشاورزی و همچنین دامداری خود می‌شوند؛ اما نکته قابل توجه در این گزارش رتبه چهارم ایران در فهرست ۴۵ کشور در معرض خطر است.

روزنامه واشنگتن‌پست در تیرماه ۱۳۹۳، اعلام داشت ایران در بین ۲۴ کشوری قرار دارد که وضعیت آب در آن‌ها خطرناک است. واشنگتن‌پست، بحران ایران را ناشی از برنامه‌ریزی نادرست دانسته است. در خردادماه سال ۱۳۹۳ خورشیدی، خبرگزاری جهانی طبیعت با انتشار خبری، بحران شدید آب را برای ایران بزرگ‌ترین چالش در دوران معاصر خواند. در این گزارش آمده است که بر اساس مستندات راهبردهای بین‌المللی آینده (FDI)، ایران از سال‌ها پیش در معرض بحران آب قرار داشته است، اما در سه دهه اخیر برای آن گامی برداشته نشده است. این گزارش حاکی از آن است که ایران از مرحله آمادگی برای خطر عبور کرده و هم‌اکنون درخطر قرار دارد (ویکی‌پدیا).

ایران در آستانه بیابانی شدن

بحث فرونشست زمین در ایران طی سال‌های اخیر بارها در صدر اخبار قرارگرفته است. کارشناسان و مقامات در حوزه‌های مختلف نسبت به خطرات ناشی از فرونشست زمین هشدار داده‌اند. به گفته کارشناسان دلیل عمده فرونشست در اغلب دشت‌های ایران مانند دشت اصفهان، قزوین و تبریز افت سطح "ایستابی" است. ایستابی به معنای بالاترین تراز آب زیرزمینی بر روی یک سطح مشخص در زیرزمین است. دو دلیل عمده این افت، کمبود بارندگی‌ها به دلیل تغییرات اقلیمی و برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی است. ایران چندین سال است که با هردو موضوع مواجه است و هنوز برای کمبود بارندگی و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی راهکارهای عملی در نظر گرفته نشده است. در میان استان‌های ایران، استان تهران به گفته کارشناسان بالاترین سطح فرونشست را به خود اختصاص داده است. طبق گزارش سازمان زمین‌شناسی، سالانه ۳۶ سانتی‌متر در برخی از مناطق تهران، دشت‌های غرب و جنوب غرب فرونشست زمین رخ می‌دهد. میزان فرونشست در تهران و دشت‌های اطراف آن از کل دنیا "بیشتر" است. مجتبی محمدی (۱۳۹۵) با اشاره به وضعیت نامناسب منطقه خراسان عنوان کرده که از ۷۶ دشت استان خراسان، ۷۲ دشت در وضعیت "بحرانی" به سر می‌برند. به گفته این کارشناس، دشت‌های کاشمر، مشهد، نیشابور، سرایان و اسفندان از دشت‌هایی هستند که افت سطح آب زیرزمینی سالیانه در آن‌ها بیش از یک مترو نرخ فرونشست نیز حدود ۳۰ سانتی‌متر است.

طهمورث یوسفی (رئیس مرکز مطالعات زمین‌شناسی جنوب کشور) وضعیت فرونشست استان فارس را بحرانی ارزیابی می‌کند. ایشان به‌ویژه با اشاره به شهرستان جهرم اعلام می‌کند که در پی برداشت بی‌رویه آب در جهرم، عمق چاه‌ها در این شهرستان به ۶۰۰ متر رسیده است. پدیده فرونشست در بسیاری از نقاط کشور روی داده است و این پدیده تنها مختص به ایران نیست، اما شرایط ایران بحرانی توصیف می‌شود. بر اساس آمار جهانی بیش از ۱۵۰ منطقه فرونشست کرده در جهان شناسایی شده است، اما ایران در طی سه دهه سطح آب‌های زیرزمینی‌اش به ۱۵ متر کاهش یافته است. کاهش این سفره‌های زیرزمینی سبب نشست زمین می‌شود که آخرین مرحله بیابان‌زایی است. این همان زنگ خطری است که کارشناسان معتقدند به صدا درآمده، اما مشخص نیست برای چه کسانی.

مدیرکل دفتر توسعه پایدار و اقتصاد سازمان محیط زیست با بیان این‌که در حال حاضر ۲۹۷ دشت از ۶۰۰ دشت ایران خشک‌شده است، می‌گوید که ایران بیش از سه برابر ظرفیت در حال برداشت از زمین و درنتیجه تهی کردن سرمایه طبیعی کشور است و اگر روند فعلی ادامه یابد، روند بیابانی شدن ایران نیز تشدید خواهد شد.

ایران که از دیرباز با پدیده کم‌آبی دست‌وپنجه نرم می‌کرده است، نه‌تنها مدیریت کارآمدی برای منابع آبی خود در پیش نگرفته است که با برداشت بی‌رویه ۹۷ درصدی از آب‌های سطحی، عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشکانده است. این موضوع درحالی‌که اتفاق می‌افتد که سفره‌های آب زیرزمینی نیز از تجاوز ایرانیان در امان نمانده و با احداث بی‌حساب‌وکتاب چاه‌های کشاورزی، کانال‌های زیرزمینی نگهداری آب تخریب‌شده و به خشک‌تر شدن و شوری خاک انجامیده است.

به‌جز این در فضای عمرانی کشور تب سدسازی آن‌قدر بالا گرفته بود که نه‌تنها مدیران بلکه برخی نمایندگان مجلس نیز به فکر دریافت بودجه برای ساخت سدها افتاده بودند. سدهایی که گفته می‌شود میزان تبخیر آبشان تقریباً معادل نصف آب مصرف‌شده در بخش کشاورزی است (محمد درویش، ۱۳۹۵).

۶۰ درصد از سدهای هزاران میلیارد تومانی ما بدون آب مانده‌اند و با جاده‌سازی‌های غیرضروری و غیراصولی بسیاری از مناسبات حاکم بر طبیعت کشور را برهم زده‌ایم. تالاب‌ها یکی پس از دیگری خشک می‌شوند و سدها از پس هم ساخته می‌شوند. حفر چاه‌های عمیق خارج از کنترل رو به ازدیاد بوده و بدون در نظر گرفتن منابع آبی موجود، ازدیاد جمعیت را نشانه رفته‌ایم. دورنمای ما از پایداری وضعیت در آینده به همان اندازه غبارآلود است که وسعت دید مردمان غرب کشور در اثر ریزگردها. در ایران تاکنون تنها ۳ درصد منابع آب صرف منابع زیرزمینی شده است و عمده هزینه‌ها در آب‌های سطحی صرف شده است و طبیعی می‌نماید که تب ابر شرکت‌ها در ارزیابی‌های گتوندی سدها و عطش آن‌ها برای جذب بودجه‌های هنگفت در سدسازی را شاهد باشیم. هزینه‌هایی که مبالغ آن هر بازرگانی را به‌سوی خود می‌کشد و هر متخصصی را ساکت می‌کند!

کوچ اجباری ۳۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی

آن‌طور که عیسی کلانتری، مشاور معاون اول رئیس جمهوری در امور آب، کشاورزی و محیط زیست در این خصوص می‌گوید، در سال‌های گذشته وزارت نیرو جرئت اعتراف به واقعیت را نداشت؛ اما حالا بحران خشک‌سالی به‌اندازه‌ای رسیده که مسئولان متوجه قهقرای کشور شده‌اند، زیرا درحالی‌که حاضر ۷۰ درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این ازنظر استانداردهای جهانی یعنی رخداد فاجعه بزرگ.

وزیر اسبق کشاورزی با تأکید بر این‌که بحران خشک‌سالی در ایران به وضعیتی رسیده است که حیات و تمدن سرزمین در معرض تهدید قرارگرفته است، می‌گوید: مطابق برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و در آینده نه‌چندان دور حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، کدام کشورها حاضرند ۴۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟! وی در جمع خبرنگاران و کارشناسان در بنیاد امید ملی ایرانیان می‌گوید: درحالی‌که حاضر در جزیره ماند یل هند ادامه سکونت غیرممکن شده است و این جزیره گاه‌وبیگاه به زیر آب می‌رود. این در شرایطی است که ماند یل تنها ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اما دولت هند برای انتقال این جمعیت دچار دردسر شده است. ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟

سد گاران و دریاچه زرّیبار

■ محسن افروشه

کارشناس ارشد عمران_مهندسی آب

هر نوع ابزار، تکنولوژی و صنعتی در جهان دارای محاسن، مزایا و فوایدی برای تسهیل زندگی انسانها بوده و در صورت عدم مدیریت آنها می¬تواند به معضلاتی برای بشر تبدیل شود. صنعت خودرو جهت رفاه و زود به مقصد رسیدن و سفر راحت و لذت بخش برای انسان ارزشمند است در حالی که خودروها در جنگها و در تسریع هلاکت انسانها نیز متاسفانه نقش تعیین کننده¬ای دارند. هر ابزاری که بشر ابداع کرده ابتدا درجهت اهداف انسانی و ارزشمند مورد استفاده واقع شده و بعدها انسانهای سلطه گر، منفی و متکبر در جهت منافع و امیال فردی و عمومی و جمعی استفاده نابجا کرده¬اند و کل جامعه انسانی را دچار مشکلات آن نموده¬اند. سدها نیز که با هدف ذخیره آب و تولید برق به عنوان سازه ای مفید در خدمت بشریت با قدمتی ۱۵۰۰ساله به پیشرفت امروز رسیده اند از این قاعده مستثنی نیستند.

ذخیره آب حاصل از بارش و احداث سدها با هدف جلوگیری از طغیان رودخانه ها و افزایش عملکرد محصولات کشاورزی و توسعه بخشهای صنعتی و تولید برق سالم در جهان رونق گرفته است .

تا سال ۲۰۱۰ تعداد ۸۴۵۰۰۰ سد در جهان ساخته شده است. تا سال ۲۰۰۸ حدود ۲۰ سد با مخزنهای بزرگتر از ۵۰ میلیارد مترمکعب در دست ساخت و یا در دست بهره¬برداری وجود داشت. یعنی هر کدام از این سدهای بزرگ حداقل ۵۰۰ برابر سد مخزنی گاران حجم دارند.

مهار آبهای سطحی در تمام کشورهای جهان امری بدیهی و قابل قبول شده است. هر فردی حق دارد آب پشت بام منزل خود را مدیریت و استفاده نماید. توزیع بارش در کشورما، با نیازهای بخش کشاورزی هم¬خوانی ندارد. بارش در پاییز و زمستان و دو ماه از بهار انجام می¬گیرد در حالی که نیاز آبی بخش کشاورزی از پایان بارش¬ها شدید شده و بیشتر محصولات در تیر و مرداد به اوج نیاز آبی خود می¬رسد. افزایش جمعیت نیازمند توسعه بخش کشاورزی و باغی بوده و تولید محصول با عملکرد قابل قبول و اقتصادی فقط در بستر تولید محصولات آبی امکان پذیر خواهد بود.

سد مخزنی گاران با هدف مهار سیلابهای بهاری رودخانه گاران، تامین آب شرب شهر مریوان و تامین آب بخش کشاورزی دشت¬های شهرستان مریوان احداث گردیده است. هم¬چنین به عنوان امورات زیست محیطی بخشی در رودخانه گاران رها سازی می¬شود. در اهداف طرح، آب مستقیم به دریاچه زریبار اضافه نخواهد شد ولی تامین آب شرب مریوان و توزیع آب کشاورزی باعث تغذیه سفره آزاد دشت مریوان و زریبار شده و تا ابد این نگین سرزمین ما خواهد درخشید.

در حال حاضر توسعه باغات کوچک اطراف دریاچه نفس دریاچه را قطع کرده و از خون دریاچه در باغات استفاده شده و اگر امیدی به سدگاران نبود قطعاً به علت کوچک بودن حوضچه آبریز دریاچه زریبار و کم شدن بارشها وافزایش بی رویه باغات، با اهداف غیر کشاورزی، باغی و بیشتر تفریحی و افزایش چاههای غیرمجاز و مهمتر از همه تامین آب شرب از دشتهای نی، بیلو و ریخلان می توانست صدمات جبران ناپذیری به پیکره ی زیبای دریاچه زریبار بزند. سدگاران را دوست بداریم چون برادر و همیار دریاچه زریبار خواهد بود و نوشداروی دردهای دریاچه زریبارخواهد شد.

امید است کارشناسان بخش کشاورزی که آب سدها تحویل آنها خواهد شد با مدیریت مزارع و انتخاب صحیح سیستم های آبیاری نوین مانع زه¬دار شدن دشتها و اراضی مریوان شوند. حجم بالای آبی که به دشت مریوان تزریق می¬شود، در صورت عدم مدیریت صحیح و عدم احیای زهکشهای سطحی از جمله رودخانه کلین کبود، می¬تواند صدمات و معضلات جدیدی را برای ساکنان شهر و حاصلخیزی دشتها به وجود آورد.

ڕەمزی ژیانەوە

■ سامان غەزالی

لە ناو وەرزەکاندا بەهار جێگەوپێگەیەکی تایبەتی هەیە و لە ناو بەهاریشدا نەورۆز ڕۆڵی سەرەکی دەگێڕێ. نەورۆز جێژنی لەمێژینەی نەتەوەکانی نیشتەجێی زاگرۆسە و بەشێکە لە فەرهەنگی پڕ پیتی زاگرۆس. مێژووی نەورۆز دەگەڕێتەوە چەند هەزار ساڵ پێش و سەردەمی میترا و زەردەشت. نەورۆز دەستپێکی ژیانەوە و ڕزگاریی سروشت لە بەند و یەخسیری زستان و تێپەڕبوونی کۆسپ و چەڵەمەی سەرما و بەفر و ئازادبوون و سەروەدەرنانی گیا و زەمەند و شین¬بوون لە سەر پنجی خۆیەتی.

گەر بە ڕەهەندێکی دیالێکتی چاو بە سەر سروشتدا بخشێنین، نەورۆز سەنتێزی خولقاوی تەبیعەتە. بوونی زوڵموزۆر و سەختیی زستان پێویستێکی حاشا هەڵنەگرە بۆ خولقاندنی ئەو ڕەهەندە دیالێکتییە و ئافراندنی سەنتێز و ژیانێکی نوێ. بەهار (سەنتێز) کە تەواوی جوانییەکان لە خۆیدا دەخولقێنێ، هێدی هێدی لە ڕەوڕەوەی جووڵانەوەی دیالێکتیدا دەبێتە تێز و وەرزەکانی تر، واتە هاوین و پاییز و زستان (ئانتیتێز)، بەربەرەکانێی لەگەڵدا دەکەن و سەرلەنوێ بەهار و نەورۆز دەخولقێنەوە. ئەو بەربەرەکانێیە بە مانای لەناوچوونی بەهار لە وەرزەکانی تردا نییە، هەر بەو شێوەیەی کە هاتنی بەهار بە مانای لەناوچوونی وەرزەکانی دی نییە، تەواوی وەرزەکان لێک کەڵک وەردەگرن و پێکهاتەکانی وەرزێک لە ناو وەرزی دواتر، بەردەوامن لە ژیان کردن، تەنیا ڕەنگ دەگۆڕن و دیمەنی نوێ و تازە دەخولقێنن و بوونەوەرەکان سەرسام دەکەن.

لەو ڕەهەندە دیالێکتییەدا ئەوەی بەڕوونی دێتە بەرچاو، گۆڕانکاری و ئافراندن و خولقاندنە، کە مانای ڕاستەقینەی ژیان لە خۆ دەگرێت؛ بە واتایەکی تر خولقاندن و گۆڕانکاری بوونی نەبێت، ژیانیش هەبوونی خۆی لە دەست دەدات؛ دەتوانین بڵێین سروشت لە جەبرێکی گۆڕان و خولقاندایە بۆ مانەوە و بەردەوامیی ژیان. ئەم جەبرە ڕێک بە سەر کۆمەڵگای ئینسانی و سروشتیدا زاڵە؛ هەر بوونەوەرێک یان کۆمەڵ و کۆمەڵگایەك خۆی سازگار لەگەڵ یاسای دیالێکتی سروشت نەکا مەحکووم بە لەناوچوونە؛ مێژوو پڕە لەو نموونانە.

ڕۆژهەلاتی ناڤین ناوەندی بیرۆکە جیاوازەکانە لە سەردەمە جۆراوجۆرەکانی مێژوودا؛ لانکەی ئایینەکان و ڕەوتە فکری و فەلسەفییەکان، قووڵایی زاگرۆس و دەشتەکانی مێزۆپوتامیا و کەنار ئاوەکانی دیجلە و فوراتە. میترا، زەردەشت، یەهوود، مەسیح، ئیسلام، مانی و مەزدەك و... لەو بازنە جوگرافییەدا هەڵکەوتوون و سەریان هەڵداوە. فەلسەفەی ژیانی ئەم ئایینانە پێکەوە ژیانێکی ئەخلاقی نێوان تاك و کۆمەڵگا لەگەڵ تەبیعەتدا بۆ پارادایمی سروشت دایکە و دەبێ پارێزگاری لێبکرێ، بەشێکی دانەبڕاوی فەلسەفەی ئەم ئایینانەیە. خوداکان و ئوستوورەکان ئیلهام¬گرتوو لە تەبیعەتن؛ میترا، ئاناهیتا، ئەهوورا مەزدا و... بە واتای خودای خۆر، ئاو، ئاور، زانست و... دێن؛ مانی بە نیگارکێش ناسراوە. نیگارکێشی، خۆی هەڵقوڵاوی سروشتە؛ بۆیە مانیی پێغەمبەر ڕوو دەکاتە نیگارکێشی تا پێوەندیی نێوان مرۆڤ و سروشت بەردەوام کا، کە لە سەردەمی ساسانییەکاندا خەریکی دابڕان بوو.

فەلسەفەی ئەم ئایینانە پارێزگاری لە سروشتە بۆ بە کارا کردنەوە و بەردەوام کردنی ویژدانی جەمعی و ئەخلاقی کۆمەلایەتی. ئەخلاق وەها پێناسەیەکی دەکرد بۆ کۆمەڵگا: "بۆ بە¬ردەوامیی ژیانی مرۆڤ، پیویستە تەبیعەت بپارێزرێ؛ مرۆڤ بەشێکە لە تەبیعەت، نەك خاوەنی تەبیعەت؛ مرۆڤ بەرهەمی سروشتە و تەواوی پێداویستییەکانی ژیانی لە سروشتەوە وەردەگرێ". ڕێزگرتن لە سروشت، بوونەوەرەکان و ئاوەدان¬کردن و کشتوکاڵ بەشێکی سەرەکی لە ئایینە کۆنەکانی ڕۆژهەلاتی ناڤین لە خۆ دەگرێ؛ زەردەشت نەهی دەکا لەوەی قوربانی دەکا و خوێنی ئاژەڵێك دەخاتە سەر زەوی.

دەتوانین ئەم سەردەمەی ئێستا، بە سەردەمی کەوتنە دژایەتی لەگەڵ سروشت و ژینگە پێناسەی بۆ بکەین. هۆکارەکەی کەوتنە نێو زەلکاوی بیرۆکەی پووڵ_هێز بە هەر چەشنێك کە دەست کەوێیە؛ بە واتایەکی تر لە هیچ هەنگاوێك سڵ ناکەین و لە هیچ کارێك ناپرینگێینەوە، لە پێناو گەیشتن بە ژیانێکی باشتری ئابووری؛ چون تەواوی پێناسەی ژیان لە سەردەمی سەرمایەداریدا لە بێژنگی پووڵ_سەرمایە دەدرێ و هەڵسەنگاندنی بۆ دەکرێ. ئەو بیرۆکە هەڵقوڵاوی چینی دەسەڵاتدارە و مەبەستیانە بە کەرەسە جۆراوجۆکان، ئەو شێوازە فیکرییە تێکەڵاوی خوێن و پێست و ئێسقانی کۆمەڵگا بکەن.

ئابووری، بەشێکی دانەبڕاوە لە کۆمەڵگا. بەڵام نرخاندنی کۆمەڵگا تەنیا لە دەلاقەی ئابوورییەوە، هەڵەیەکە لە ئاستی خەسارەکانی ژینگەیی ئەمڕۆی لێدەکەوێتەوە. لە لایەکی تر دابڕانی کۆمەڵگا لە مێژوو، هاوکات دەبێ لە گەڵ ڕەوڕەوەی مەرگی کۆمەڵگاکە. هەر کەس، کۆمەڵ یان کۆمەڵگا لە مێژووی خۆی دابڕێ ئەوا زووتر دەستەمۆ دەبێ و ئاسانتر دێتە ژێر هەژمۆنیی سەرەوە؛ نمونەیەك دەتوانێت شتەکان ڕوون کاتەوە؛ پێشینییان دەڵێن گیا لە سەر پنجی خۆی دەڕوێ یان شین دەبێ، ئەمە دوو واتا دەگەیەنێت؛ یەك: گیا گەر لە سەر پنجی خۆی نەڕوێ، بژار، زیادی یان باشتر بڵێین ناخەلەف و بیژوو و ناڕاستە و دژی ڕەوەندی سروشتە؛ دووهەم: گیا گەر لە سەر پنجی خۆی نەڕوێ تەمەنی کورتە. ئەمە بەئاسانی دەتوانین لە گۆمەڵگادا ببینین؛ کەسێك کە لە مێژووی دادەبڕێ کەسێکی سەرلێشێواوە و دژی تەواوی نرخە کۆمەڵایەتییەکان دەوەستێتەوە؛ کۆمەڵگای دابڕاو لە مێژووش تەمەنی کورتە و تووشی دارمانی دەبێ.

دەسەڵاتداران و دەسەڵاتخوازان بە هاتنە ئارای زانست_تەکنۆلۆژی_دونیای مەجازی و بەهرەگرتن لە دەستاوەردەکانی توانیی کۆمەڵگا لە کاتشوێن دابڕێنێ و مێژوو کورت کاتەوە و کات و شوێن لە سەردەمی سەرمایەداریدا قەتیس بکا؛ مەبەست لەو کارە سڕینەوەی مێژوو و غەنای فەرهەنگی لە مێشکی میللەتان بوو. مێژوویەك کە پڕاوپڕە لە جوانی، ئەخلاق، خۆڕاگری و هەروەها پڕاوپڕە لە بیرۆکە جیاوازەکان و ڕێزگرتن لە سروشت و هاودەمی و پێکەوەژیان. سروشتێك کە پێکهێنەری غەنای فەرهەنگی و ئەخلاقە، خەریکین لە ناوی دەبەین، گەر ڕامانێکی وردی بۆ بکەین دەبینین لە ناوچوونی جوانی و دیمەن و دیالێکتی تەبیعەت بە واتای لە ناوچوونی ئەخلاق و فەرهەنگ و دواتر مرۆڤە؛ بە مانایەکی دی کەوتووینە دژایەتی لەگەڵ خۆمان.

پێداویستیی ڕووحی مرۆڤ، جوانی و ئاواز و سروشتە؛ جوانی و ئاواز خۆی سەرچاوە گرتوو لە تەبیعەتن؛ هەر بۆیەش مرۆڤێك ناناسین کە بڵێ من وەرزەکان هیچ کام لە وەرزەکانم پێ خۆش نییە؛ مرۆڤێك ناناسین کە بە دەنگی بولبول و خوڕەی ئاو و قاسپەی کەو لە داوێنی چیا ئۆقرە نەگرێ و ئارام نەبێ. تەنانەت مرۆڤی قەتیس¬بووی ناو شارەکان لە هەلێك دەگەڕێن بچنە ناو سروشت و دوور بنەوە لە ژیانی میکانیکی.

سەردەمەکە وا هەڵدەگرێ، هەر مرۆڤێك پێویستە ژینگەپارێز بێت؛ واتای ژینگەپارێزی دەستپێکی ئینسان بوون و کەرامەتی ئینسانییە. کەسێك کە ڕێز لە سروشت نەگرێ هیچ کات ناتوانێ ڕێز لە ئینسان بگرێ. مرۆڤی دژی ژینگە، بوونەوەرێکی فێڵبازە کە پڕاوپڕە لە ناحەزی؛ هەردەم لە هەلێك دەگەڕێ پێی لە پێی هاوڕێکەی بدا تا بکەوێتە سەر زەوی و خۆی لە پێشەوە بڕوا، یان بیانکاتە پەیژەیەک بۆ سەرکەوتن. بۆیە ژینگەپارێزی بەرانبەرە لەگەڵ ئەخلاق و فەلسەفەی دروستی ژیان.

لە بەربەری بەهار و دەستپێکی ژیانەوەیەکی نوێدایین؛ با بە ڕۆحێکی سروشتییەوە خۆمان لە نوێ کەینەوە و ئاڵوگۆڕ لە خۆماندا پێك¬بێنین و بابەتگەلی نوێ بخولقێنین؛ پێویستە ڕێز لە شوناس و ئەخلاق کە دەبنە سروشت بگیردرێ و پارێزگاری لەو ئەمانەتە بکەین کە باوك و دایکانمان بە ئەمانەت بۆیان جێ هێشتووین.

با وامان لێ نەیەت کە وەك "گوڵسورخی" دەڵێت: گەر مردم لە سەر گڵکۆم هیچ مێژوویەك مەنووسن، با داهاتووەکان نەزانن هی چ سەردەمێکم.

من ژینگە پارێزم، من مرۆڤم

■ کەماڵ کۆنەپۆشی

هەی کەرێکم بوو، چ پەیکەر؟ تەیکەری هەوراز و لێژ / سینەپان و موچەکورت و شانەبەرز و گوێ درێژ
مل عەلەم، شیرین قەلەم، ئاهوو شکەم، مەیموون قەدەم / سم خڕ و کلک ئێسترو مەنزڵ بڕ و عارەق نەڕێژ
عاقڵێ بوو ناوی کەر بوو، قاتیعی رێگەی سەفەر / خۆش سلووک¬تربوو لە سەد وێڵداشی هەرزە و گێژو وێژ
چەندە پێم خۆش بوو، زوبانی حاڵی دەیوت "نالیا" / هەر دوو حەیوانین، ئەتۆ گوێ کورت و ئەمنیش گوێ درێژ

نالی لەم شیعرەدا کە لە یازدە بەیت پێکهاتووە بە جۆرێک وەسفی کەرەکەی دەکات لە زۆرێک لەو شێعرانەی کە بۆ حەبیبەی خۆشەویستی وتووە جوانترە، ئەمە بەرهەمی پەیوەندی قوولی ڕۆحی و مەعنەوی نالی لەگەل دەورو بەرو سروشت دەرئەخات. ئەو کەرەکەی و باقی بەشە جیاوازەکانی ژینگە، بە بەشێک لە ژیانی خۆی دەزانێت. کەرەکەی وەکوو کەرەستەیەک وێنا ناکات و جیاوازییان لە کورتی و درێژی گوێچکەیانادەبینێ.

قانع، سواره، گۆران، هێمن، بەختیار عەلی و دەیان شاعیر و کەسایەتی تر باسی سروشت، ژینگە و پەیوەندی مرۆڤ و ئاژەڵیان کردووە. بەراستی ئێمە تا چ ڕادەیەک توانیومانە لە سەرمایەی مەعنەوی ئەدەبیاتی ڕابردوومان بۆ ژیانی ئەمڕۆمان کەڵک وەرگرین بە تایبەت لە بواری پەروەردەدا.

لەم ڕۆژانەدا دوو جۆر هەواڵی دژبەیەک سەبارەت بە پەیوەندیمان لە گەڵ ئاژەڵە کێوییەکان بڵاودەبێتەوە، لە لایەکەوە فیداکاری و لێبوردەیی کەسانێ وەک ئەرسەلان پیرۆتی کە گیانی بەخشی بۆ رزگار کردنی حاجی لەقلەقێ، حەمەی باختەر لاقی بەخشی بۆ نەجاتی سەگێ یا پیادەرەوی شەریفی باجوەر لە مەریوان تا سەلاس و باوەجانی بە برسییەتی بو دژایەتی لە گەڵ کوشتنی سەگێ وە هەروەها سەدان کەسی تر کە لە ڕۆژانی سەرما و بەفردا خواردن بۆ ئاژەڵی کێوی و باڵندەکان دابین دەکەن، یان دیمەنی ڕاوچییە پەشیمانەکان کە تاپڕەکانیان دەشکێنن و بە قەفەسی باڵندە ئازادکراوەکان ئاگری نەورۆز هەڵدەگیرسێنن.

لەم چەند ساڵەی دواییدا بەتایبەت لە دوای شەپۆلی "چەکی سەوز" تا دێت ژمارەی ژینگەپارێزان زیاتر دەبێت. بەڵام بەداخەوە هاوکات لە لایەکی ترەوە دیاردەی توندوتیژی، ڕاو و بێرەحمی لەگەڵ ئاژەڵان، لە لایەن هەندێ کەس و تەنانەت شارەدارییەکانیش هەر بەردەوامە و بە بڵاوبوونەوەی وێنەکانیان هەستی کۆمەڵگەبریندار دەکەن.

بەختەوەرانە زۆرینەی خەڵک بێزاریی خۆیان لە دیتنی وێنەی توندوتیژی لەگەڵ ئاژەڵان دەردەبڕن و ڕاوچییەکانیش چیتر ناتوانن وەک پاڵەوان خۆیان بنوێنن و بەدزییەوە دەچن بۆ ڕاو و ئەم کارە لە چاوی خەڵکییەوە وەک شتێکی نەرینی و عەیبە سەیر دەکرێت. لە ڕاستیدا کاریگەریی خەڵک و دەوڵەت، هەرکامەیان بەنسبەتی ئەم بارودۆخەوە لە چ ئاستێکدایە؟ ئەوە پێکهاتەی دەسەڵاتە تاکی نابەرپرسیار بەرهەم دەهێنێت؟ یان کۆی تاکەکانە کە پێکهاتەیەکی تایبەت لە دەسەڵات بەرهەم دەهێنن؟ ڕەنگە ئەمە حەکایەتی هێلکە و مریشک بێت! ڕاستە هەموومان بەرپرسیارین؛ بەڵام دەسەڵات بەهۆی بوونی پارە، پێداویستی، میدیا و تریبوونی جۆراوجۆر بۆ فێرکاری و جێ¬خستنی کولتووری ئاژەڵدۆستی بەرپرسیارترە. بەڵام مەخابن دەسەڵات لەم بوارەدا نەک ئەرکی خۆی بەجێ نەهێناوە بەڵکوو لەمپەریشە لەبەردەم پەرەسەندنی کولتووری ئاژەڵدۆستی لەئێراندا؛ لە کاتێکدا کەڕاوچییەکان چەکەکانیان دەشکێنن، دەوڵەت لە باتیی پاڵپشتیی پەرەپێدانی ئەم ڕەوتە، ساڵانە بە هەزاران فیشەک دەفڕۆشنە ڕاوچییەکان و جەوازی زۆرێک تاپڕی ڕەمەکی دەردەکەن. ئەمە بە واتای گاڵتەکردنە بە هەست و شوعوری لایەنگرانی ژینگە و نەوەکانی داهاتوو. لەم پێوەندییەدا پێویستە ئاماژە بە چەن خاڵێک بدەم:

١- هەندێ کەس لەو باوەڕەدان لە کاتێکدا کە مرۆڤەکان دەبنە قوربانی، ژن و منداڵ بێبەزەییانە دەکوژرێن، باس کردن لە مافی ئاژەڵ و کیسەڵ و درەخت و گیا بێواتایە! ئەم جۆرە کەسانە دەبێ بزانن کە پێوەندیی مرۆڤ لەگەڵ سروشت هەر جۆرێک بێت، ڕاستەوخۆ و ناڕاستەوخۆ کاریگەری هەیە لەسەر پێوەندیی مرۆڤەکان لەگەڵ یەکتر. هەروەها چۆنیەتیی هەڵسوکەوت لەگەڵ ئاژەڵان لە هەر کۆمەڵگەیەکدا، یەکێک لە فاکتەکانی نیشاندەری ئاستی پێشکەوتنی کولتووریی ئەو کۆمەڵگایەیە.

٢- یەک لە کێشە سەرەکییەکان لەم بوارەدا ئەوەیە کە پەروەردە کردنی منداڵ لە وڵاتی ئێمە سەقەتە؛ لە بنەماڵەکان، مەدرەسە و میدیاکان بە جۆرێک کە تاکڕەهەندانە وێنای مرۆڤ دەکرێت؛ گرنگی بە پێداویستییە مادی و جەستەییەکان دەدرێت، بەڵام ئەوەی لە بیر کراوە ڕەهەندە ڕۆحی، مەعنەوی و دەروونییەکانە. ئەمە لە کاتێکدایە کە ژینگەپارێزی پاکترین خۆراکە بۆ ڕۆحی مرۆڤ.

٣- مرۆڤ بوون بە بەرپرسیاریەتی دەسەلمێت، نەک بە قسە و ڕواڵەت. هەرکەس وتی ((بە من چی!)) وەک ئەوەیە بڵێ: من مرۆڤ نیم. مرۆڤ بە بێ بەرپرسیاریەتی هیچ واتایەکی نامێنێت و لەگەڵ ئاژەڵ هیچ جیاوازییەکی نییە. مەبەستم لە بەرپرسیاریەتی، بەرپرسیاریەتییە لە پێناو بەرژەوەندیی گشتیی کۆمەڵ؛ ئەگەرنا ئاژەڵان هەموویان لەبەرژەوەندیی خۆیان وبنەماڵەکانیان کار دەکەن و تەنانەت بڕێک ئاژەڵ وەک مێلوورە، هەنگ و... ڕچاوی بەرژەوەندیی گشتی دەکەن.

٤- دەوڵەت دەبێت بەرپرسیار بێت لە ئاستی پرسی ژینگە و دەبێت بزانێت ئاسایشی داهاتووی وڵات، گرێدراوی ئاستی کولتووری ژینگەپارێزانەیە لە کۆمەڵگەوە هەروەها دەسەڵات هاوکات لەگەڵ دابین کردنی هەلی فێرکاری بۆ NGOکان لە هەموو توانای خۆی کەڵک وەربگرێت بۆ فەرهەنگسازی لەم بوارەدا. هەروەها، بوونی یاسای کاریگەر و سزادانی ئەوانەی ملکەچی فێرکارییەکان نابن.

٥-خەڵک پێویستە بزانن گەشە کردنی ڕاستەقینە ئەوەیە کە هەڵقوڵاوی ناخی کۆمەڵگە بێت؛ هیچ پلانێک بە بێ ویستی خەڵک سەرناکەوێت و لە کۆتاییدا ئەوانن بڕیاردەرن.

ئێمە جگە لە فێرکاری، فەرهەنگسازی و بەرزکردنەوەی ئاستی زانیاریمان، ڕێگایەکی دیکەمان نییە بۆ دەربازبوون لە قەیرانە ژینگەییە دەسکردەکانی خۆمان؛ ئەو قەیرانانەی بەرهەمی تێنەگەیشتن یان تێگەیشتنی سەقەتی ئێمەیە لە ژینگە، ژیان و خۆمان وەک مرۆڤ.هەر بۆیە ئەتوانین بڵێین: "من ژینگە پارێزم، من مرۆڤم".

بونیادنانی کەسایەتیی منداڵ

■ خەلیل خاوەریان

پێکهاتەی کەسایەتیی مرۆڤ هەر وەک بناغە و کۆڵەکەی باڵاخانەیەک وایە کە بیناکەی ڕاگرتووە و ڕەفتارەکانی مرۆڤ لە ماوەی ژیانیدا بەرێوە دەبات. کەسایەتیی منداڵ لە ژێر تیشکی هەڵسوکەوتی دایک و باوک و هەموو ئەو پرسیارانەی بە مێشکی منداڵا دێت و هەموو ئەو ئاکارانە گەشە دەکات کە لە دەوروبەریدا دەبینێت و پێوەندی بەوەوە هەیە و لە هەمان حەوت ساڵی سەرەتایی ژیانیدا کەسایەتیی مرۆڤ چوارچێوە دەگرێت و تایبەتمەندی، وەکوو بوێری، لێبوردن، کۆمەڵایەتی بوون و باوەڕ بە ژیان کردن لە کەسایەتیی منداڵدا بناغەی خۆی بە هێز دەکات.

ئەگەر بمانەوێت پێکهاتەی کەسایەتیی مرۆڤ هەر لە تەمەنی منداڵیدا کە دەس پێ دەکات و بەبێ زەخت و گوشار بە شێوەیەکی ڕێکوپێک و پتەو و لە سەر بنەمای هەڵسوکەوتی باش فورم بگرێت، هەر لە تەمەنی پێنج، شەش ساڵییاندا دەبێ لە قاڵبی شێعر و چیرۆک و یاری و... تایبەتی منداڵان، ئێمە یارمەتی دەر بین؛ و هزری منداڵ بگونجێن بەو ئاکارە باشانەی کە پێویستن بۆ پەروەردەی منداڵ.

یەکێک لە باشترین ڕێگاچارەکان کە کاریگەری هەیە لە سەر بەهێز کردن و دەوام کردنی هەمیشەیی پێوەندیە کۆمەڵایەتییەکانی منداڵ، پەروەرە کردنی ڕێکوپێکی منداڵە لە سەر ئیش و ئەرکەکانی و لە ژێر تیشکی ئەم ڕێکوپێک بوونەوەیە کە مرۆڤ فێر دەبێ سنوور و پێگەی کۆمەڵایەتیی خۆی بدۆزێتەوە و باش بتوانێ ڕێز بۆ ژیان و دەوروبەری خۆی دابنێ و توانایی و بوێری خوی لە سەرکەوتن و قسە کردن و هەڵسوکەوت و خواردنیدا گەشە پێ بدات.

هەر لێرەوەش فێر دەبێ کە چۆن بەباشی لەو شتانە کەڵکی دروست وەربگرێ کە بۆی دابین کراوە. هەر منداڵێک بتوانێ زۆر ڕەفتاری باش وەک دەست پێوە گرتنی ئاو، پاکوخاوێن هێشتنەوەی جلوبەرگ و ژینگەی خۆی و کوژانەوەی لامپ و سەرجەم ئەو کەرەستانەی کە بە کارەبا کار دەکەن و بەزیادە کەڵکی ناپێویستیان لێ دەگرین، وەک فەرهەنگێک لە ناوڕەفتارەکانیدا بگونجێنێت، گەورەیش بوو بۆ زۆر بەرپرسیاریەتیی دیکە، ئامادەیی هەمیشەیی دەبێت و زۆر بەدەگمەن کەموکورتی لە کەسایەتیدا بەدی دەکرێت.

منداڵان بە هۆی ئەوەی کە یاری کردن زۆرترین بەشی ژیانی ئەوان لە خۆ دەگرێت و پێویستییەکی بنەڕەتیی ژیانیانە، باشترین ڕێگایشە بۆ بونیادنانی کەسایەتیی درووستی ئەوان؛ زۆربەی بیرۆکەکانی پەروەردەیی منداڵان ئەتوانین لە کاتی یاری و کایەکردن پێیان نیشان بدەین و باشترین ڕێگایە کە منداڵ بە شێوەیەکی ئەرێنی ئەو پەروەردانە وەربگرێ. لە ڕێگای یاری کردنەوە ئەتوانین هەست و سۆزی درووندی و ئاستی هۆشیاریی ئەوان بناسین؛ بۆیە هەم مامۆستا و هەم دایک و باوک دەبێت بایەخی زۆر بە یاریی تایبەت بە منداڵان بدەن و پێویستە ئەوە بزانین کە بەشداری کردن لە یاریی منداڵانمان ئەتوانێ ببێتە هۆی متمانە لە پێوەندی نێوانمان و لە هەمان کاتدا دەرفەتی ئەوە دەرخسێنێ کە ئێمە بتوانین پێویستییە پەروەردەییەکانمان بەوان نیشان بدەین.

باشترین ڕێگا بۆ ئەوەی کەسایەتییەکی باش لە منداڵاندا نیشان بدەین ئەوەیە بەر لە هەموو کەسێکی دیکە خۆمان ببین بە نموونە و سەرچەشن بۆیان و لە خۆمانەوە هەوڵ بدەین بۆ ئەنجام دانی هەر کارێکی باش.

منداڵانی ژێر تەمەن شەش ساڵ زۆر چاوەڕوانییان لە دایک و باوکیان هەیە کە بایەخیان پێ بدەن و زۆرێک لەو ڕەفتارانەی منداڵان لەوتەمەنەدا، نیشاندانی بێرەوشتیی ئەوان نییە؛ بەڵکوو هۆکاری سەرەتایی چوارچێوە گرتنی کەسایەتیی ئەوانە. زۆربەی منداڵان بۆ ئەوەی سەرنجی دایک و باوکیان بۆ لای خۆیان ڕابکێشن بەردەوام یاسا تاکەکەسی و کۆمەڵایەتییەکانی ئەوان لە بەرچاو دەگرن.

کەشوهەوای یەکسانی نێوان خێزانەکە ڕۆڵی زۆر گرنگی هەیە لە چوارچێوە گرتنی کەسایەتیی منداڵدا. لە بەرچاو گرتنی یەکسانی و بە هەند وەرگرتنی ئاسایش و کەشێکی ئارام بۆ هەموو ئەندامانی خێزان، باشترین چوارچێوەی بونیادنانی کەسایەتیی منداڵە، هەم بۆ ژیانی تاکەکەسی و هەم بۆ ژیانی جڤاکیی منداڵ. پێویستە منداڵان لەگەڵ دایک و باوک بەشداری چالاکییە کۆمەڵایەتی و مەدەنییەکان بن و هەر لە تەمەنی منداڵیدا لەگەڵ ئەو چالاکییانە ئاشنا بن، تا لە گەورەییشدا هەستی بەرپرسیاریەتی بەرانبەر بە کۆمەڵگا و ژینگە، وەک ئەرکێک لە کەسایەتییاندا بەهێز بێت.

بوی عیدی

■ افشین جنتی
کارشناس آموزش محیط زیست

دیگر پرستوهای شاد و چلچله‌ها، خبر نوروز و آمدن بهار را نمی‌دهند. دیگر برای میر نوروزی، شوق‌وذوق و طاقت و حوصله‌ای باقی نمانده است تا چند روزی درابتدای سال حکمرانی کند. حالا دیگرسال‌هاست که نوروزها بوی عیدی نمی‌دهند، نوروزها بوی توپ و کاغذ رنگی نمی‌دهد، دیگر در نوروز صدای شکستن قلک پول نمی‌آید. بوته‌های خار، ماتاو، کوزی لب بام و... برای آتش نوروز به دست فراموشی سپرده‌شده‌اند. دیگرکسی دزدکی سرک به پستو نمی‌کشد و با ترس‌ولرز و دلهره به شیرینی ناخنک نمی‌زند. دیگراثری ازشوق‌وذوق بچه‌ها برای مهمانی رفتن و عید دیدنی باقی نمانده است. دیگرکسی تخم‌مرغ‌ها رارنگ نمی‌کندوخبری ازهیلکه‌شکاندن (شکستن تخم‌مرغ) نمی‌گیرد. دیگر دانش آموزان بر روی تخته‌سیاه نمی‌نویسند، ۱۸۰ روز مانده به عید. دیگرترس مشق‌های نوشته‌نشده‌ی نوروزی معنایی ندارد. دیگرعمو نوروز نمی‌آید. (عمو نوروزم، سالی یه روزم) دیگرکسی ازحاجی فیروزسراغی نمی‌گیرد.(ارباب خودم سلام‌علیکم، ارباب خودم بزبز قندی، ارباب خودم‌چرانمی‌خندی؟)وچه‌ناجوانمردانه‌بساطشان برچیده‌شد. دیگرکسی سفره‌ی هفت‌سین طبیعی و ساده رادوست ندارد. دیگرکسی اسکناس نووتانشده را لای کتاب نمی‌گذارد. پای سمندر، لاک‌پشت، سنجاب، مار آبی، ایگوانا، فایتر، سفره‌ماهی، بچه تمساح و... هم به سفره‌های هفت‌سین بازشده‌اند و ماهی‌های قرمزکوچک داخل تنگ آب را ازتنهایی درآورده‌اند. با این اوصاف یحتمل در سال‌های پیش رو، در کنار سفره‌ی هفت‌سین، سفره‌ی هفت جیم (هفت جانوران) نیزپهن خواهد شد و دیری نخواهد پائید که ازباغ‌وحش‌های خانگی نیزرونمایی خواهد شد. با توجه به‌وفورژن حیوان‌دوستی در میان مردم عزیزمان و به‌منظور حل معضل سگ و گربه‌های ولگرد کوچه و خیابان شهرها، پیشنهاد می‌شود که خانواده‌های ارجمند و دوستدار جانوران، حضانت و سرپرستی یک قلاده سگ و یک گربه را قبول نمایند که مسلما خالی ازاجروثواب نخواهد بود.

چهارشنبه‌سوری هم دیگر طعم و بوی چهارشنبه‌سوری‌های قدیم راندارد. کسی دیگرازروی آتش نمی‌پرد. کسی دیگر نمی‌خواند (زردی من از تو، سرخی تو از من) سروصدای شب چهارشنبه‌سوری و ایام نوروز، یادآور میدان جنگ است. صدایی گر شنیدی، صحبت ترقه و نارنجک دستی و دینامیت کپسولی است. بویی اگر به مشامت رسید، بوی دود لاستیک، باروت، زرنیخ، پوست و گوشت سوخته است. بیمارستان‌ها و نیروی انتظامی آماده‌باش هستند وبازارآتش‌نشانی واورژانس گرم است. فضای مجازی همچون ماهی بیرون افتاده ازآب، برای این سوژه‌ی جذاب و معرکه‌له‌له می‌زند.

خیلی‌ها هرروزشان نوروز است و البته خیلی‌ها هم نوروزشان مانند دیگر روزهایشان بی‌روزی است. می‌گویند عید روزی است که در آن گناه و معصیتی روی ندهد، روزی است که زحمت و کار و تلاش یک سال کشاورز و کارگر، شام یک‌شب پادشاه نباشد، روزی است که سفره‌ی هیچ‌کس خالی از نان نباشد، روزی است که پدر شرمنده‌ی زن و فرزندانش نباشد، روزی است که مادر لقمه از دهان خود نگیرد تا دردهان بچه‌اش بگذارد، روزی است که بچه‌های کار، حسرت دست نوازش پدر و مادر، مدرسه رفتن و درس خواندن، تفریح و سفر و شب با خیال راحت خوابیدن رانخورند. عیدروزی است که کارتن‌خواب‌ها وگورخواب‌ها، لباسی برای پوشیدن، غذایی گرم برای خوردن وجایی برای خوابیدن داشته باشد. عیدروزی است که خشونت و جنگ به زباله‌دان تاریخ پیوسته باشد. می‌گویند عید روزی است که آوارگان جنگ و خشونت سرپناهی داشته باشند، در کوهستان‌ها و بیابان‌ها، تشنه و گرسنه ویلان و سرگردان نشده و در دریاها غرق نشوند، روزی است که بساط رانت‌خواری و اختلاس برچیده شده باشد. عید روزی است که تاوان حفاظت از عرصه‌های طبیعی و حیات‌وحش، جان محیط‌بانان نباشد. می‌گویند عید روزی است که تاوان کارگران برای گرفتن حق‌وحقوقشان، شلاق و تازیانه نباشد. عیدروزی است که پشت و کمرکولبران در زیر بارهای چندین برابری وزنشان خم نشود و در زیر خروارها برف دفن نشوند. می‌گویند عید روزی است که خودکشی‌ها، خودسوزی‌ها، تن‌فروشی‌ها به سبب فقر و نداری و فرار دختران و پسران از خانه به افسانه تبدیل‌شده باشد. عید روزی است که اعتیاد خانمان‌سوز بار سفر بسته و رخت بربندد. روزی است که در آن عصا از کور دزدیده نشود. می‌گویند عید روزی است که در آن حرص خواهر و طمع برادر نباشد. می‌گویند عید روزی است که در آن پول حرف اول وآخر را نزند. می‌گویند عید روزی است که بیماران خاص و صعب‌العلاج، آرامش داشته باشند و نگران خرج و مخارج بیماری‌شان نباشند. می‌گویند عید روزی است که پدران و مادران به سرای سالمندان سپرده نشوند. روزی است که آدمیان به‌دورازتعصبات خشک‌ومتحجرانه‌ی دینی، مذهبی، قومی، قبیله‌ای و نژادی، یکدیگر و سایر جانداران را دوست داشته باشند؛ ومی‌گویند ومی‌گویند ومی‌گویند...

آری دراین دنیای وانفسای بی‌رحم مادی و تجملاتی که در آن خشونت و جنگ و تبعیض، نعره می‌زند، فاصله‌ی طبقاتی بیداد می‌کند، شعر و شعور و شرم به حاشیه رانده‌شده و شعار و شر و شرارت و هتاکی و لمپنیسم حاکم است. آری دردنیایی که زروزورو تزویر کرسی نشین است، وقتی ملاک سنجش انسانیت و آدمیت انسان‌ها، سکه و طلا و پول و عمل زیبایی و ماشین شاسی‌بلند و باغ و ویلا و... است، آیا عید و نوروزمی‌تواند معنا ومفهومی داشته باشد؟ فلسفه‌ی وجودی نوروز که باآمدن بهار ونوشدن طبیعت همراه است، چیزی نیست جزاینکه ما انسان‌ها نیز افکار و اندیشه واحوالمان راتازه ونو کنیم.

اگر روزی توانستیم بی‌تفاوتی را دریبل کرده، مسئولیت‌پذیری فردی واجتماعی خود را بالا ببریم، آستانه‌ی تحمل خود را ارتقاء دهیم، با همه‌کس و همه‌چیز مهربان باشیم. اگر روزی توانستیم تقلید کورکورانه، تعصب خشک و بدون تفکر، تحجرچشم و گوش بسته و تنگ‌نظری را کنار بگذاریم و به این باور رسیدیم که‌نانش‌ده، ایمانش‌مپرس، آبش‌ده، دینش مپرس. جایش ده، قومیت، ملیت و نژادش مپرس. اگرروزی توانستیم آنچه رابرای خودمی‌خواهیم، برای دیگران نیزبخواهیم. اگربه این اعتقادرسیدیم که‌پول رانمی‌توان خورد، پول رانمی‌توان نفس کشید و پول رانمی‌توان زندگی کرد. شاید و شاید بتوان آن روزراعید نامید وآن راجشن گرفت.

به امید فردایی بهتر، روشن‌تر و انسانی‌تر و به‌دوراز دشمنی و نفرت و کینه و سرشار از مهربانی و عاطفه برای زیستمندان کره‌ی خاکی.

هەر لەئێستاوەهەتاکونەورۆز
بەقەدەقەندیل وشاهۆونەکەرۆز
بەشادمانی هەموو گەل وهۆز

تاران، تاران...

■ ئارام فەتحی

لە ئوتووبووسام. کۆمەڵێک مرۆڤین ڕەنج کێش کردووینەتەوە؛ کۆمەڵێک ئازارین. سەندەلییەکانمان چ جیاوازییەکی نییە. هەموومان شێوەی نیشتمانێک ئەدەین بێبەش لە یاسایەکی دادپەروەرانە و ژیانێکی کۆمەڵایەتیی عادڵانە. کۆمەڵێک ئازار بەڕوومەتی هەرکامەمانەوە. ماشینەکە پڕ نییە. هەمووی ناگەینە بیست کەس. منێک بە تاوانی شکاندنی سنوور ئەبێ خۆم بگەیەنمە دادگای شارێکی مەرکەز بە ناوی تاران. تاران...تاران...تاران. منێکی تر بۆ پێداویستیی پزشکی، ئەوی دیکەم بۆ برینی چاوە کوێربووەکانی و منێکی دیکەم بۆ ڕۆیشتنە سەر پۆستی سەربازیی تاران... . تاران و ئەم منانەی ئێرە کۆتاییان نایەت. مێژووم بەردەوام بە دەوری تاراندا خول دەخواتەوە. برینەکانم خۆیان لەم مەرکەزە چ شیرین دیارن! چ شیرین بە زمانی کوردی و فارسی قسە دەکەن. برینەکانم بە زمانەکەی ئەوان پڕ لە لەهجەیە و ڕێک نایەنە گۆ.

"تاران" ئەو ناوەی هەر لە منداڵییەوە وێنەیەکی زەبەلاح بوو لە زەینما. وێنەی بینایەک بە ناوی "ئازادی". کە منداڵ بووم و کەسوکارم کە بۆ کرێکاری لە تاران ئیشیان دەکرد و دواتر بە وێنەیەکەوە دەگەڕانەوە، وێنەیەک لە تەنیشت بورجێکدا کە ناوی ئازادی بوو؛ ئەوە وێنەی هەموو کرێکارەکانی ئەو سەردەمە بوو.

دواتر تاران بۆ من بوو بە جادەیەکی درێژ. تاران بۆ من بوو بە هاتوچوویەکی ناحەز. ئوتووبووسەکە ناگاتە جێ و تووشی ڕووداوێکی هاتوچوو دێین. کێ پێ دەزانێ؟

بێدەنگ بە ئەی من، کە ڕووداوی هاتوچۆ ئاساییە و خراوپی ئەو هەموو ڕێگاوبانە ئاساییە و تاران نایەوێ دەنگت ببیستێ؛ تاران پێویستیە تۆ بێدەنگ بی؛ تاران خۆشی لە دەنگت نایە.

بۆ خوێندن ئەبێ بڕۆیتە تاران
بۆ دەرمان ئەبێ بڕۆیتە تاران
بۆ تاوانباری و بێتاوانی ئەبێ بڕۆیتە تاران
بۆ کار و بێکاری ئەبێ بڕۆیتە تاران
بۆ مردن
بۆ مردن

سەیرێکی پیرەپیاوەکەی تەنیشتت بکە و گەزەکانی سەوەتەکەی بژمێرە؛ ئا ئەوە خەڵکی سنەیە و خەریکی چراندنی سۆزێکیشە لە دەنگیا، کە تاران لێی تێناگات و کە تاران لە زمانی ئێمە قەڵسە و کە تاران بێز ئەکاتەوە لە شەروالەکەی کە کوردییە و لە دەنگەکەی کە سنەییە و لە دەستەکانی کە زبرە زبر؛ قلیش قلیشە وەک جادەکانی وڵاتەکەی. کە تەوێڵی لۆچاوییە و تاران ساف و لووسکە نەبێ نایەوێ.

ئەی تاران، کە کچانی کاتژمێر دووی نیوەشەوت لە ژێر عەبایەکا داپۆشیوە؛ ئەی تاران کە خۆتت لە ژێر برینا شاردووەتەوە، کە لە مەرگی دەوربەرتا دەژیت؛

دڵتەنگم ئەکەی...

خانۆمها ڤە ئاقایان بێخاتێرێ فاتێمێیێ زەهرا مەریز دارەم...

جێگە وپێگەی ئاژەڵان لە ئایین وکولتووری کوردە واریدا

■ مامۆستائە حمەدموسە نەفی

بە سەرنجدان بەوەی مرۆڤ گەورەی هەموو بوونەوەرانە وئاقڵترین وڕێزدارترینە. هەرئەو مرۆڤە بە زەبری ئەقڵ بڕێک جاران مامەڵەی وا دەکات لەگەڵ خۆی و باقی گیانداران کە زۆر جێگەی سەرسووڕمان وتێڕامانە. جا هەم لە بواری بەزەیی ومیهرەبانی وهەم لە بواری توند وتیژی، چ لەگەڵ خۆی چ لەگەڵ بوونەوەروهاونەوەعەکانی خۆی یانی باقی مرۆڤەکانی ترنواندووە؛ لەکوشتن، ئازارولێدان و... کە هیچ گیاندارێکی درندەی دیکە وایان بە خۆیان وهاوشێوەی خۆیان ومرۆڤەکان نەکردووە. کە مرۆڤەکانی بە چەکی ئەقڵ و ژیری وەهایان بەیەکترکردووە.

مرۆڤ لەسەردەمانی پێشوو، بەکوتەک وبەشمشێر وهەتادەگاتە بۆمبی هەستەیی وشیمیایی وباقی کەرەستەکانی دیکەی شەڕ، بۆ یەکتر کوشتن، بۆ مانەوەی بڕێکیان لەسەر دەسەڵات، یان تەماح یان شتێ، کە ئەکرابە یەکترلە ناوبردن نەبوایە. کاتێ دەبینین مرۆڤ ئاوامامەڵە لەگەڵ هاونەوعی خۆی دەکات، ئەبێ چی بەسەر باقی بوونەوەرلە گیاندارو بێگیان بێنێ؟

بەڵام بە پێچەوانەیشەوە هەر ئەم مرۆڤە جاری وایش هەیە وا مامەڵە لەگەڵ هاونەوعی خۆی و غەیری خۆی دەکات کە جێگەی سەرسووڕمانە و ڕێزەوپێزانینە. هێندەجوان مامەڵەدەکات کەڕووی هەموومرۆڤایەتی سپی دەکاتەوە؛ نموونەکانی زۆرن. جائایینی پیرۆزی ئیسلامیش گرنگیی تایبەتی داوە بەم باسە؛ چ بواری بەزەیی وخۆش مامەڵە کردن، چ بواری توندوتیژی.

لە ساڵی ١٨٢٢ز یاسای پشتگیری لە ئاژەڵان لە پەرلەمانی بریتانیادەنگی پێ دراولە١٩١١زبەئەنجام گەیشت. کە ئەمانە لەو بەندانەن: سووکایەتی نەکردن بە حەیوانەکان، بەشەرنەدانیان لەگەڵ یەکتر، نەبڕینی کلکیان و... جا دوایی وڵاتەکانی دیکەولایەنگرانی ئەویاسایەلەسەراسەری ئەوروپا زۆربوون وپەرەیان سەندن.

لەم نێوانەدا ئەگەر بە وردی لەم بوارە سەرنجی پڕۆگرامی ئیسلام بدرێت زیاتر لەوە مافی ئاژەڵان و ڕێزگرتن لێیان دەبینرێت، تا ئەویاسایە کە باسمان کرد. گیانداران یا بە واتایەکی دیکە ئاژەڵان لەسەر مرۆڤەکان مافیان هەیە وپاراستنی ئەومافانە دەبێ ڕەچاوبکرێت. بەسەرنجدان بەوەی ئایینی پیرۆزی ئیسلام بەشێوەیەکی گونجاوولە بارباسی حەیوانات و مافیان و حەقیان لەسەر مرۆڤەکان کردووە. لە ئیسلامدا مافی هەموو گیانداران ئەبێ بپارێزرێ، تا دەگات بەمێلوورەیەک.

نموونەمان زۆرن. پیاوانی ئایینی کە لە بەشی خۆیان داوە بە سەگ، بێ قیز و بێر لە پاڵیانا نانیان خواردووە. کە یەکێکی دیکە لەو نموونانە سەحابەیەکی پێغەمبەر(د.خ) هێندە لەگەڵ پشیلەیەک بەینی خۆش بوو، کە بە باوکی پشیلە تا ئیسێیش مەشهوورە. و یا مامۆستا مەولەوی شاعیری بەناوبانگی کورد، جارێک کە دێتەوە بۆ ئاوایی "چۆڕ"، لە خەرمانێک بڕێ گەنمی ئەدەنێ. کەدەگاتە "دەربەنی دزڵی" سەیرئەکات ناوگەنمەکە مێلوورەی تیایە؛ هەرلەویا ئەگەڕێتەوە وگەنمەکە ئەباتەوەبۆسەرخەرمانەکە، دووبارەباری ئەکاتەوە، مەگەر سەیدمحەمەد باختەر کاری وای کردبێ. ئەم نموونە هێنانەوانە بۆ ئەوەیە کە حەز ئەکەم مامەڵە جوانەکانی مرۆڤ لەگەڵ حەیوانات، وەبیر بێنمەوە.

با سەیرێکی قورئانی پیرۆزیش بکەین بزانین چۆن باسی گیانداران بۆ بڕوادارانی دەکات. ناوی ئاژەڵان بەم شێوەیەلەقورئانداهەیە:ئەلف)ئاژەڵی خۆمانە: گا، بزن، مەڕ و ئەسپ. ب) ئاژەڵی هەردی: گورگ، شێر، فیل، ئاهووج) باڵندە: قاڵاو، پەووسلێمانە، تەیر. د) دەعباوردیلە: هەنگ، مێلوورە، کولە، مۆریانە. لە گیانداران و ئاژەڵان لە ٥٢ سوورەی قورئان وە١٥٤ ئایەدا باس کراوە؛ کەپیشاندەری ڕێزە لەوگیاندارانە. جیاوازترلەمە، قورئان لەئاستێکدا ڕێز بۆ ئاژەڵان دادەنێت کە ناوی گەورەترین سوورەتی قورئانی بە ناو ((گا)) ناو ناوە. چەندین سوورەتی دیکەیش وەک: "أنعام"، چوارپێیان، "نحل"، هەنگ، "نمل"، مێلوورە، "عادیات"، ئەسپی سەرکێش، "عنکبوت"، جۆڵاییکەرەوفیل.

هەر وەها، پێگەی ئاژەڵان لە ئاستێکدایە پێغەمبەری خوا جارێک کەرێکی چاو پێکەوت، ناوچاوانی داخ کرابوو، فەرمووی نەعلەتی خوا لەو کەسە بێ ئاوای بەو بێزوانە کردووە، وە هەروەها نەفرەتی لەو کەسانە کردووە ئازاری حەیوانات دەدەن. لە هەموو ئەمانە گرنگتر وسەرنجراکێشتر ئەوەیە کەخواسوێندبەئەسپ دەخوات. سەرباقیی ئەمانە خواداوامان لێ دەکات بۆ[تفکر، تعقل، تدبر].

سیاست زبانی و آموزش چندزبانگی (۵)

(این شماره:آفریقای جنوبی)

■ امین عزیزی

در بسیاری از کشورهای جهان به علت بافت اتنیکی جوامع و احقاق حقوق اولیه گویشوران به زبان‌های متفاوت در سیستم آموزشی و تحصیلی، از مدل‌های آموزش چندزبانگی بهره گرفته می‌شود؛ اما متأسفانه در ایران، "سرمایه‌های زیادی را برای محدود کردن و تضعیف زبانِ زنده‌یِ مادریِ اقوامِ ایرانیِ غیرفارسی‌زبان صرف می‌کنیم. تخریب زبان به تخریب فرهنگ و تخریب فرهنگ به تخریب هویت می‌انجامد. آنگاه وقتی هویت تخریب شد جای آن را نفرت و خشونت پر خواهد کرد."(دکتر محسن رنانی ۱۳۹۵).

در ایران جز زبان فارسی هیچ زبان دیگری رسمیت ندارد و به گفته آقای حاجی بابائی وزیر آموزش‌وپرورش پیشین، حدود ۷۰٪ دانش‌آموزانی که وارد سیستم آموزشی و تحصیلی می‌گردند دارای زبان مادری به‌غیراز زبان فارسی می‌باشند و تنها ۳۰٪ دانش آموزان هنگام ورود به سیستم آموزشی دارای زبان مادری فارسی می‌باشند. حال نکته قابل توجه و تأمل، تحمیل زبان ۳۰٪ از دانش آموزان فارس زبان به ۷۰٪ دانش آموزان غیرفارسی‌زبان در سیستم آموزشی ایران می‌باشد که بی‌شک جزء نادرترین سیستم‌های آموزشی در دنیا است که علیرغم چند فرهنگی و چندزبانه بودن، اکنون نیز بر تداوم این سیاست اصرار می‌ورزند. اگر آمار فوق که از سوی یک مقام رسمی هم ارائه‌شده است، مورد گمان باشد، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نیمی از جمعیت ایران غیرفارسی‌زبان هستند.

در ایران هیچ‌یک از زبان‌های ترکی، بلوچی، کردی و ... در سیستم آموزشی کوچک‌ترین جایگاهی ندارند. بر اساس باور و سیاستِ به حاشیه راندن زبان‌ها و فرهنگ‌های اقوام غیر فارس، "آموزش دوزبانه یا چندزبانه یعنی رسمیت دادن به زبان اقلیت‌ها و پذیرش حق آموزش به زبان مادری برای هرکدام از گروه‌های ملی/قومی در ایران توأم با آموزش یک‌زبان میانجی (زبان فارسی) در تمام مناطق، اقدامی غیرضروری، پرهزینه و غیرعملی بوده و درنهایت باعث ایجاد حس واگرایی و تشدید علایق تجزیه‌طلبانه خواهد شد!"(اعضاء فرهنگستان زبان فارسی)

بدیهی است، ادامه این سیاست و نگاه، دور از عدالت زبانی و فرهنگی و مخالف حقوق و میثاق‌های بین‌المللی و اصول ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی کشور است. با این‌حال هرچند بسیار دیر است اما شایسته و بایسته است بیش از این راه خطا، بیراهه و کج‌راهه نپیماییم و نقطه پایانی بر این نوع بی‌عدالتی زبانی نهاده شود.

بارها اشاره‌شده است که تجربه‌های در دسترس در سایر کشورهای دنیا نشان می‌دهد که هیچ تضادی بین به رسمیت شناخته شدن زبان اقلیت‌های زبانی –فرهنگی در یک جامعه و چندزبانه شدن یک کشور با حفظ یگانگی و البته تقویت وحدت ملی آن کشور وجود ندارد. در چهار شماره پیشین ماهنامه چیا، تجاربی از اجرای راهکار سیستم چندزبانگی در کشورهای مختلف جهان ارائه‌شده است. در این شماره قصد آن داریم به سیاست زبانی و ارائه‌ی سیستم چندزبانگی در کشور **آفریقای جنوبی** بپردازیم.

تنوع نژادی و زبانی در آفریقای جنوبی

جمهوری آفریقای جنوبی، با جمعیت ۵۳ میلیونی (۲۰۱۳م)، مساحت ۱،۲۷۲،۰۳۷ کیلومترمربع با ریشه‌ها، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و عقاید مختلف در جنوبی‌ترین نقطه قاره آفریقا و در سواحل دو اقیانوس اطلس و هند قرار دارد. کشوری که در درون خود کشوری دیگر به نام (لسوتو) را جای داده است. آفریقای جنوبی تنها کشور در جهان است که دارای سه پایتخت متفاوت می‌باشد. قوه مجریه در پرتوریا، قوه مقننه در کیپ‌تاون و قوه قضائیه در بلوم فونتین قرار دارد.

آفریقای جنوبی تاریخ متفاوتی را نسبت به دیگر کشورهای آفریقایی تجربه کرده است. مهاجرت اروپایی‌ها به آن و موقعیت استراتژیک دریایی آن سبب شد تاریخ پرفرازونشیبی را داشته باشد. این کشور از معدود کشورهای آفریقایی است که در آن هیچ‌وقت کودتا صورت نگرفته و انتخابات منظم در طول یک سده اخیر در آن برگزارشده است. بزرگ‌ترین جمعیت‌های دورگه و اروپایی و هندی در آفریقا، در این کشور مستقر می‌باشند و از ۴ نژاد اصلی؛ سیاه (۷۹ درصد)، سفید (حدود ۱۰ درصد)، رنگین‌پوست (حدود ۹ درصد) و آسیائی و هندی تبار (۲ درصد) تشکیل شده است.

قانون اساسی آفریقای جنوبی؛ حقوق سیاسی و ۱۱ زبان رسمی

نظام حکومتی که نهایتاً گروه‌های مختلف قومی و سیاسی در دهه ۱۹۹۰ بر سر آن توافق کردند، جمهوری پارلمانی است و از یک قوه قضائیه مستقل و سه سطح حکومتی برخوردار است. هرکدام از سه سطح ملی، استانی و محلی دارای قوه اجرائی و پارلمان قانون‌گذار است. رابطه این سه سطح در قانون اساسی به «متمایز ولی دارای وابستگی و روابط متقابل» تعبیر شده و از آن به‌عنوان حکومت مشارکتی نام‌برده است.

سه ویژگی مهم قانون اساسی آفریقای جنوبی عبارت است از:۱- ایجاد ائتلاف میان گروه‌های مختلف قومی و سیاسی ۲- اعطای اختیارات وسیع به قلمروهای فرهنگی و قومی ۳- حمایت از حقوق اقلیت‌ها و تأکید بر حقوق اولیه شهروندان از هر قوم و گروه و جنسیت.

علاوه بر موارد یادشده، نهادهایی تحت عنوان «ارگان‌های دولتی» در قانون اساسی پیش‌بینی شده است تا از حقوق مردم حفاظت کند. این نهادها عبارت است از: کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون حمایت و ترویج حقوق جمعیت‌های فرهنگی، مذهبی و زبانی، کمیسیون برابری جنسیتی، سازمان بازرسی کشور و کمیسیون انتخابات.

آفریقای جنوبی ۱۱ زبان رسمی دارد؛ از این ۱۱ زبان، ۹ زبان از زبان‌های آفریقایی خانواده بانتو* عبارتند از: (فاناگالو، خویی، لوبدو، خوسا، ناما، دبل شمالی، فوتی، نس و زبان اشاره‌ای آفریقای جنوبی) و دو زبان اروپایی؛ یکی زبان آفریکانس که از هلندی ریشه گرفته

و زبان اکثریت سفیدپوستان و دورگه‌های این کشور است و دیگری زبان انگلیسی که در تجارت و عرصه عمومی استفاده زیادی دارد اما فقط پنجمین زبان پرگویشور در خانه‌هاست و پر متکلم‌ترین زبان آفریقای جنوبی به شمار نمی‌آید.

بسیاری از سفیدپوستان آفریقای جنوبی به زبان‌های اروپایی مانند پرتغالی (که سیاه‌پوستان آنگولا و موزامبیک هم به آن سخن می‌گویند) آلمانی و یونانی صحبت می‌کنند و بسیاری از آسیایی‌های مقیم آفریقای جنوبی و هندی‌ها به زبان‌های آسیای جنوبی مانند هندی گوجاراتی و زبان تامیل صحبت می‌کنند. به علت تنوع نژادی در کشور آفریقای جنوبی، فرهنگ «واحدی» در این کشور نمی‌توان یافت.

اکثریت جمعیت سیاه‌پوست این کشور هنوز در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و از زندگی ساده و فقیرانه‌ای برخوردارند. با این وجود زبان، موسیقی، و رقص سنتی توسط همین مردم زنده مانده است و هرچه سیاه‌پوستان شهری و یا غرب زده می‌شوند، فرهنگ و سنتشان کمرنگ‌تر می‌شود. اغلب سیاه‌پوستان شهرنشین علاوه بر زبان مادری خود، زبان انگلیسی یا آفریکانس صحبت می‌کنند. با این وجود تعدادی از گروه‌های اقلیت تلاش می‌کنند از زبان‌های در حال انقراض بیشتر استفاده کنند و آن‌ها را زنده نگه‌دارند.

حقوق آموزشی و آزادی تحصیل به زبان مادری

پس از تغییر رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی و تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۹۳ زبان به‌عنوان حقوق انسانی شناخته‌شده و چندزبانگی به‌عنوان میراث معنوی کشور تلقی گردیده است. در قانون اساسی در کنار زبان انگلیسی و زبان‌های آفریقائی، ۹ زبان دیگر قومی / قبیله‌ای نیز رسمیت یافته‌اند. پنج سال سیستم آموزشی و تحصیلی در آفریقای جنوبی بر اساس زبان مادری کودک و در اثنا آن نیز زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و پرتغالی تدریس می‌گردد.

همچنین به‌موجب فصل سوم قانون اساسی و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی مصوب پارلمان درزمینه مسائل آموزشی، سیاست حمایت از حقوق اساسی هر فرد تضمین‌شده و به شرح زیر در نظر گرفته‌شده است:

۱- حق هر فرد مبنی بر این‌که در درون یک اداره یا مؤسسه آموزشی یا به‌وسیله آن در همه زمینه‌ها، هرچه باشد(ازجمله زبان)، نسبت به تبعیض ناصواب مورد حمایت قرار داشته باشد؛

۲- حق هر فرد در دسترسی به آموزش پایه و دسترسی برابر به مؤسسات آموزشی؛

۳ - حق اولیاء و سرپرستان در خصوص تعلیم و تربیت فرزندان یا صغیران تحت سرپرستی‌شان؛

٤ - حق هر کودک نسبت به تعلیم و تربیتش؛

٥ - حق هر کودک در خصوص درس گرفتن به زبان انتخابی‌اش مشروط بر آن‌که این انتخاب معقول و صورت‌پذیر باشد؛

٦ - حق هر فرد درزمینه آزادی‌های مربوط به آگاهی، دین، اندیشه، عقیده، نظر، بیان و معاشرت در درون مؤسسات آموزشی؛

۷ - حق هر فرد در مورد تأسیس مؤسسات آموزشی بر پایه زبان، فرهنگ، یا دین مشترک، هرجا عملی باشد و مادامی‌که به‌دور از تبعیض نژادی باشد؛

۸ - حق هر فرد نسبت به استفاده از زبان و شرکت در حیات فرهنگی انتخابی‌اش در درون مؤسسات آموزشی؛

شکاف‌های فاحش طبقاتی و مشکلات سیستم آموزشی

در آفریقای جنوبی نظام آموزشی هنوز در تلاش است شکاف‌هایی را که رژیم آپارتاید به وجود آورده است، از بین ببرد. سیستم آموزشی در آفریقای جنوبی هنوز از میراث آپارتاید رنج می‌برد و دو پاره است: بخشی خاصِ ثروتمندان است و بخشی برای مردم محروم که بیشترشان را سیاه‌پوستان تشکیل می‌دهند. درواقع، اغلب منابع خوب در دسترس مدارسی است که اکثریت دانش‌آموزانشان سفیدپوست هستند.

در مناطق فقیرنشین آفریقای جنوبی مدارس شهریه نمی‌گیرند. درنتیجه، میزان ثبت‌نام دانش آموزان افزایش‌یافته است. بااین‌حال کلاس‌های درس برای استقبال از دانش آموزان آماده نیستند. باآنکه دولت بیشترین درصد تولید ناخالص ملیِ را به آموزش اختصاص می‌دهد سیستم آموزشی این کشور در رتبه‌بندی‌ها در رده آخر قرار دارد. کارشناسان می‌گویند که فقر آموزش تنها به تفاوت ظاهری میان ساختمان مدارس محدود نمی‌شود، بلکه به کیفیت کارآموزگاران نیز بستگی دارد.

در این میان، تعدادی مدرسه دولتی بسیار خوب وجود دارد، اما ورود به این نوع مدارس هزینه سنگینی دارد و رقابت زیادی نیز برای ثبت‌نام در جریان است. خزانه دولتی، کمک‌هزینه‌های تحصیلی و کمک‌های مالی فردی گاهی به میدان می‌آید. به‌عنوان نمونه بنیاد موسوم به «دانش آموزان برای آینده بهتر» بنیادی است که شهریه برخی از این دانش آموزان را تأمین می‌کند. مقطع آموزش ابتدایی در آفریقای جنوبی ۷ سال نخست آموزش‌وپرورش این کشور را شامل می‌شود.

با تمام چالش‌ها و کمبودها، آفریقای جنوبی بعد از آپارتاید، توانسته است، به رهنمودهای یونسکو در زمینه به رسمیت شناختن زبان‌های متفاوت اقوام و نژادهای گوناگون کشور و اجرای سیستم چندزبانگی و آموزش به زبان مادری در مدارس اهمیت داده و در این کشور هیچ زبانی مورد تبعیض واقع نگشته و بعد از هندوستان آفریقای جنوبی با ۱۱ زبان رسمی ازنظر تعداد زبان دومین کشور است که آموزش چندزبانگی را به اجرا گذاشته است.

* بانتو نام یک نژاد و خانواده زبانی در آفریقا است که بیش از ۴۰۰ گروه قومی را از کامرون تا آفریقای جنوبی در برمی‌گیرد. در تمامی زبان‌های بانتو، (واژهَ بانتو به معنی انسان است).

/http://www.southafrica.info
http://en.wikipedia.org/wiki/President_of_South_Africa

شیکاریێو سه‌روو ڕازه‌و مامالێ و داواچێو سه‌روو ڕه‌خنه‌و «زانیار دره‌خشانی»

■ ئیبراهیم شه‌مس

ڕازه‌و مامالێ باسوو کتێوێنه که ئینا دلێ یانه‌و مامالێوێوێ فه‌قیرێنه. ئی مامالێ زاروڵه‌کێش گه‌ورێ بیێنێ و ئاسێنه‌شا جیا. ئاڵێچه چنی کتێوێ ژیوایش به‌ڕۆ سه‌ر. ژیوایوی فره سه‌خڵه‌ت و بێ ده‌سه‌ڵاتی و بێ تفاقی کارێش پنه که‌ردێنه نمه‌تاوۆ بۆنه‌و کاسێوی ماسی جه ئا کته به‌سه‌زوانێ ویه‌ڕۆ که بۆنه‌و ئاورایی و نه‌بیه‌ی هیچی یانه‌و پیره‌ژه‌نه‌کێنه مه‌جبووره بیێنه ماسه‌که‌ی بوه‌ڕۆ. به تاوانوو ئا کاریشه حه‌ساسته‌رین یاگێ به‌ده‌نیش یانێو قلیچکه‌یش پڕنۆ. کتێ به‌سه‌زوانه یانه‌و پیره‌ژه‌نێنه به‌ره مشۆ به‌ڵام جه هیچ یاگێو په‌ناگایێو نمه‌ئێزۆوه تا په‌ناش په‌ی به‌ڕۆ. وه‌ختێو ئی نۆقسانیه جه وێشه‌نه وینۆ، جه وه‌روو ناعه‌لاجی هه‌مته‌ر ڕوه مارۆنه مامالێ تا قلیچکه‌که‌یش په‌ی وه‌ش که‌ڕۆوه. مامالێچ مه‌رجێوش په‌ی منیۆره بلۆ کاسێو شۆتش په‌ی بارۆ . کته گنۆ ڕا ئه‌وه‌ڵ ملۆ لاو بزێ. داواو شۆتی که‌ڕۆ. به‌ڵام بزه جه ئاورایێ نالۆ و ماچۆ: وه‌ختێو هیچ نیا بوه‌روو، شۆت چکۆ بارووو؟ لوه گه‌ڵا نه‌ره‌م په‌ی باره. ملۆ په‌ی لاو نه‌ره‌ی؛ نه‌ره‌یچ ماچۆ: من ته‌ژنه‌ما واران نه‌واران لوه ئاویم په‌ی باره تا گه‌ڵات ده‌و. ملۆ په‌ی سه‌روو هانه‌ی وینۆ هانه‌چه‌مه‌یچ وشک بیه‌ن و ئاوی نیه‌نه. هانه‌چه‌مه‌که ماچۆ: لوه واچه به تاقمه‌و کوڕ و کناچا با به‌یا سه‌رمه‌و هۆرپڕا، تا ئاوی جه چیروو زه‌مینیه‌نه به‌ی به‌ڕ. ملۆ په‌ی لاو تاقمه‌و کوڕ و کناچا وینۆ ئاڵێچێ گرڵ کزێ و ناشاڵێنێ و پاڵایچشا نیه‌نێ . ملۆ په‌ی لاو ئۆسای پاڵا ورازی. ئۆسای پاڵا ورازیچ پیاوه‌تی که‌ڕۆ بێ زه‌ڕ پاڵای وه‌شێ که‌ڕۆ په‌ی گرڵوو زاروڵه‌کا. زاروڵه‌کێ ملا سه‌روو هانه‌چه‌مه‌که‌یه‌و جه‌ژنه گێرا و هۆرپڕا. جه وه‌شیێ شاڵی و هۆرپڕای زاروڵه‌کانه هانه‌چه‌مه ته‌قۆ و ئاوی زه‌مینه‌نه به‌ر مه‌ی. کتێ ئاوی به‌ڕۆ په‌ی نه‌ره‌ی. نه‌ره سێراو بۆ و گه‌ڵاش گه‌ش بۆوه. گه‌ڵا به‌ڕۆ په‌ی بزه‌کێ. بزه‌کێچ سێره بۆ گوانیش په‌ڕێ با جه شۆت. شۆته‌که‌ی به‌ڕۆ په‌ی مامالێ. مامالیچ قلیچکه‌که‌یش وه‌ش که‌ڕۆوه جه ئه‌وه‌ڵی زه‌ریفته‌ر.

چی ڕازێنه مامالێ نیشانێ فه‌قر و نه‌ڵاری و که‌م ده‌سه‌ڵاتیه‌نه و کتێچ نمادوو کوڕلێوی زرێنگی که تووشوو گێچه‌ڵێوێ قورسی ئامان و جیای ته‌سلیم بیه‌ی و سه‌ره‌ره وسه‌ی ، ده‌س که‌ڕۆ به چنگه‌پڕچێ چنی ئی گێچه‌ڵێ و په‌ی گێرته‌ی و به‌ده‌س ئاڕده‌ی حه‌قوو وێش، ملۆ گرڵ یاگێو و سه‌خڵه‌تی ڕای شه‌که‌تش نمه‌که‌ڕۆ تا به ئاکاموو وێش میاوۆ و بۆ به باعێسوو لاشیه‌ی گێچه‌ڵێوی قورسێ جه کۆمه‌ڵگانه. بزه ئاوراکێ و نه‌ره‌ی ته‌ژنه و سیسه‌و بیه و هه‌ر پاسه هانه‌چه‌مه‌ی وشک نیشانێ وشکه‌ساڵی و بی وارانیه‌نه و زاروڵه‌کێ نمادوو شاڵی و جم و جوڵ و حه‌ره‌که‌تیه‌نێ. ئانه‌نه که وختێو وه‌شکه‌ساڵیا، زاروڵه‌کێچ ته‌میه‌ینێره و حاڵ و حه‌وسه‌ڵه‌و هیچ کاریۆیشا نیا و پایچشا بی پاڵه‌ینێ.

ئۆسای پاڵاوراز یا به قه‌وڵه‌وو ڕه‌خنه‌گیری کڵاشکه‌ر، نمادوو سه‌نعه‌تگه‌ری هه‌ورامانیا. و ده‌سی ئاخر جه‌ژنه و شاڵی یانێو هه‌رمان که‌رده‌ی و جووڵیای و کۆشیای په‌ی جوان مه‌نه‌ی و په‌ی شاڵ ژیوای. جه‌ژنه دایمه ده‌س پنه که‌ردێ کاریا . وه‌ختێو تاقمه‌و کوڕ و کناچه‌ی پاڵاکا که‌رانه و ده‌سه گێرا و هۆر پڕا و جه‌ژنه و شاڵی که‌را، دنیا گنۆ وه‌شی، ژیوای گنۆ جه‌ره‌یان، ئاوی ته‌قۆ و سرووشت جوان و تازه بۆوه.

ئی ڕازێ فۆلکلۆره‌ی تایبه‌ت به هه‌ورامانیه‌نه و ڕه‌نگا سه‌ده‌ها ساڵێن ده‌م به ده‌م گێڵیانیه‌وه تا یاواینه به ئێمه و فره‌و خه‌ڵکوو هه‌ورامانی مزاناش و هه‌ر پی شکڵه گێڵناشه‌وه . ئی جۆره ڕازێ بێ شک ڕیشه‌ی تاریخیشا هه‌ن و تا چێوێو نه‌قۆمیابۆ یا کاره‌ساتێو نامابۆ ڕوه، ئی ڕازێ وه‌شێ نه‌کریاینێ.

بڕێو وه‌ختێ فۆلکلۆر متاوۆ پێسه که‌ره‌سێوی په‌ی به ده‌س ئاردێ‌ی تاریخ ئه‌ده‌بیاتی که‌ڵکه‌ش چنه گیریۆ. په‌ی نموونه‌ی ئێمه وه‌ختێو داستانه شێعره‌و کوله و عاینه‌مه‌لوو میرزا ئه‌ولقادێری موانمێوه ئه‌گه‌ر نه‌ختێو جه تاریخی شاره‌زاییما بۆ، گنمێوه ویروو جه‌نگوو ئێرانیه‌کا و عوسمانیه‌کا جه سه‌رده‌موو زه‌ندیه‌کانه. چوون سپاو عوسمانی ته‌شبی کریان به کوله یا مه‌له‌کوڕی که مه‌یا گردوو سه‌مه‌روو ملکه‌کاو پاوه‌ی موه‌را خه‌ڵکی په‌نا به‌را به سپاو عاینه‌مه‌لی جه شیرازه‌نه. شاو عاینه‌مه‌لی فه‌رمانه مدۆ به سپاکێش بلا و پاوه‌ی جه ده‌سوو کوله‌یه‌و ڕزگار که‌را. ئینه ئه‌وه‌گێڵنای گۆشێو جه تاریخوو ئی مه‌نته‌قه‌یه‌نه که میرزائه‌ولقادێر به زه‌ریفی که‌ردێ‌نش داستانه شێعره. و ڕازێ چێمنێ دلێ کۆمه‌ڵگاکانه فرێنێ و حه‌تمه‌ن چێوێوی دڵته‌زێن قۆمیان که که‌ردێ‌نشا ڕازه . ئی ڕازێ که ڕیشه‌ی تاریخیشا هه‌ن، جه ویاری فه‌رهه‌نگی و تاریخیه‌ره ئێژانه و کێشانێوی به‌رزشا هه‌ن. یاگی ئه‌ده‌بیاتی فۆلکلۆری پێسه‌و سه‌نه‌دێوی تاریخی ئینا وه‌روو چه‌ماوه. ماکسیم گوورکی ماچۆ: هه‌ر چن جه فولکلۆره‌نه به‌شه‌ر مشێو چنی ژیوای گژیۆ، به‌ڵام ئه‌ده‌بیاتی فولکلۆر چنی به‌ده‌بینی بێگانه‌ن. ئێنسان تا فولکلۆری نه‌ژناسۆ، نمه‌تاوۆ ده‌رکێوی ڕێکش جه ئه‌ژناسای تاریخوو نه‌ته‌وه‌کا بۆ.

که‌سانێو که تاریخوو هه‌ورامانیشا وانان یام به ده‌مواچ په‌یشا گێڵیانه‌و وه یا که‌سانێو هه‌نێ که حه‌تتا ده‌رکشا که‌ردێ‌ن، هه‌ورامان بۆنه‌و که‌م بیه‌و زه‌مینوو زه‌راعه‌تیش دایمه تووشوو گێچه‌ڵێ ئامان یا وشکه‌ساڵی یا جه‌نگ و جه‌ڵه‌به و هه‌ڵمه‌ته‌و بێگانا بیه‌ن هۆ بێ ده‌سه‌ڵاتی و که‌م ده‌سی و بی ڕزقی. من فره ده‌موو پیراوه ئه‌ژنیه‌نم ساڵه‌و گرانیه که‌ی. ئی ساڵه‌و گرانیه که ئه‌جۆ چن ساڵێ ده‌وامش بیه‌ن، خه‌ڵکی خه‌له نه‌بیه‌ن که‌روو هاردێ. هاردێ تفیشا واردێ‌نێ یا لوایێ که‌ش نیۆڕشا وارده‌ن. وه‌زعه‌و هه‌ورامانی باز جه یاگانێوته‌ری خاسته‌ره بیێنه چوون ملکه‌کێ سه‌مه‌رشا بیه‌ن یا که‌شه‌کێ دار و دره‌خت و گیوا په‌ی واردێ‌یشا بیه‌ن. ئی کاره‌ساتێ بیێنێ هۆکاروو ئانه‌یه ڕازێ وه‌شی با و زاروڵه‌کێ چنی ئی کاره‌ساتا ئاشنه‌ی کریا. ئینه باسێوی گردی سه‌روو ڕازه‌و مامالێ و فه‌لسه‌فه‌و ئی ڕازێ بێ.

پاسه بزانوو برادەرێو به نامێ زانیار دره‌خشانی نه‌قدێوش نویسه‌ن سه‌روو ئی ڕازێ و چن ڕه‌خنێش گێرتێنێ. هه‌ر چن من ئی برادەریه نمه‌ژناسوو و نمه‌زانوو کۆگه‌یا و تا چ ڕادێو ملوو تاریخ و فه‌رهه‌نگوو ده‌مواچوو هه‌ورامانی شاره‌زاییش هه‌ن، و نمه‌واچوو که نه‌قده‌که‌ش ڕێکا یا ڕێک نیا به‌ڵام هۆمێدم ئانه‌ن ئی نه‌قده سه‌روو دڵسۆزیه‌و بۆ نه‌ک هه‌ده‌فمه‌ند که به داخه‌وه فره‌و ئی ڕه‌خنا بۆناخاتره‌و بڕێو چێوانێوه‌نێ که من حه‌ز نمه‌که‌روو چێگه‌نه باسش وزوو سه‌ر. په‌ی نه‌قده‌که‌یش ئێحترام قائێله‌نا، به پاو ئانه‌یه کاکه مۆحسێن که‌ره‌می ئی نه‌قدشه نیانه‌ره و وێچش لایه‌نگیریش که‌رده‌ن به ئێحترامو وانه‌ره کا ئا نه‌قدیه جوابێو منویسوو.

۱- نه‌قده‌که فره تونڎ و تێژا و پاسه دیارا

که (منتقد) جه وه‌روو تووڕه‌یی فره‌یه‌و ئی مه‌تڵه‌بشه نویسه‌ن و ته‌نیا یه‌ک چێو وه‌روو چه‌ماشه‌و بیه‌ن ئاڎیچ ئه‌وه‌گێڵنای داستانه‌و حه‌یوان ئازاریێو که وه‌رده‌نگه‌کێش زاروڵێنێ. ئی ڕازێ نه من نویسێنه و نه من وه‌شکه‌رش بیه‌نا. ئی ڕازێ گاهه‌ز سه‌ده‌ها و یا هه‌زاران ساڵێ تاریخش بۆ ئاننه مزانوو تایبه‌ته‌نه به فه‌رهه‌نگی ده‌مواچوو هه‌ورامانی. و گردوو مه‌حاڵه‌کاو هه‌ورامانی ئی ڕازێ مزانا و گێڵیاینه‌و په‌ی زاروڵه‌کاشا. ئه‌گه‌ر جه بۆعدوو ده‌روون شناسیه‌ره بلمێش په‌ی مشێو واچمێ قه‌ده‌یمیه‌کێما که ئی فۆلکۆره‌شا وه‌ش که‌ردێ‌ن و سه‌ده‌ها ساڵێن ئینا چی کۆمه‌ڵگانه، هه‌ڵه و جه‌نایه‌تشا که‌ده‌ڕه‌ن ده‌ر حه‌ننا زاروڵه‌کاشا. ده‌ی کاکه پاسه نیا. ئه‌گه‌ر ئی ڕازێ زه‌ربه‌ش دابیایا ئه‌و ڕوح و ڕه‌وانوو زاروڵه‌ی که ئێتر نه‌بێ به فۆلکلۆر نه‌بێ به فه‌رهه‌نگی ده‌مواچ، ئێتر تا ئیسه نه‌مه‌نێوه. دڵنیا به قه‌دیمیه‌کێ ئێمه فره ژیرێ بیێنێ به تایبه‌ت خه‌ڵکوو مه‌حاڵوو هه‌ورامانی که ویه‌ردەی چن هه‌زار ساڵه‌ش هه‌ن. هه‌ر پاسه که وه‌ڵته‌ر عه‌رزم که‌ردڎ، ئی ڕازێ فه‌لسه‌فێوی قووڵش بیه‌ن.

۲- فه‌رماوانش که‌سێو که ئی ڕازێشه هۆر چنیێنه جه مه‌سه‌ڵێ ده‌روونشناسی و کۆمه‌ڵشناسی ئێننه ناشاره‌زا بیه‌ن دماو ئانه‌یه ئی گیانداره پاسه زه‌جر مدڕیۆ کیانۆشه‌ره دڵێ کۆمه‌ڵگای که چاگه گاڵته‌ش پنه که‌را. فکر نمه که‌روو ئی برادەره عال جه داستانه‌کێ یاویابۆنه. چوون جه ڕازه‌و مامالێنه دوێ کۆمه‌ڵگای جیاوازێ هه‌نێ ئه‌گه‌ر ئه‌چێگه گاڵته‌ش پنه کریۆ، که قه‌ته‌عن ئینه به‌شێوا جه ڕه‌فتاروو کۆمه‌ڵگای، جه یاگێوته‌ره‌نه یاوه‌ریش مدا په‌ی یاوای به ئامانجه که‌یش.

۳- به ویر و ڕاو جه‌نابیش کته‌ی به‌سه‌زوانه‌ی ونه‌قۆمیا مشێو بلۆ گێچه‌ڵه‌کاو کومه‌ڵگایچ وه‌شێ که‌ڕۆ تا حه‌قه‌که‌ش دریۆوه. یانێو عه‌مه‌دن به ده‌سوو نویسه‌ری مه‌جبووره کریاینه. به‌ڵام جه‌نابش که شاره‌زاو فۆلکلۆروو زاروڵان ، مشێو ئینه‌یه بزانۆ که جه فولکلۆره‌نه به‌شه‌ر مشێو چنی ژیوای گژیۆ و موباریزه که‌ڕۆ ئه‌گه‌ینا جه مه‌ژگ و زه‌ینوو کۆمه‌ڵگایه‌نه مه‌مه‌نۆوه و مه‌بۆ به فۆلکلۆر.

٤- ئۆسای پاڵا وڕاز هه‌ر پاسه که وه‌ڵته‌ریچ عه‌رزم که‌ردڎ، نمادوو سه‌نعه‌تگه‌ری هه‌ورامانیا. ئا سه‌نعه‌تگه‌رێ کاکه زانیار گیان! به ئه‌وپه‌ڕوو ده‌س و دڵبازیه‌و لوای تا دووڕته‌رین یاگاو کوردستانی و به کڵاش که‌رده‌ی و مه‌وچ و جاجم ڕێسته‌ی و چوخ و رانک که‌رده‌ی و وه‌شکه‌رده‌ی ئه‌نواعوو ده‌ستینه‌کا و سه‌نعه‌ته ده‌سیه‌کا و سه‌نعه‌ته‌که‌و وێش که هه‌زاران ساڵێ جه ئی مه‌نته‌قه‌نه بیه‌ن و مایه‌و فه‌خروو هه‌ورامانی بیه‌ن، به دڵ پاکیه‌و پێشکه‌شش که‌ردڎ‌ن. ئیسه گوا چی مشێو سه‌یر بۆ چوار هیتێ کڵاشێ دۆ به ئا کتێ که نمادوو کوڕێوی ونه‌قومیای موباریزیا!!! و جوابوو ئا په‌رسیه که ئایا ژه‌نیچ کلاشێشا بیێنێ؟ به‌لی بیێنێ. خۆ ژه‌نی پاوردا نه‌گێڵاینێ!

۵- زاروڵه‌و ئارۆی هیچوه‌خت جه زاروڵه‌و هیزی ڕۆحش له‌تیفته‌ر نیا. زاروڵه‌و هیزی که‌ی زانێ جوڕم و جه‌نایه‌ت یانیو چێش؟ که‌ی زانێ قه‌تڵ عام یانیو چێش؟ که‌ی زانێ زاروڵه کوشی چێشا؟ و داعێش کێن؟!!!! . ئی گرڎه داستانێ جه باره‌و حه‌یواناوه منویسیا و ئی حه‌یوانه ئا حه‌یوانیه موه‌ڕۆ، ئینێ ئێتر نمه‌شیۆ په‌ی زاروڵا گێڵیاوه؟ ئه‌ی چێش که‌ری به هه‌زاران کارتۆنێ که فرێشا باسوو حه‌یواناتیا و هه‌م حه‌یوان ئازاریشا چنه‌ن و هه‌م کوشته‌ی ؟!!

کاکه گیان! هه‌رچی ڕازێ و ده‌مواچێ تا ئی نه‌سڵه یاوه‌ینێ به ئێمه، مه‌نێنێوه. به‌ڵام ئێتر خه‌ریکا جه به‌ین مشا. ئیجازه ده‌یدێ با ئێمه ئی ده‌مواچیه بیاونمێ به نه‌سڵی دماینوو وێما. با زاروڵه‌کێما فه‌رهه‌نگه‌که‌و وێشا و فۆلکلۆره‌که‌و وێشا جه ویرشا مه‌نۆوه.

هه‌ڵۆنی یا قاڵاو

■ کاروۆ حه‌سه‌نی
خوێندکاری قۆتابخانه‌ی فه‌رزانه‌گانی مه‌ریوان

ڕۆژگاریه زوو جه ده‌گایه دوورەنه پیایه ژیان به‌ڕێ سه‌رچه‌نی کوڕه‌که‌یێش.

شه‌ویه پیاکه سه‌ره‌ش نیا سه‌روو سه‌ره‌نگاکێشۆ ویری که‌ڕێوه په‌ی وێش، واتش چه‌نی وێش: ئی کوڕمه ئیتر گه‌وره بییه‌ن، مشۆم به جۆریه ڕاوێژش په‌ی که‌روو حه رویرش نه‌شۆوه.

سه‌رسۆحو ڕۆو دمایی ده‌سوو کوڕه‌که‌یش گێرت ولوا په‌ی به‌روو ده‌گای لێ باخاره ڕه‌دێ بیێ و یاوه‌یی به دارستانیه، چا دارستانه پیاکه هێلانه قاڵاویه‌ش که‌رد به نیشان پێ کوڕه که‌یش و واتش: یه‌ڕێ سه‌عاتێ بنیشه‌ره چیروو ئی هه‌ژگێره و سه‌رنجوو ئا قاڵاویه به بزانه چێش مووه‌ڕۆ؟ چێش مه‌که‌ڕۆ؟ کۆمه‌ڵۆ؟ چکۆهێلیانێش وه‌ش که‌ردێنه؟

کوڕه‌ش نیاره ولواوه په‌ی ده‌گای تا بیا و به هه‌رمانه وئاژه‌ڵداریشه‌ره.

دماویه‌ڕێ سه‌عاتالواوه په‌ی لاو کوڕه که‌یش و واتش په‌نه: چێشۆ دی؟ کوڕه‌که‌یچ ئامه جاو واتش: ئی قاڵاوه سیاوه پیس وه‌ره‌نه، هه‌نه دماوڕفنه و چێووخه‌ڵکیره، مه‌لۆمه‌گێڵۆ لێ ئه‌ژغاڵاره و هێلیانه‌که‌یچش یاگه‌کێش فره به‌رزنییه‌ن.

پیاکه‌یچ زه‌رده‌خه‌نه‌ش دانه و سه‌ریه‌ش به نیشانه و ڕه‌زایه‌تیوه له‌قنا و واتش: ئی قاڵاوه سیاوه پسه‌نه خه‌ڵکیه گه‌ڕبازو و دزی. تووپچ ئه‌گه‌رگنی دماو ئا جۆره مه‌ردمیه مه‌وی به قاڵاوه سیاوه. ئیسه بۆ با چی هه‌رده نیمه‌ڕۆ که‌ڕمێ.

پیاکه و کوڕه‌که‌ش نانوو نیمه‌ڕۆیشا وارد و جا دماو ئانه یه چیروو سێوه‌روو شۆره بییه که

کۆڵبەرنامە

مێرمندالیمان لە بنەدەوەنەکانی هەژارییدا بە جێ ما!

■ **محەمەد دانش**

تێوەی ژەنیم کە هەڵسە ماشینێ هاتووە، نەرەیەکی ناخۆشی لێ دەرەهات و خرەیەکی زەقتر لە ناو هارەهارەکەیا ئەهات کە سالاتێکی دوای ئەوە زانیم ئەوە دەنگی پەروانەکەی بووە. چراکەی خستبووە نێو چاوانمان و وەک بلێیی داحبایەکی سەیرو سەمەرەی دیبێ، نە دائەبەزی و نە ئەیشرۆی! بەشەواره کەوتبووین؛ دوای مۆڵەقێ وێسان ئاخری زەلامێک زۆر بە هەستییاریەوە و بە ترس و گومانەوە دابەزی و نزیکمان بوویەوە! کاتێ دوو منالی داماوی بێدەسەڵات کە لە حەیبەت سەرمایا کزۆڵەیان کردووە و هێشتا بە باشی لە خەو هەڵنەساون، دیسان ئەونەی تر عەجاوات بوو بە لایەوە. چراکەی کوژاندەوە و کاتێ زەبوونیمانی باوەڕ کرد قیراندی بەسەر مانا: توخمە سەگانە چکارەن لێرا؟

پێیان ئەوت «سێراکەی جەژنیاوا»، بەو مەبەستەوە لە باشماخەوە هاتبوون کە گوایە لەویا ماشینمان دەس ئەکەوێ. کاتێ لە ناوشارەوە رێکەوتبووین هەموو زانیاری و ئەزموون و لێزانینمان لە کۆڵبەری، جووتێ قەیاسەبوو کە هەر ئەو رۆژە ناو گوزەرە کیا سەندبوومان و کابرا بە لاچاوێک تێیی گەیاندبووین کە ئەمە کاری ئێوە نییە! بەڵام ئێمە هەر ئینکار و سەرەڕۆ و لە سەرووی هەموویەوە بێدەرەتانی، تێمانگەیاندبووتر کە کاری ئێمەیە و ئەولاتریش. کلاس حەوت پیاوێ بوو ئیتر! عەیبە نەزانێ و نەتوانێ کۆڵبەرییەکی حیز بکات. کە قەیاسە کەمان راخستبوو کابرای خاوەن مەخزەنی باشماخی پێمان پێکەنیبوو کە گوایە ئەبوا لە لێژگاییە رامان خستایە، نەک ئەو تەختاییە، کە دواتر عەدڵە برنجە کەت بۆبەرز بکرێتەوە! کورد ئەڵێ یا زانا بە یام پرسا؛ ئێمە نە بزان بووین و پرمان ئەکێشا پرسین لە یەکێ! رەهەندە کە نەوی لە خۆمان و لە فەردە برنج، خستینیە ناو پەناملە سوورە کە، ئیتر بۆ دوای ئەوە هیچ ماشینێ بەقەی ئەوە گەرم و نەرم و خۆش نەبوو و نابێ! خەڵکی کوێن و کوڕی کێن و چکارەن و سەرتان لێ شێواوە ئالەم قسەیەلە کە بەم ٤ی بەیانییە چیە کەن لێرا؟ بۆ ئەبێ کەونە ئایسە و عەسڵەن بۆ تا ئەگرا بە کۆڵەوە هاتوون؟ قوربان لە ترسی پازگاکەی قەبری زاڵە هاتووینەتەوە ئێرە و ئیتر وتوومانە با نەمانگرن! کورە بنە گووانە خۆ شەوێ سەو کۆڵ یەتۆ لەم رێگەوە، خۆ باوڕەکەی بارە تێخ و جگەرەتان پێ نییە وا خۆتان کردووە بە خولە پیزێ! لەل ئەو عالەما لەم دیو پایەگاکەوە سوار ماشینەکان بوونایە و تەواو! هەر باش بووە سەگتان تێوە رانەهاتووە! یام گورگ نەیاخواردوون! بە حوکمی ئەوەی کە ئەو هەوارامی بوو و من لای مەرزی، بە حوکمی ئەوەی کە من چەندین کەسی نزیکم لەو مەرزەیا قاچ و دەستیان پەرییوو و کوژرابوون، بە پێی ئەوەی کە من زۆرێک لە خزم و کەسەکانم ولاغار و ئەوانە بوون و مەرزیان ئەکرد، ئیتر من بە حساب تەواوی ئەو مەنتەقە وەک لەپی دەسم بەڵەو بووم و ئەو فەقیرەش عەقڵی خۆی دابووە دەس من.

منیش وەک چەگوارا چیلکەیەکم هەڵگرتبوو و بەسەر لمی ئەو قەراخ چەما نەخشە رێگای دوورترین و سەختترین رێگای مومکینم وەک ئەمنترین رێگا کێشابوو! بەدەمارەوە بە هاورێکەمم وتبوو دوام کەوە، دوام کەوت و هەڵیجرنگاند کە جرنگاندی! بەیانییەکەی لە خوار چوارڕای بایەوە لە شوێنێک کە پێیان ئەوت برنج فرۆشییەکان، داماننا و تا نیوەڕۆ فرۆشتمان وخێرە کەیمان ناتەنگەی گیرفانمان و وەک پیاوی پیاوانە بە باخەڵی پڕەوە ڕوومان لە ماڵەوە کرد.

ئەمە سەرەتای رێگایەک بوو کە ئێمەی منال ئەزموونمان کرد و دواتر مێرمندالیمان لە بنەدەوەنەکانی هەژارییدا بە جێ هێشت. لە سەرەتاوە تەنیا لەشت مانوو ئەبوو، بەڵام دواتر رۆحت جەمام ئەکەوت؛ لە سەرەتاوە پووڵی گیرفانت خوتووکەی ئەدای، بەڵام دواتر قۆناخە تفەنگی چەکداریێکی سەر کاناڵەکە کەرامەتتی ئەقوپاند! خاوەن بارێ کە کەسابەتەکەی زەرەری کردبوو جوێنەکەی بە تۆ ئەیا! رەهەندەیەک کە مەئموورێ ماشینەکەی خەواندبوو، تووڕەییەکەی بەسەر تۆیا ئەڕشت. سەربازێکی سەر چەمەکە کە فەرماندەکەیان بێبەشی کردبوو لە موڕەخەسییەک کە بچێتەوە دەزگیرانەکەی ماچێ بکا، شەقەزلەیەک کە ئەبوا لەوی بدایە لە تۆی ئەیا! زلەیەک کە تا ساڵەها سوورییەکەی نەک لە ڕوومەتت بەڵکوو لە ڕۆحتدا ئەمایەوە.

هێسرە شێتەیەک کە نەیەوێسا کۆپانی کەن و بە کوتەک و گوریس لێیان ئەدا، پێناسەی بەزەییتی ئەم دیواودیو ئەکرد! کاتێ لە کاناڵەکە دائەبەزایت و لە سەرکەوتنا هەناسەت سوار و پشتت لاواز بوو، فەلسەفەی بوونی خۆتت لەم دنیایەدا ئەخستە ژێر پرسیارەوە! بە جۆرێک کە ٢١ ساڵ دوای ئەوە کاتێ لە هۆڵێکدا رێوڕەسمێک لەسەر توندوتیژیی کۆمەڵایەتی دائەنرێ و کابرایەکی کۆمەڵناس یام دەروونناس لەسەر ڕیشەکانی توندتیژی قسە ئەکا، بێ ئەملاولا ئەتباتەوە بۆ ئەو ئێوارەیەی کابرایەکی نیزامی شەقێکی وەهای تێهەڵدابووی خۆت و کۆڵەکەتی لە عەرز بڕیبوو! رەنگە ئەو کاتە بیرت کەوتبێتەوە کەی و چۆن رۆژێ لە رۆژان عزەت نەفست دراوەتە بەر شەق و بوێریت لە بازیدییەکەی ئەملای ساوەوە، سەعدی ناوێک سیخی لێ داوە و بە جوێنێک وەک شەقەکەی کابرا لە سەگەبەرەلای هیدایەتدا، مەهرەبانی پێ نواندوویت.

درۆیە چیرۆکی کۆڵبەری نانووسرێتەوە، ئەم وشانە هەمووی تازەن، وشەی بەر لەپتاپ و تلگرامن، وشەی سکتێری و بەر کوولێرن. ئەبێ بێدەسەڵات بیت و موحتاج، ئەبێ جوێنێ وەها بدا لە جەرگت دڵت پڕ بێت و سەر لە ناو ئەژنۆت تێر بگریەیت و هەوڵیش بدەی کەس پێت نەزانێ! ئەبێ عارەقی پشتت کۆڵەکەت بخووسێنێت و دواتر بسێنەر نارەزا بوو لە کرینی ژیانی ئەمرۆت، بڵێیی کاکە ناو بارا وای لێ هاتووە. ئەشێ حەز لە کەوشی شبرەو کەیت و خەوی پێوە ببینی، ئەبێ حەز لە پەنێری تەنە کە کەیت و تاااسەی کەی. نە قەد بە شەرواڵە کەوە دانیشتن لە پاڵ قۆرییە چایی، بەو هیوایەی کە بەیانی بخەوی تا نیوەڕۆ، بەسەرهاتەکانی ئەو مردنانە کە مردیت و لە بزنەرێیە کانی «باشماخ» و «بایەوە» و «بناوەسووتە»یا ناشتنت، نایەتەوە و نایەتەوە.

نەورۆز؛ ڤیستیڤاڵ یا کارەسات؟!...

■ **ئەمجەد حەیدەری**

مرۆڤ ئەو بوونەوەرەیە کە بەستنەوەی خۆی بە ژیانی کۆمەڵایەتی و تێکەڵاو بوونی لە ئاستێکی بەربڵاوی جیهانیدا، جیادە کاتەوە لە هەموو بوونەوەر و گیانلەبەرانی دیکەی سەر گۆی زەوی. بەشدار بوون لە بۆنە و تایبەتەکان یاخود کۆڕگێڕی ماتەمینی و هاوسۆزی لەگەڵ یەکتر بەمەبەستی دەربڕینی پابەندبوونیان لە ئاست خۆشی و ناخۆشیەکاندا پێناسە و بەڵگەن لە ژیانی کۆمەڵایەتی مرۆڤی هاوچەرخ.

هەر ئەمەش دەبێتە مایەی رەزامەندی لایەنی بەرانبەر و لەبووارى دەروونیەوە کاریگەری ئەرێنی دەبێت و بەتایبەت لە کۆڕ و مەراسیمە خەمناکەکاندا تا ئاستێکی بەرچاو خەم و پەژارەی خاوەن کۆڕ دەرەوێتەوە.

بەڵام وەک لە نێو هەموو رەگەز و چین و توێژەکانی جیهاندا دەبینرێ، کۆمەڵێک بۆنە و ئاهەنگی تایبەت کە پەیوەندی راستەوخۆی بە جەماوەرەوە هەیە دەبێتە ئەرک و موناسەبەیەکی گشتی و وەک کەرنەڤاڵێک بۆ دەربڕینی خۆشی و شادی چاولێدە کرێ.

حکومەت و رێکخراوە مەدەنیەکان و بەتایبەت بەرێوەبەرایەتی شارەوانیەکان ئەرکی سەرەکی وەک ئامادەکاری بۆ بەرێوەبردنی ڤیستیڤاڵ دەگرنە ئەستۆ و پێشتر لەرێگای کەناڵە راگەیاندنەکان و بلاوکراوە فەرمیەکان هاوڵاتیان ئاگادار و بانگهێشتی بەشداربوونی کەرنەڤاڵ دەکەن.

وەک دەبینین ساڵانە ژمارەیەکی زۆر ڤیستیڤاڵ و کەرنەڤاڵی وڵاتان بەرێوەدەچێ کە هەموو جەماوەری خەڵک و هونەرمەندانی گۆرانی بێژ بە جۆش و خرۆشەوە بەشداری دەکەن و بە پۆشینی جل و بەرگی ئاڵ و والا و تەنانەت دەمامک و شێوەی جۆراوجۆری گاڵتەجار بە خۆشی و پێکەنین و گۆبەند و هەڵپەڕکێ، دور لە توندوتیژی کۆتایی بە ڤیستیڤاڵ دێنن.

بەرێوە بردنی ڤیستیڤاڵ دەبێتە وزە و گورۆتین بۆ هاوڵاتی و رەنگدانەی ئەرێنی دەبێ لەسەر ژیانی ئاسایی و بەرەوپێش بردنی کار و هەڵسووڕانی رۆژانە و ئومێدەوار بوون بە دوارۆژ و هەست بە بوونی خۆیان دەکەن.

بە واتایەک مەرجی گەشە و پێشکەوتنی کۆمەڵگە و سەقامگیر بوونی سەلامەتی رۆح و رەوان "تاک" دەگەرێتەوە بۆ رادەی هەستی بەختەوەر بوون و بەدیکردنی ئاسۆیەکی ڕوون و گەشاوە لای هاوڵاتیان.

بۆ دەستەبەر کردنی ئەم ئامانجەش پێویستە حکومەت و سیستەمی دەسەڵاتی ناوەندی وەک ئەرکی سەرەکی خۆی مافی شادی و بەختەوەری بۆ هاوڵاتیان رەوا بینێ و بۆ ئەم مەبەستەش هەنگاوی جیدی و کاریگەر هەڵگرێ.

دابینکردنی رێوشوێنی تایبەت و ئامادەکاری بۆ بەرێوەچوونی ئاهەنگ و ڤیستیڤاڵ بە شێوەیەکی گونجا و کارناسانە دەبێتە بەردی بناغەی دامەزرانی کۆمەڵگەیەکی مەدەنی و شایستە کە مافەسەرەتاییەکانی هاوڵاتیانی تێدا رەچاو و دەستەبەر دەکرێ.

نوێ بوونەوەی وەرز و دەسپێکی ساڵی تازە لە هەموو جیهان وەک جەژنی کریسمەس و نەورۆز، دەبێتە رووداو و بیرەوەریەکی دەگمەن و جەماور بە جۆش و خرۆشەوە بەشداری دەکەن و لەو رۆژەدا ئاهەنگی بەرفراوان دەگیرێت.

هاوڵاتیان پێشتر بۆ پێشوازی کردن لە ساڵی نوێ، بە خاوێنکردنەوە و رازانەوەی ماڵەکان و لەبەرکردنی جل و بەرگی ئاڵ و والا و پێشکەشکردنی هەدیە و دیاری بۆ منداڵان هەروەها رێکخستنی گرێبەستی هاوسەرێتی لەم رۆژەدا دەرۆنە پێشوازی ساڵی نۆی و کەژاوەی ژیانێکی نوێوە.

بەکارهێنانی جۆرە کەرەسە و پێداویستی وەک شیرینی، کێک و گوڵ و ئاگر کردنەوە و تەقەمەنی بێ مەترسی بۆ یاری ئاگر بۆتە نەریت و گورۆتینی زیاتر بە ئاهەنگەکە دەبەخشێ.

بەڵام وەک دەبینین "نەورۆز" کە هێمایە کە لە نوێ بوونەوەی وەرز و ژیانەوەی سروشت و ماڵاوایی کردن لە ساڵی کۆن، نەک هەر پشت گوێ خراوە بەڵکو بەتەواوی بۆتە جێگای مەترسی و دڵەراوکێی هاوڵاتیان.

بەداخەوە بەهۆی لەبەرچاونەگرتنی ویست و داخوازی خەڵک و کپ کردنەوەی حەز و ئاواتەکانیان بەتایبەت گەنجان و لاوان بە هەڵگرسانی ئاگر و تێکدانی سروشت و ژینگە و بەکارهێنانی جۆرە تەقەمەنی گەلێکی پڕمەترسی ئەم رۆژە دەکەوێتە بەر هەرەشە و زۆرجار رووداوی دڵتەزێن و ناخۆشی لێ دەکەوێتەوە.

نمونەی نەورۆزی ئەمساڵ بە گیان لەدەسدانی لاوێک و بریندار بونی چەندین کەس و تێک چوونی کەش و هەوا بە هۆی دووکەڵی سووتانی تایەی ئۆتۆمبێل و پیس بوونی ژینگە، بیرەوریەکی تاڵی لای هاوڵاتیان و بەتایبەت خانەوادەی قوربانیان دروستکرد.

گۆبەند و شایی و رەشبەڵەک، دیاری و خەندە و پێکەنین ، دەس لەمل کردن و گەردن ئازایی کە ساڵەهای ساڵە وەک نەریتێک لە مێژوی ئەم خەڵکەدا جێی خۆی کردۆتەوە و تۆمارکراوە، دەکەوێتە بەر هەرەشەی نەبوونی پلانی بەرپرسان و بەرتەسک کردنەوەی هەستی خۆشی و شادی بۆ جەماوەری خەڵک.

گیان لەدەسدانی گەنجێک بە هۆی تەقینەوە، کاریگەری نەرێنی لەسەر جەماوەر دەبێ و بۆ هەمیشە کۆستێکی گەورە و گران لای خانەوادە و کەس و کاری قوربانیان دروست دەکات.

لەراستیدا ئەمجۆرە کارەساتە دڵتەزێنانە دەرئەنجامی کپکردنەوەی هەموو حەز و ئاواتە دێرینەکانی خەڵک و داسەپاندنی فەزا و جەوێکی بێ رەنگ و دور لە شادی و بزەی پێکەنینە.

تاوانباری سەرەکی نەک هەر قوربانی و گەنجانی دڵ پڕ لە حەز و هیوا نین، بەڵکو کۆمەڵگە و دونیایەکە کە تەنانەت یەک رۆژ خۆشیان پێ رەوا نابینێ و لە سەرەتایی ترین ماف و داخوازی رەوای خۆیان کە ژیان لە دونیایەکی شاد و دەست لەمل و دور لە قین و کوشتن و برینە بێ بەش دەکا.

دونیایەکا کە شاییان لێ دەکا بە شین و هەڵپەڕکێ و گۆبەند و زەماوەندیان لە دووتوێی ناهومێدی دا دەپێچێتەوە و رەوانەی گۆڕستان دەکا.

لە راستیدا بەکارهێنانی توندوتیژی و گوشار و چاوسورکردنەوە نەک هەر نابێتە ئامراز و کەرەسەیەک بۆ کۆنترۆڵ کردنی ئەمجۆرە بۆنە و مەراسیمانە بەڵکو بە پێچەوانەوە دەبێتە مایەی هاندانی گەنجان بۆ بەرەنگاری و دڵەراوکێ و ترس و تۆقاندن دەخاتە نێو دڵی هاوشاریان.

بەکورتی تەجرەبە و ئەزموون دەریدەخات ئاخاوتن و دووان بە "زمانی گوڵ" کاریگەرتر و پێشکەوتووترە لە زمانی "ئاگر و ئاسن"!...

با جارێکی دیکە هەموومان بەخۆماندا بێینەوە و لەم وەرزە نوێیەی ساڵدا بڕیار بدەین و بەڵێن تازەکەینەوە وەک مرۆڤی مۆدێرن و خاوەن شارستانیەتی ئەم چەرخە دوور لە دەمارگرژی و هەڵاواردن بە رۆحی لێبوردن و بەرزی ئینسانی دەژین و پێناسەشمان مێهرەبانی و دەستی سەوز و ژینگە پارێزمانە.

با هەموومان بەکردەوە بە جیهانیان بسەلمێنین نەک هەر شەرئەنگێز و دڵ پڕ لە قین نین، بەڵکو لەوەرزی ژیانەوەی سروشت و "نەورۆز"دا میواندارێکی باوەش ئاوەڵا و دڵفراوانین و بە چەپکە گوڵی خۆشەویستی دێینە پێشوازیتان و چڵە نێرگز لە بەرۆک و یەخەی هەمووان ئەدەین.

هەموو کات و ساتەکانی ژیانتان پڕ لە کامەرانی و بەختەوەی، بە هیوای بەدی هاتنی هەموو حەز و ئاواتە بەرز و ئینسانیەکانتان.

شایستگی حضور در طبیعت

■ **امید رشیدی**

تا بەحال از خود پرسیدەایم، چرا در روزهای تعطیل، خصوصاً در فصل بهار برای گذران اوقات فراغت به دامان طبیعت می‌رویم؟ فلسفه رفتن به طبیعت چیست؟ آیا ما ظرفیت حضور در طبیعت را داریم؟ اگر جواب مثبت است، این‌همه تخریب، نابودی و انواع آلودگی چیست که در تفریحگاه‌ها بعد از خود بر جا می‌گذاریم؟!

ممکن است بیزاری از زندانی که با آهن، آجر و سیمان در شهرها به دور خود تنیده‌ایم و همچنین فرار از دست فضاهای بسته شهری و انواع آلودگی‌ها به دامان فضاهای باز طبیعی پناه می‌بریم. دلیل دیگر شاید برای ارضای نیازهای روحی و روانی‌مان باشد. اگر چنین است، چگونه عده‌ای برای کباب یک وعده، درختی پنجاه‌ساله را قطع می‌کنند؟! شاید هم علت این است که ما بی‌هدف به دامان طبیعت می‌رویم و ممکن است هدف عده‌ای انباشتن شکم از گوشت باشد!

اما اگر هدف خوردن باشد، چرا در خانه خود نمی‌مانیم که آشپزخانه‌ای با همه‌ی امکانات پخت‌وپز در خدمت داریم؟ کاش قبل از به خدمت گرفتن طبیعت، ظرفیت دارا بودن آن را در خود ایجاد می‌کردیم. یکی دیگر از دلایل این‌همه ویرانی که با حضور خود به طبیعت تحمیل می‌کنیم، کم‌رنگ بودن یا فقدان منافع عمومی در ذهن ماست. به‌هرحال اگر نکات زیر را رعایت نکنیم، ثابت کرده‌ایم که هنوز ظرفیت حضور در طبیعت را نداریم و بهتر است از حضور در آن خودداری کنیم.

۱ـ از بریدن، زخمی کردن، شکستن و افروختن آتش در زیر و کنار درختان زنده پرهیز کنیم.

۲ـ گل‌ها و گیاهان را لگدمال نکرده و از چیدن آن‌ها خودداری کنیم؛ مخصوصاً کودکان را از این کار منع کنیم.

۳ـ تا حد امکان از غذاهای ساده‌ای که نیازی به افروختن آتش ندارند استفاده کنیم. در غیر این صورت، چوب خشک را جمع‌آوری نموده و از جاهایی که قبلاً به‌عنوان اجاق استفاده‌شده است، بهره برده و یا روی تخته‌سنگ‌ها آتش روشن کنیم؛ زیرا با هر بار افروختن آتش روی چمن‌ها و گیاهان، حداقل نیم مترمربع از سرزمینمان را به بیابان تبدیل می‌کنیم.

۴ـ به حیات‌وحش و حریم جانوران و پرندگان احترام بگذاریم و از ایجاد سروصدا، پخش موزیک با صدای بلند که باعث ترس آن‌ها می‌شود، بپرهیزیم.

۵ـ طبیعت را پاک‌تر از زمان ورودمان ترک کنیم. از برجا گذاشتن هر نوع زباله خودداری کنیم. زباله‌های تر را از قبیل پوست میوه‌ها در پای درختان و زیر ده سانتی‌متر خاک دفن کنیم. پلاستیک، شیشه و قوطی‌ها را با خود به شهر برگردانده و در سطل زباله بیندازیم.

۶ـ از آلوده کردن آب‌ها و شستن خودرو در نهرها پرهیز کنیم. در صورت اقدام به ماهیگیری، از موتوربرق، زهر، دینامیت و یا هر وسیله‌ای که موجب آلودگی و آسیب به آبزیان می‌شود، اکیداً خودداری کنیم.

۷ـ هنگام کندن گیاهان خوراکی و دارویی به تعادل بین تولید و منبع آن توجه کرده و از هر گیاه مورداستفاده شناخت کافی در مورد آن داشته باشیم. مثلاً بدانیم که از کدام طریق تکثیر می‌شود. نکته‌ی مهم توجه به تراکم گیاهان است. مثلاً از کندن گیاهی که در شعاع چندمتری آن هیچ گیاهی از همان‌گونه به چشم نمی‌خورد، خودداری کنیم. همچنین در روزهای پس از بارندگی که هنوز خاک خشک نشده است، از کندن گیاهان بپرهیزیم؛ زیرا خاک زیادی به‌صورت گل همراه باریشه‌ی گیاه کنده می‌شود و فرسایش زیاد خاک را به همراه دارد.

۸ـ هنگام رانندگی به عابران پیاده و سایر خودروها احترام گذاشته و از حرکت مارپیچ و عبور از شانه‌ی خاکی جاده و دور زدن‌های بی‌مورد و ویراژدادن روی زمین‌هایی با پوشش گیاهی پرهیز کنیم.

۹ـ شهروندانی مسئول و حافظ محیط زیست باشیم و اگر کسانی به هر جهت اقدام به تخریب طبیعت کنند، محترمانه به آن‌ها تذکر دهیم و قبل از آن هر آنچه را که از دیگران انتظار داریم، خود رعایت کنیم و سعی کنیم، الگویی عملی برای حفاظت از محیط زیست باشیم.

در خاتمه باید گفت اگر خواهان پایداری زندگی در این جهان به‌هم‌پیوسته هستیم، ناچاریم که تفکر و سبک زندگی خود را از دیدگاهی خطی، تک‌بعدی و یک‌بارمصرف نسبت به منابع جهان به دیدگاهی سیستمی، دایره‌ای و چندبعدی که در آن، هر چیزی بازتولید می‌شود تغییر دهیم. دید خطی زاویه‌ای ۱۸۰ درجه و دید دایره‌ای زاویه‌ای ۳۶۰ درجه و همه‌جانبه برای نگریستن جهان به‌مامی‌بخشد.

استقبال از بهار با چهار قانون

■ **مهندس وریا حسینی**

کارشناسی ارشد منابع طبیعی

زکوی یارمی‌آید نسیم باد نوروزی
ازاین باد ارمدد خواهی چراغ دل برافروزی
به صحرا روکه ازدامن غبارغم بیفشانی
به‌گلزارآی کزبلبل غزل‌گفتن بیاموزی
حافظ شیرازی

زیبایی فصل بهار بر کسی پوشیده نیست اما درک این زیبایی با گشتن در کوه و دشت کامل‌تر می‌شود. بهار، تداعی سخاوت آسمان، تبسم گل‌ها، هیاهوی پرندگان، رویش، زیبایی و جوانی است. باید توجه داشته باشیم که خداوند دگرگونی هر پدیده‌ای در عالم را، به دست انسان قرار داده و همه تحول‌ها باراده انسان انجام می‌شود. این روزها بیش از هر زمان دیگر نیازمند حفظ منابع طبیعی خود هستیم و شایسته نیست جواب این‌همه زیبایی بهار را با نابودی طبیعت بدهیم. برای استفاده پایدار از منابع طبیعی خدادادی با توجه با شناخت استعدادهای منطقه و خطرات تهدیدکننده طبیعت، برخودواجب دانستم تا برای استفاده بهتر از طبیعت و استقبالی گرم و مهربانانه از بهار چهار قانون مهم و تهدیدکننده پوشش گیاهی منطقه مریوان و سروآباد و بخصوص اورامان تخت را معرفی کرده تا بهتر بتوانیم از این نعمت خدادادی استفاده‌کنیم.

چرای زودرس:

مرتع، دایه بی‌مزد و منت انسان و حافظ و پاسدار قداست و عفت خاك است. مراتع علاوه بر نقشي كه در توليد و تأمين علوفه دارند دارای ارزش‌هاي ديگری ازجمله زنبورداري، گياهان دارويي و صنعتي، گردشگري و يا اكو توريسم، حفظ خاك، كاهش آلودگي هوا و غيره هستند. براساس آزمايش‌هاي انجام‌شده برروی گياهان مرتعي براي رسيدن به ۱۳ درصد رشد بهاره(پس از پايان دوره خواب (به مصرف ۱۵ درصد ذخاير هيدرات‌كربن زمستانه خود نيازدارند. اين بررسي نشان مي‌دهد كه چگونه چراي زودرس بهاره به‌گياهان آسيب‌هاي شديدي مي‌رساند. ولی اگر به‌گياه فرصت رشد داده شود با ازدياد برم ها) افزايش سطح عملكرد فتوسنتز) مقدار هيدرات‌هاي كربن توليدي نيز افزايش مي‌يابد. متأسفانه در منطقه اورامان تخت ميزان وابستگي دامداران به مراتع منطقه صد درصد است زيرا اين روستا هيچ‌گونه اراضي كشاورزي براي كشت و توليد علوفه ندارند و حتي علوفه خشك را نيز با قيمت بالا از شهرهاي اطراف تأمين مي‌كنند. به همين دليل دام‌هاي خود را در اوايل زمستان وارد مرتع مي‌كنند. اميد است مسئولين مربوطه و مردم خوب منطقه از زيان چراي زودرس بر روي پوشش گياهي منطقه سرسبز اورامانات آگاه شده و راهكارهاي جايگزين را براي اين معضل مهم روا دارند. دادن علوفه خشك و چراي متناوب دراوايل بهار ازجمله راهكارهاي مناسب براي منطقه‌است.

گیاهان‌سمی:

گياهان باآن‌همه زيبايي كه دارندگاهي نيز داراي خطرات براي ما انسان‌ها هستند. آلرژي و مسموميت ناشي از مصرف گياهان به‌عنوان يكي از مسائل مهم و رايج مطرح است كه در كودكان بيشتر شايع است. كنجكاوي ذاتي كودكان و جذابيت درشكل و رنگ سبب منجر به نزديكي و بلعيده شدن توسط كودكان شده است. در ساليان اخير علاوه بركودكان به دليل گرايش بيشتر مردم به‌استفاده ازگياهان جهت كاربردهاي دارويي و پزشكي، ميزان شيوع مسموميت‌هاي گياهي را افزايش داده است كه اين امر بيشتر ناشي از كاربردهاي ناآگاهانه و خودسرانه افراد ازگياهان سمي كه به تصور آن‌ها داراي ارزش درماني است، مي‌باشد. همان‌طور كه مي‌دانيد بيشتر گياهان سرشار از مواد مغذي و مفيد هستند. ولی گونه‌هايي از گياهان وجود دارند كه علاوه بر دارويي بودن سمي هم هستند. بايد توجه داشت كه اكثر مسموميت‌هاي گياهي داراي طيف وسيعي ازعلائم هستند و اكثرا حتي در مسموميت با گياهاني كه داراي سموم اختصاصي مي‌باشند چندين دستگاه بدن درگير مي‌شوند. برخي از آن‌ها عوارضي همچون حالت سردرد، تهوع، دل‌درد و گاهي كاهش ضربان قلب و تنفس، بيهوشي و مرگ را به همراه دارند. اطلاعات بيشتر ازگياهان دارويي وسمي منطقه دركتاب فلوررنگي وبوتانيك اورامانات در دست جمع‌آوری است. در زير گياه پيرگياه (Senecio vulgaris L)به دليل داشتن پيروليزيدين آلكالوئيد مي‌باشد و اين تركيبات باعث سميت كبدی مي‌شوند و همچنين سرطان‌زا و تراتوژن هستند. اين گياه به دليل شباهت زيادی كه به‌گونه‌های بابونه، بخصوص بابونه زرد دارد ممكن است درطبيعت اشتباه‌گرفته شود. شوكران كبيرگياهی است علفی و دوساله (conium maeculata) كه بيشتر در باغ‌ها رويش دارد و دارای ماده سمی خطرناك Coniin می‌باشد. خيلی ازمردم درطبيعت اين‌گياه راباگياه جعفری وحشی، هه لامه (anthriscus nemorosa) اشتباه می‌گيرند. علاوه برگياهان با آغاز فصل بهار به‌تدريج رويش قارچ‌ها نيز آغاز می‌گردد. بسياري از مردم علاقه‌مند به طبيعت، در اين فصل اقدام به چيدن و پختن قارچ وتغذيه آزآن‌ها می‌كنند. تعدادي از افراد محلي نيز هرساله به‌عنوان شغل، در فصول مناسب رويش قارچ‌های خوراكي اقدام به جمع‌آوری قارچ‌ها می‌كنند؛ اما بايد هميشه مراقب قارچ‌های سمي باشيم. بيش از ۵۰ گونه قارچ سمي در كوه‌ها، چمنزارها و جنگل‌های ايران می‌رويد. اين قارچ‌ها معمولاً غيرقابل شناسايی بوده و تفاوتي با قارچ‌های خوراكي ندارند. برخي تصورات غلط هم بين مردم در مناطق مختلف كشور وجود دارد كه اين تصورات غلط، معمولاً موجب افزايش ميزان مسموميت و مرگ و ميرناشي ازمصرف قارچ‌های سمي می‌گردد. به‌طوركلی هيچ قارچ سمي وجود ندارد كه ازطريق پوست و يا تماس با دست، ايجاد مسموميت بكند؛ اما پس از تماس با قارچ‌ها هميشه دست‌های خود را با آب و صابون بشوييد. به دنبال هر نوع احساس تغيير در وضعيت جسماني پس ازمصرف قارچ‌هاي خودرو بلافاصله بايد به نزديک‌ترين پزشك يا مركز درماني مراجعه كرد. تمام قارچ‌هايی كه زيردرختان می‌رويند، صد درصد سمی است و به‌هيچ‌عنوان نبايد به‌عنوان خوراكی استفاده‌شود.

پس پيشنهاد می‌شود كه «درصورتی‌كه گياهی را نمی‌شناسيد از خوردن آن اجتناب كنيد» تاسفری بی خطروشادی رادرطبيعت داشته‌باشيد.

زباله‌ها:

درسال‌های اخير با توجه به توليد انبوه مواد پلاستيكی و كيسه‌های نايلونی در صنايع توليدي كشور و توزيع وسيع آن در جوامع شهري، شاهد مصرف روزافزون اين مواد در جامعه هستيم. ماندگاري طولانی‌مدت اين مواد در طبيعت، كمبود مواد اوليه ناشی از ذخاير نفتی پايان‌پذير و عدم تكنولوژي مناسب جهت بازيافت اين‌گونه مواد نگرانی‌ها و خطرات جبران‌ناپذير محيط زيستی را در بردارد. ازآنجايی‌كه مواد پلاستيكی داراي ماندگاري بيش از۳۰۰ سال هستند رهاسازي آن‌ها درطبيعت صدمات جبران‌ناپذيری را به محيط زيست خشكی و دريايی تحميل خواهدكرد. مواد پلاستيكی و نايلونی در طبيعت علاوه بر آلوده كردن پايدار و درازمدت، طبيعت را بدمنظر می‌كند و به دليل سبک بودن به‌راحتی توسط باد منتقل می‌شود و خفگی و كشته شدن هزاران پستاندار و پرنده می‌شود. اميد است در صورت مصرف وسايل پلاستيكی آن را در طبيعت رهانكنيم.

گونه‌های درمعرض خطر:

همه جانوران و گياهان علاوه بر مضراتی كه دارند فوايدی نيز در آن‌ها وجود دارد كه به‌طور مستقيم يا غيرمستقيم در زندگی ما نقش بسزايی داشته، دارند و خواهند داشت. گونه‌های گياهی مطابق استاندارد كميسيون خدمات‌رسانی جهت بقاگياهان كه شعبه‌ای از (International union for conjercationofNatur) می‌باشد، درچهارگروه قرار می‌گيرند. ۱ - گونه‌های در معرض خطر اين گونه‌ها در معرض خطر انقراض قرار دارند و بقای آن‌ها بدون عمليات حفاظتی خاص ممكن نيست ۲ - گونه‌های نادر: اين گونه‌ها مستقيماً در معرض خطر نابودی نيستند وليكن به تعداد خيلی معدودی وجود دارند و در رويشگاه‌ها خاص ديده می‌شوند كه ممكن است خيلی زود از بين بروند. ۳ - گونه‌های در حال كاهش: گونه‌هايی كه تعداد آن‌ها و سطح مناطق تحت پوشش آن‌ها در دوره زمانی خاص به دلايل طبيعی و يا دخالت انسان روی به كاهش است. ۴ - گونه‌های نامشخص: گونه‌های كه ممكن است درمعرض خطرباشند وليكن به دليل نبودن شواهد و دلايل كافی و مقرر در مورد مناطقی كه حضور دارند و قابل تشخيص و تعيين نمی‌باشند. بعضی ازگونه‌های گياهی كه جزء ذخاير ژنتيكی منطقه محسوب می‌شوند به دليل بهره‌برداری‌های بی‌رويه درحال انقراض هستند و اميد است فراموش نكنيم كه وارثان منطقه خودمان هستيم و درحفظ بهترگياهان بكوشيم. چند تا ازاين گياهان درزيرآورده شده‌اند.

قدمتی به قامت قرون

■ کاوە کوردستانی

در مورد موضوعاتی همچون آلودگی آب‌ها، آلودگی هوا، حفاظت از حیوانات، کاهش تخریبات طبیعی و صدها مشکل زیست‌محیطی دیگر اسناد و مدارک بسیاری را می‌توان در نشریات، دست‌نوشته‌ها و بایگانی‌های تاریخی پیدا کرد و این یعنی نگرانی‌های زیست‌محیطی، قدمتی به قامت تاریخ‌دارند. چتری بنام محیط‌زیست تمام این مسائل و مشکلات را زیر سایه خود می‌گیرد و متأسفانه در هر دوره از تاریخ بشری یکی از گره‌های این قالی نخ‌نما موردتوجه قرارگرفته و دیگر مشکلات زیر آلودگی این نقش کمرنگ، خودنمایی می‌کنند درنتیجه در هر دوره و بنا به مصلحت‌های لازم در جامعه یک مسئله زیست‌محیطی به شکل گسترده در رسانه‌ها مطرح می‌شود و به‌عنوان برگ برنده‌ای از جانب یک گروه سیاسی خاص مورداستفاده یا بهتر بگویم مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. ولی پس از مدتی و بعد از رسیدن آن گروه خاص به خواسته معقول یا نامعقول خود، بدون پیگیری رها می‌شود و در هیاهوی اخبار دیگر گم می‌شود و تنها یک یادگار نمادین و سمبولیک از آن باقی می‌ماند و نهایتاً بعدها گروه سیاسی دیگری از اقدامات ناقص دیگران در این زمینه کمال استفاده را می‌کند و به این بهانه که ما کارهای ناقص گروه دیگر را انجام می‌دهیم دوباره طرفداران محیط‌زیست را ناخواسته وارد جریانات سیاسی می‌کنند تا به اهداف خود برسند و به‌محض نشستن بر مسند قدرت فراموش می‌کنند آلودگی را.... ناگفته نماند که ورود طرفداران محیط‌زیست به بازی‌های کثیف سیاسی از روی سادگی آنان نیست بلکه به امید دمیدن هوایی تازه در پیکر نیمه‌جان طبیعت است غافل از اینکه سیاسیون نه‌تنها به این پیکر نیمه‌جان کمک نمی‌کنند بلکه باسیاست‌های غلط خود باعث از بین رفتن تمدن‌های چندین ساله شده و به‌پاس از بین بردن تمدن، موفق به دریافت لوح سپاس و گواهینامه‌های مختلف می‌شوند چون قدرت به نفع تخریب‌کننده‌ها بوده و هست.در افسانه گیلگمش آمده است که حدود ٢٧٠٠ سال قبل از میلاد جنگل‌های سدر عظیمی در جنوب عراق امروزی بریده شدند که خشم خدایان را در پی داشت و سومریان به همین خاطر با آتش و خشک‌سالی تنبیه شدند و به خاطر فرسایش خاک و نابودی کشاورزی در آن ناحیه، کویرها و بیابان‌هایی حاصل شدند و تمدنی به خاطر جنگل‌زدایی از بین رفت. در طول تاریخ و در ادیان مختلف قوانین بازدارنده برای حفاظت از طبیعت وجود داشته است اما بااین‌وجود بازهم ما انسان‌ها به تخریبات و مسموم کردن سایر موجودات عادت کرده‌ایم هرچند تخریبات و مسمومیت‌ها در زمان‌های مختلف و در بین اقوام مختلف باهم تفاوت داشته‌اند اما در همه آن‌ها انسان، زندگی خود و سایر جانداران را به خطر انداخته است.

در یونان باستان آلودگی رودخانه‌ها توسط فاضلاب شهری باعث ایجاد مسمومیت و بیماری‌های همچون وبا و حصبه می‌شدند. انسان امروزی با استفاده از علف‌کش‌ها، قارچ‌کش‌ها و آفت‌کش‌ها باعث ایجاد انواع سرطان و بیماری‌های دیگری شده است که با پیشرفت علم و تکنولوژی، انسان از درمان آن‌ها عاجز مانده است. افزایش لجام‌گسیخته جمعیت، محدودیت منابع، جنگ جهانی و گرسنگی‌های جهانی باعث شد تا کشاورزی و تولید اهمیت دوچندان پیدا کنند و این به مفهوم شروع نگران‌های بشر در مورد تأمین غذا و انرژی بود. تأمین غذای چنین جمعیت عظیمی باعث شد تا انسان به فکر تأمین زمین‌های زراعی بیشتری بیافتد و جنگل‌های بیشتری را از بین ببرد، روش‌های زراعی را بهبود ببخشد و به همین دلیل استفاده از سموم شیمیایی را مورداستفاده قرار دهد، به فکر تأمین انرژی بیافتد تا اینکه با کشف نفت بشر به‌طور کامل چشمانش را به روی طبیعت بست. دستاورد زیان‌بار این ماده روسیاه و مشتقات آن در طول ١٠٠ سال گذشته برابر است با تمام رخدادهای تاریخی این دوران. استخراج نفت، ناحیه وسیعی را خالی از سکنه می‌کند و آلودگی حاصل از استخراج می‌تواند تا کیلومترها پراکنده شود و تا مدت‌های زیادی باقی می‌ماند.

حوادث مرگبارتر بعد از استخراج اتفاق می‌افتد، از حمل‌ونقل خطرناک این مواد در جاده‌های مرگ گرفته تا فرآوری و توزیع آن و رسیدن به مصرف‌کننده نهایی را در نظر بگیرید که چه حوادث غیرقابل جبرانی را به یادگار می‌گذارد و هرروز در اثر واژگون شدن ماشین‌هایی که مواد نفتی را حمل می‌کنند ما و طبیعت را با مشکلات فراوانی روبرو می‌کنند. با گسترش جمعیت جهان مشکلات انسان نیز در مورد محیط‌زیست بیشتر شد تا اینکه ایجاد سیستم‌های سلامت ضرورت یافت بااین‌حال قدرت‌نمایی انسان جنگ‌های را به وجود آورد که همیشه آمار کشته‌های انسان موردتوجه قرارگرفته است و هرگز کسی از تعداد درختان سوخته، جانداران منقرض‌شده و مهاجرت کرده، اکوسیستم‌های نابودشده و بسیاری تلفات دیگر سخن نمی‌گوید درحالی‌که تعداد کشته‌ها و مجروحین جنگی در همان زمان قابل‌شمارش بوده‌اند ولی آثار بعدی از بین رفتن محیط‌زیست در اثر این جنگ‌ها تا قرن‌ها ممکن است باقی بماند بدون شک تلفات ناشی از بمباران شیمیایی حلبچه و سردشت بر طبیعت آن مناطق و آثار جنگ ایران و عراق بر نخلستان‌های جنوب ایران تا سال‌های سال باقی خواهد ماند و آثار جنگ به این زودی‌ها از چهره مناطق جنگ‌زده پاک نخواهد شد اما باوجود تمام آنچه گفته شد در طول تاریخ انسان‌های وجود داشته‌اند که آگاهانه در پی حفاظت از محیط‌زیست بر خواسته و در پی جبران گناه دیگران نسبت به کره زمین قیام کرده‌اند ولی متأسفانه باوجود تمام تلاش‌های صورت گرفته در طول تاریخ درزمینه حفاظت از زمین به‌وضوح دیده می‌شود که قدرت به نفع تخریب‌کننده بوده و زمین همچنان روبه افول است و این روند به نفع هیچ‌کس نیست. شاید قانون‌گذاران چندین قانون در حفاظت از محیط‌زیست به تصویب برسانند و شاید هزاران نفر در قالب انجمن‌های زیست‌محیطی و سازمان‌های مردم‌نهاد برای آگاهی بخشی به دیگران تلاش کنند ولی تا زمانی که میلیاردها انسان نتوانند سبک زندگی سالم و محیط‌زیست گرایانه را قبول کنند زمین همچنان به سمت مرگ پیش خواهد رفت پس وظیفه ماست که در برابر کارهای غلط صورت گرفته در حق طبیعت به‌خوبی ایستادگی کنیم و اجازه ندهیم که دیگران با اتخاذ تصمیمات غلط و برای رسیدن به منافع شخصی خود، زندگی ما و دیگر جانداران را به مخاطره بیندازند.

ناوی ئاژەڵان لە پەندی پێشینیان و کولتووری کوردەواریدا

■ ئەحمەدموسە نەفی

پەندی پێشینیان بەشێکە لە کولتور و وێژەی هەر نەتەوەیەک؛ دیارە نەتەوەی کوردیش وەک زۆربەی نەتەوەکانی دیکە لەو شتە بێبەری نییە و بەشێک لە ژیانی کولتووریی ئێمە، لە ڕێگەی قسەی نەستەق و پەندەکانەوە، لە دەڵاقەی زمان و سازکردنی ڕستەگەلی پڕمانا(چ بەخاس و چ بە خراپ) خۆ دەنوێنێ.

لە پێناو پاراستن و هەوڵدان بۆ نەفەوتانی ئەم بەشە لە کولتوور و وێژەی کوردی، مانگنامەی "چیا"وە هەر جارەو هەندێک لەو پەندانە، دەخاتە بەردەستی خوێنەران.

ئەوەی کە ئەم کارە لە کۆکردنەوەکانی دیکەی پەندەکان جیا دەکاتەوە، ئەوەیە کە ئەم پەندانە تەنها ئەو ڕستەگەلە لە خۆ دەگرن کە ناو یان ئاوەڵناوی ئاژەڵێکی تێدا بەکار هێنرابێت.

لە ژمارەی پێشووی چیادا، بەشی یەکەمی ئەم فەرهەنگۆکەمان بڵاو کردەوە. لەم ژمارەشدا درێژە و بەشی دووهەمی ئەم بابەتە کولتووریەتان پێشکەش دەکەین.

پیتی ((ب))

بۆ مەلە کردن، بچۆ لای **ماسی**
بۆیە پێت ئەڵێم کاکە، **چۆلەکەم** بۆ بگری
بەئومێدی **بزنە قوت**،دۆی هاوسێکانیشمان فت
بە بابەبابە سواری **مایین** بوو
بە پێی یاسا، **شێر** بە گوێ ئەگرێ
بەتەمای فرۆی **مانگازەردە**
بە تەنیا **گایەک**، گێرە ناکرێ
بەدەم **سەگ**بکە ی بازی،خۆت حازرکەبۆگازی
بە زانین و بە تەگبیر، **گای** زل ئەخەیتە ژێر نیر
بە سینە **شێرە**، بە پشت **ماکەرە**
بە **سەگ** بەچکەی **شێر** و **گورگ** بخنکێنە
بە شێوە **پەپوولەیە**، بە چز **زەردەواڵەیە**
بەقەد بەینی **مشک** و **پشیلە**، بەینیان شێواوە
بە کاکە کاکە هاتە لام، وەکوو **دووپشک**
پێوەی دام
بە کلکی **شێری** خەوتوو گەمە مەکە
بە کڵاو، **کەروێشک** ناگیرێ
بە **کەروێشک** ئەڵێ ڕاکە، بە **تانجی** ئەڵێ بیگرە
بە لاسایی **قاز**، نابێتە **باز**
بە لاشە **مێشە**، بە دەنگ **گامێشە**
بە وسمە و بە خەنە، ئەچێ بۆ ڕاوە **گەنە**
بە ڕۆژا **گایەک** بە گوێزێک بخۆ
بە پیشی سپیت باوڕکەم یا بە کلکی **کەڵەشێر**
بە هێوای **جووجەڵە**، **مریشک** سەر مەبڕە
بە یەک کاسەلێشە، **بزن** ناکەوێتە بەهار
بە **ئەسپی کەوە**، لەبەر دڵان سەرمەکەوە
بە تێخی بچووک، **گا** سەر نابڕیە
بەچکە چۆلەکەیش خوایەکی هەیە
بەچکە گورگ هەر **گورگە**
بەچکەی مراوی، مەلەوانە
بەڕانی تووڕە، خۆتی لێ لادە
بەرانی ڕەش و سپی شەڕیانە
بەرخی کەوتووەتە گەمە
بەرخی نێربۆ سەربڕین باشە
بەرد زۆر و **چۆلەکە** زۆر
بەڵا بە لووڕەی **سەگەوە** نایە
بە هۆی دەنگیەوە **بولبول**، ئەکرێتە قەفەس
بە کۆڵی **گای** خۆیەوە نییە
بیانووی ژن و مێرد، گارەی **مریشکە**
بێدەنگ **مێش** ناچێتە دەمی
بێستان بێ کرمۆڵ نابێ، چەمیش بێ **چەقەڵ** نابێ

پیتی ((پ))

پشت مەکە شاخی **گا**
پشیلە بردی
پشیلە دەمی نەئەگەیی بە دووگ ئەیوت چەورە
پشیلە گووی بۆ دەرمان ئەشیا، لە حەوت کون ئەیشارییەوە
پشیلە نییە لە ماڵۆ، **مشکان** خت و پشیانە
پشیلە نەبێ لە ماڵ، **مشک** ئەبێ بە حەماڵ
پشیلە بە دەس کێشن م**شک** ناگرێ
پشیلە بە میاو میاو، نەورۆکەی ئەکا بە قاو
پشیلە خاوەنی ماڵی شپرزەیە
پشیلە گوو بۆ خۆی ئەکات، چاو لە خەڵکی زیت ئەکاتەوە
پشیلە لەبەر ڕەزای خوا **مشک** ناگرێ
پشیلەی مەتبەق، گۆشتنە و چاوزەق
پەپووسلێمانەی بێتاج، مەلی سادەی بێرەواج
پەپوو تیایا ئەخوێنێ
پەپوولە گیانفیدای شەمە
پیشەی **سەگ**، وەڕینە

پیتی((ت))

تا چەرمەکە **سەگ** نەیبردووە
تا **قرپۆک** دەم نەکاتۆ، **مێش** ناچێتە دەمی
تا **ڕێوی** قەواڵەی خۆی خوێندەوە، پێستیان کەند
تا بەروو زۆر بێ، **سمۆرە** برسییەتی
تانجیی تۆ، **کەروێشکی** من ناگرێ
تانجیی وڵات، بەر ئەدەنە **کەروێشکی** وڵات
تانجی ڕاو ئەکا، تووڵەیش خۆی حەساو ئەک
تاوس، لە شارا جوانە
ترێ پێگەیی، **چەقەڵیش** ئەیخوا
تفەنگ بۆ نیشان، **ئەسپ** بۆ مەیدان
تووڵەی لێ بووە بە **تانجی**
تۆبەی **گورگ**، مەرگە
تەمەلیی جووتیارە، **گا** کاوێژئەکا
تازە عومری **پیرەپەزێکی** ماوە
تەمەنی ل**ەقلەق**، چوو بە تەقەتەق
تەڵە بۆ **ڕێوی** دائەنین، **کەروێشکی** پێوە ئەبێ
تیرێ لە پەڕی **هەڵۆ** بێ، ئەگاتەوە بە **هەڵۆ**
تێرئەخوا **ئەسپی** ملخڕ، لە تووڕەکە و لە ئاخوڕ

پیتی ((ج))

جاش هەم لە پێشە و هەم لە پاش
جوانوو، دواکەوتوو و مانوو
جوانوویەک بە شیر **گامێش** گۆش بکرێ، لە ئاوا ئەخەوێ
جوانیی مەلێ بۆ فری، پیری **قەلێ** بۆ قڕی
جووچک پەنا ئەباتە بنچک
جووتە **گورگ**، ئەچێتە سەر **شێر**
جووجەڵەی ژێر سەوەتە، تەنیا بەشی خەفەتە
جووجەڵەی بەهار، پاییز ئەیژمێرن
جڵەوی **ئەسپت** مەدە بە دەستی کەسەوە
جێگەی **شێرە**، **ڕێوی** پێی فێرە
جێگەی **مشک** کایەنە
جڵەی **گاگیر** زوو ئەکرێتەوە

پیتی ((چ))

چاولێگەری لە **قەلەڕەش**، ڕووڕەشییە
چاوی **باز**، بۆ نەچیر تیژە
چۆلەکە بگری باشترە لە **داڵ**
چۆلەکە بەو جیکەجیکە، دوانیان بنێ یەک تیکە
چۆلەکە چییە تا گۆشتاوی بێ؟!
چۆلەکە پاکە لە **داڵ**
چۆلەکە لەگەڵ **داڵ** فڕی، جەرگی خۆی بڕی
چۆلەکە نابێتە **باز**
چۆلەکەیش کلک هەڵئەتەکێنێ
چەتە و **ئەسپی** لەڕ؟!
چەقەڵ و **ڕێوی** بۆرن، دیارە کە **مریشک** خۆرن
چەقەڵ میراتگری **ڕێوییە**
چەقەڵی هەر شوێنێ، لە **سەگی** ئەو شوێنە ئەترسێ
چەقەڵیش ڕاوچی خۆی هەیە
چەم بێ **چەقەڵ** نابێ
چەن ساڵە شوانە، **گورگ** ناناسێ
چەن **پشیلە** بەتەمایەر **مشکێکن**
چەوریی **بزن** و **گا**، نابێتە هین **مەڕ**

پیتی ((ح))

حاجی مرد، **وشتر** حەساوە
حاشا لەو گێرە، **مانگا** ئەبێتە سەرپەڕی
حەچە و **بەران** ئەدۆشێ
حەیفێ هێلانەی **شێرە**، ئێستە **ڕێوی** پێی فێرە

پیتی((خ))

خاوەن دۆشاوە، **مێش** دەوری داوە
خوا بۆ هەر **مشکێک** کونێکی داناوە
خوا هەر ئەو خوایە، **بزن** سوار **گایە**
خوا غەزەب گرێ لە **مێلوورە**، پاڵی پێ ئەدا
خواردنی **باز**، لایەقی **جووجەڵە** نییە
خوێنی **شێر** بکرێتە **ڕێوی**، هەر ترسنۆکە
خۆ نییە بە کۆڵ **شێرەوە**
خۆ **ئەسپەکەی** چل مەن ناخوا
خۆ **هێستر** نەیداوە لە پشتی چاوی
خۆت پارێزە لە سێ شت: بێحەیا، **سەگ**، پردی ڕووخاو
خەرەنگەزەی بن کلکی **گایە**
خەڵە دەرچوو لە خەرمان، خۆراکی **قەڵ** و **داڵە**
خەو بوایە بە مایە، **کەروێشک** ئەبوو بە **گایە**
خەوی نایە، بیانووی **کێچە**
خەڵکی **سەگ** لێی دەوەرن، ئێمەیش **پشیلە**

شاخەوانێک لە ڕەگەزی بەروو، پزشکێک لە تۆرەمەی خاک

■ سلام اسماییل سرخ

هەرچەن پێگەی گرینگی شاخەوانەکان بۆ شۆناس و هەستی داهێنانەیان لە زەین و ئەندێشەدا، کێو بەدی هێناوە و تۆماری کردووە؛ بەڵام بنەمای پێکهێنانی کەسایەتیی دەوڵەمەند وەک سامانێکی مرۆڤی، کۆمەڵگا پێکی هێناوە و لە گەڕان و پشکنین و فێرکاری و نزیکی لەگەڵ خاک و ئاو، جووڵە و هەڵسوکەوت لەگەڵ شاخ و پێدەشتەکان، هەڵسوکەوت لەگەڵ کۆمەڵگا و دیتنی دنیای شاراوە کە زۆر کەس نایبینن و نایبیسن، بنەمایەکی بەهێز بۆ خولقاندنی کاراکتێر و کەسایەتیی لێوەشاوەی شاخەوانەکان پێک هێناوە.

بە ئاوردانەوە لەو میراتە گەورەیەی شاخەوانەکان، کە زۆرتر بۆ خۆیان خولقێنەر بوون، چیرۆکی ئەوەندە مەزن تۆمار دەکرێ، جاری وایە تێکەڵاوی ئەفسانە و ئوستوورە دەبێت. دەسکەوتەکەنی شاخەوانی جیا لەوەی کە هۆشیارییەکی گەورە و لەڕادەبەدەر بە مرۆڤ دەبەخشێ، خولقێنەر و بەدیهێنەر دەبێت. چاو کراوە وەک تاکێکی کۆمەڵگا خۆ دەردەخا، بەڵام لە ئاکامی هەڵسوکەوت وەک ئەرکێکی پیرۆز لە کۆمەڵگادا قاڵ دەبێ. هەستی بەر پرسیاریەتی، شێوازی کەڵک وەرگرتن لە هەر جووڵەیەکی مرۆڤ، بۆ مرۆڤانەتر کردنی ژیان، دەبێتە ئامانجی سەرەکیی شاخەوانەکان و پێناسەیەکی تایبەت نە تەنیا بۆ وەرزشی شاخەوانی دەبێت، بەڵکوو لە ئەدەبیات و هونەر و جوانتر کردنی کۆمەڵگا لە دنیای واقع و نووسیندا دەبێتە دەنگوێ ئەو ئاکارانەی کە لە دنیای شاخەوانیدا ڕوو دەدەن. بە بێ هۆ نییە کە «ئالبێر کامۆ» فەیلەسووف و نووسەری فەڕانسی دەڵێ: «شاخەوانی، وەرزشی مرۆڤە گەورەکانە.»

شاخەوانی هەمیشە نیگای نوێ دەخولقێنێ، بیر و ئەندیشە دەخاتە گەڕ، مرۆڤ دەخاتە کار و تێبینی و بەرژەوەندییە نەبینراوەکانی دنیای خۆی دەبینێت. بەرژەوەندیی نوێ، بیری تازە و ڕێکەوتن و بارهێنان و ڕاهێنان وەک مەعریفەیەکی تازە دەخاتە بەردەم بەردەنگەکانی و ڕێکەوتن و جموجۆڵ وەک پێداویستییەکی ژەمانی خۆی و فێربوون و فێرکردن دەکاتە سەرەکیترین بواری هونەری شاخەوانی. ژینگە و پاراستنی، وەک ئەرکێکی مەزن دەبێتە بەردی بناغەی هەڵسوکەوتی شاخەوانان. بە پێداچوونەوە لە ڕابردووە پڕ لە ڕەمزوڕازەکانی شاخەوانی پەڵ دەهاوێ و ڕە گاژۆ دەکا و ئێمە بۆ ناسینی دنیای شاراوە و جوانتر کردنی کۆمەڵگا و فەرهەنگێکی دەوڵەمەند و سەقامگیر دەبات. لەو وەرزشە هەموو دەتوانن قارەمان بن. ئولگوو وەرگرتن و بەرهەمهێنان و بەدیهێنان وەک کانیاوێکی پڕئاو کە هەرکەس بە پێی توانا دەتوانێ بینی پێوە نێ و تووناییەتیی بشکێنێ.

ڕوو دەکەینەوە کوردستان، لەگەڵ ڕێبوارێکی حاڵزان، شاخەوانێکی بەئەزموون، قاڵکراوی ڕەنج و کار و دوکتورێکی بەویژدان، کە نەتەنیا تۆز و خۆڵی شاخ و پێدەشتەکانی شاخەوانی پێوە دیارە، بەڵکوو بۆ زانیاری و خوێندەواری، سنوورەکانی ڕاپەڕاندووە و لە گەورەترین کالیجی ئەمریکا بڕوانامەی پزشکیی وەرگرتووە. «دوکتور خوسرەو خوسرەوی کوردستانی» لە ساڵی١٣١٨ی هەتاوی، لە بنەماڵەیەکی گەورەماڵ و خێرخواز لە شاری سنە لە دایک بووە. هەر لە منداڵییەوە چاوی بە کێوەکانی کوردستان پشکووتووە. خوێندنی دواناوەندی (دبیرستان) لە زانستی سروشتی (علوم طبیعی) وەک دیپلۆم، لە شاری سنە وەردەگرێ. لە ساڵی ١٣٤٥ی هەتاوی دوکتورای پزشکی لە زانکۆی تاران بە سەرکەوتوویی تەواو دەکات؛ هەر لەو کاتە وەک خوێندکاری پزشکی لە تاران دەرسی خوێندووە؛ بە هۆی هۆگری بە شاخەوانی، لەگەڵ باشگای شاخەوانی (باشگاه ابرمرد) وەک شاخەوانێکی چالاک پێوەندی دەگرێ و بڕوانامەی شاخەوانی و سەختەوانی (سنگ نوردی) لە تاران وەر دەگرێ. دوای تەواو بوونی خوێندنی پزشکی لە ساڵی ١٣٤٥ی هەتاوی بۆ درێژەپێدانی خوێندنی پزشکیی باڵا، ڕوو دەکاتە ئەمریکا و درێژە بە خوێندنی پزشکی ئەدات.

سەرمایە و ئاسوودەیی وڵاتی ئەمریکا، بۆ ساتێکیش ئەوی ختووکە نەداوە، بۆیە دوای تەواو بوونی لە ساڵی ١٣٥١ی هەتاوی گەڕاوەتەوە کوردستان. وەک دوکتورێکی بەمشوور و بەپرەنسیپ لە کۆمەڵگای کوردستان بەتایبەت دێهاتەکانی ناوچەی «کەڵاتەرزان»، وەک ئاواییی نگل و ناوچەی ژاوەرۆی هەورامان، لە خزمەت خەڵکی فەقیر و بێدەرەتاندا بوو. لە بیرەوەریی دێهاتەکانی ناوچەی سنە، نێوی دوکتور خوسرەوی بە گەورەیی یاد دەکرێتەوە.هەستی مرۆڤایەتی، خاکی و خۆڵینە و شاخەوان‌بوون، وەک مرۆڤێکی لێبوردە و ڕۆح سووک، دوکتورێکی خۆشەویستی لێ بەدی هێناوە کە لە دونیای تواناکانی خۆی زۆر هەڵسووڕێنەرە. هەموو هەڵسوکەوتی بۆ ئەوە بووە کە منداڵان و لاوانی نەتەوەکەی لە ئامێزی ئارمانی گەورەباوێ، ڕێ کەون و بۆ بەرژەوەندیی خاکوئاو، خۆ نەخەنە باوەشی ناحەزان.

دوکتور خوسرەوی کوردستانی لە ساڵی ١٣٤٤ی هەتاوی، بۆ شاسواری شاخەکان، ئەلبورزی هەرەبەرز، کێوی «دەماوەند» هەڵگەڕاوە و چووەتە لووتکەی دەماوەند؛ چاوی بە دیتنی هێلانەی سیمورغ، زاڵ و فەرەیدوون گەشاوەتەوە.

هەتاوی بۆ درێژەپێدانی خوێندنی پزشکیی باڵا، ڕوو دەکاتە ئەمریکا و درێژە بە خوێندنی پزشکی ئەدات.

سەرمایە و ئاسوودەیی وڵاتی ئەمریکا، بۆ ساتێکیش ئەوی ختووکە نەداوە، بۆیە دوای تەواو بوونی لە ساڵی ١٣٥١ی هەتاوی گەڕاوەتەوە کوردستان. وەک دوکتورێکی بەمشوور و بەپرەنسیپ لە کۆمەڵگای کوردستان بەتایبەت دێهاتەکانی ناوچەی «کەڵاتەرزان»، وەک ئاواییی نگل و ناوچەی ژاوەرۆی هەورامان، لە خزمەت خەڵکی فەقیر و بێدەرەتاندا بوو. لە بیرەوەریی دێهاتەکانی ناوچەی سنە، نێوی دوکتور خوسرەوی بە گەورەیی یاد دەکرێتەوە.هەستی مرۆڤایەتی، خاکی و خۆڵینە و شاخەوان‌بوون، بوونی لە ئەمریکا، ئەزموون و بیری پڕ لە هەڵسوکەوتی زۆرتر دەخاتە گەڕ، بەڵام قەت چرای پڕ لە شەوقی شەقامە ڕێکانی سانفرانسیسکۆ چاوی بە شەوارە ناخا و گڕی کزی فانۆس و لەنتەری ئاواییەکانی کوردستان لە دڵیدا کز ناکا و بۆ ساتێکیش لە بیریان ناکا.

بۆ هەوڵ جار لە کێوی «ئەلوەند»ی هەمەدان لە مانگی ڕەشەممەی ١٣٩٢ی هەتاوی، لە کۆڕی شاخەوانانی کوردستان کە لە لایەن جەماوەری ناوەندی شاخەوانانی کوردستان، بۆ ڕێزنان لە ٠٥ ساڵ ئەزموون و شاخەوانی و خزمەت بە گەل و نیشتمان، دوکتور خوسرەو خوسرەوی کوردستانی پێک هاتبوو و بە بەشداری ٥٠٠ شاخەوان لە شاخی ئەلوەند بەڕێوە چوو، چاوم پێ کەوت. بەو تەمەنەوە لەگەڵ ئێمە شاخەوانیی ئەکرد؛ لە هەموو بارێکەوە قەوارە جوان و لەبەردڵان بوو. دیمەنی دڵاوای شاخی ئەلوەند (پێگەی باپیرانمان) و قەڵافەتی نەسرەوتووی بەساڵاچووی پڕ لە ئەزموونی دوکتور خوسرەوی لە نێو شاخەوانەکان، گڕ و تینێکی پێ بەخشیم کە لە کوتن نایە. دەستە پیاوێکی گەنمڕەنگ، نێو چاوان کراوە، بە ئەزموونی ٠٥ ساڵ شاخەوانی و خێرخوازی و خزمەت بە گەل و نیشتمان.

کۆی هونەر و بایەخی دوکتور خوسرەوی کوردستانی، زۆرتر هەستی مرۆڤایەتی و خاک و خۆڵینە بوونە، باڵای وەک دەماوەند بەرز؛ جوان و دڵرفێن وەک گوڵە شلێر و بەخوڕ وەک سیروان. بەو هەموو هەست و هەناسەوە خۆی لە دنیای چاو و ڕاو و سنگ لەپێش‌خستن و خۆجاڕدان و خۆهەڵکێشان و خۆویستی دزیوە و حەول-ودەولی هاوارە دژی ناپاکی و مرۆڤانەتر کردنی ژیان. لە دنیای پڕجەنجاڵی سەرمایەداری، کە بەشێک بۆ قرانێک مل لە چەقۆ دەنێن، زۆرتری سامان و سەروەتی خۆی بۆ چێ کردن و سەرپەرشتیی دەرمانگای خۆڕایی لە ئاوایی «کەرەونان» (کروندان) لە ناوچەی دێولان (دهگلان) و چێ کردنی هونەرستانی کشتوکاڵ تەرخان کردووە؛ کە کۆی ئەوانە بە شاهیدیی خەڵکی سنە و ناوچە، خۆی لە ١٠ میلیارد تمەن داوە. بە هیچ پێوەرێک ئەو دڵاواییە مانا ناکرێت؛ ئەگەر تەنیا لەبەر بەرژەوەندیی خاک و نەتەوە نەبێت. بە عەشق و خۆشەویستی، هەست و هەناسەی گۆڕاوە.

یەکێک لە دۆستانم دەیوت کە لە ساڵی ١٣٤٥ی هەتاوی: «ئەوکات تەنیا دوکتوری ناوچە لە ئاواییی نگڵ، دوکتور خوسرەوی بوو؛ کە بە فیداکاریی خۆی، زۆربەی ئەو منداڵانەی سوورێژەپان گرتبوو کۆی کردنەوە و بردنیە نگڵ و بە کۆی گشتی هەتا چاک بوونەوەیان قەرەنتینە کران و دەرمانی کردن کە خۆم ڕزگار بووی دەستی دوکتور خوسرەویم لە سوورێژە، ئەو کاتە میرمنداڵ بووم و دوکتور خوسرەوی دوای چاکبوونەوەم لە ئاخری مانگی زستان وێنەیەکی یادگاری لەگەڵ کێشاوم و نووسراوەیەکیشی لە پشت وێنەکە نووسیوە، کە هەستی دوکتور بەرامبەر مرۆڤ و کێو نیشان دەدات.»

بە باڵای تەمەن و دنیایەک ئەزموون و شاخەوانی، دوکتور خوسرەوی لە کۆمەڵگایەکدا دەژیی کە هێشتا برینە قووڵەکانی مێژووی پێوە دیارە؛ بەڵام وەک بیرمەندێک بە وزەیەکی لە ڕادەبەدەر، قەت لە کۆمەڵگای خۆی نەتۆراوە. لە نێو جەرگی جەماوەردا، ئەوەی لە دەستی هاتووە کردوویەتی و ڕای پەڕاندووە و پێی وایە بۆ کۆمەڵگای خۆت هەنگاو بنە و ئەوە لە دەستت هات بیکە، ئەوە قارەمانیەتییە؛ بێ دەنگ و هاوار. هەڵسوکەوت لەگەڵ زەمان، وەک ئەرکێکی مێژوویی و وەئەستۆگرتنی بەرپرسیاریەتیی ئیشی کۆمەڵگا و بەرژەوەندیی نەتەوەیی، پشت کردن لە بیری نالەبار و پشت‌بەستن بە بیر و ئەندێشەی خۆت و خستنە گەڕی، بۆ ئەوەی گیانی دووبارە بچێتە نێو جەستەی کۆمەڵگا.

لە گەردەلوولی گێژاوی زەمان، نەتەنیا وەک شاخەوانێکی بەئەزموون و بەرپرسیار، بەڵکوو وەک مرۆڤێکی نەتەوەیی، هەستیار بە خەم و ئازاری نەتەوەکەی بووە و بۆ ئەوەی دنیا جوانتر بنوێنێ قەت لێیان نەتۆراوە. ئەوڕۆکانە تۆزی گەردوخۆڵی دەورانی پێوە دیارە؛ هەرچەند گرۆتینی لاوەتی بۆ شاخەوانی نەماوە؛ بۆ ئەوەی ئەزموونەکانی شاخەوانی بۆ بەرەی داهاتوو و لاوەکان بهێڵێتەوە، لە ساڵی ١٣٩٢ی هەتاوی، ئەرکی یەکێک لە دامەرزرێنەرانی لیژنەی شاخەوانیی کوردوستان(کانون کوهنوردان کردستان) ی وەئەستۆ گرتووە. بۆ ئەوەی لە نێوان بەرەی ڕابردوو و نەوەی داهاتوودا پردێک چێ بکا، لە ساڵەکانی ١٣٦٢ بەولاوە بۆ ماوەی ٣ ساڵ بەرپرسی ڕادیۆی پزشکیی دەنگی کوردستان بووە. بۆ ئەوەی هیچ کات و دەرفەتێکی بۆ پێوەندی لەگەڵ خەڵک لەدەست نەدات، لەگەڵ خێرخوازانی «چێ کردنی قوتابخانە» زۆر لە حەولدایە و بەرپرسیی گۆڤاری وەرزانەی دیابێت بە ناوی «شەفای کوردستان» ئەرکێکی دیکەی دوکتورە.

پەراوێز:

تۆرەمە= ڕەگەز، نژاد، جسنات - لەنتەر= فانۆس - کەوێل= چارداغ، ماڵێک لە نێو باغ و مەزرا ساز دەکرێ - چێ کردن= دروست کردن - قاڵ کراو= توانەوە - ڕێگاژۆ= پەل هاویشتنی ڕیشەی دارێک لە ژێر زەوی بۆ جێیەکی دیکە - بیراز کردن= تیژ کردن - ئامێز= باوەش - بینی پێوە نێ= دەمی پێوە نێ، دەم بە کانیاو نان - جڵەو کردن= هەوسار کردن

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: امید رشیدی | زیرنظر: شورای سردبیری | ماهنامه کوردی - فارسی | مدیرهنری: صلاح علمی‌زاده | تلفن و نمابر: ۰۸۷۳۴۵۵۰۹۷۲ | روابط عمومی و پذیرش آگهی: ۰۹۱۸۵۱۵۲۴۸۸ | گستره‌ی توزیع: استان‌های کوردستان، ایلام، کرمانشاه، لرستان، آذربایجان غربی | نشانی دفتر مرکزی: استان کوردستان، مریوان، خیابان مولوی کورد، ساختمان روژ، طبقه‌ی اول، واحد ۱۰۵، کدپستی: ۶۶۷۱۹۱۵۶۴۰ | ایمیل: chya.govar@gmail.com
ماهنامه چیا در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است | مطالب و آثار چاپ شده لزوما نظر گردانندگان چیا نمی باشد | **شماره حساب: ۰۱۱۰۳۲۲۹۴۹۰۰۱ بانک ملی** | **شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۸۹۹۵۴۸۷۴۱**

ئەگەر مـــردم، وەتەن لاوانـــی تۆ خۆش ئەگەر زاڵم نەمـــا، دەورانـــی تۆ خۆش موخەییـــەر بم لە بەینی تۆ و بەهەشـتا لە جەننەت دوور ئەبم، سەیرانی تۆ خۆش

«مامۆستا قانع»

عکسنامه — سمکۆ عظیمی

تلخند

نمی دونم شما کجای دنیا زندگی می کنید، اما من جایی زندگی می کنم که هیچ کس جای خودش نیست، نه من جای خودم، نه تو جای خودت، نه او جای خودش. من جای تو نشسته ام، تو جای او، او جای آنها نشسته است.

اونیکه باید روی صندلی ریاست بنشیند، روی سکوی جلو در نشسته، اونیکه باید پشت فرمان بنشیند، روی چهار پایه نشسته، اونیکه باید استکان بشوره، شده مسئول اسکان، اونیکه باید گلها رو آب بده، شده رئیس و دسته گل به آب میده، اونیکه دیروز بز نداشت امروز پز داره، اونیکه امروز رو فرشه، فردا رو عرشه، اونیکه دیروز برای مردم حساب باز می کرد، امروز مردم رو آدم حساب نمی کنه، اونیکه باید پایین بشینه، بالا نشینه، اونیکه باید بالا بشینه، تو زیرزمینه.

برای همینه تو این مملکت، اونجایی که باید گردشگر جذب کنند، پالایشگاه می زنند، اونجایی که باید جنگل رو حفظ کنند، تله کابین می زنند، اونجایی که باید جاده بسازند، سد می بندند، اونجایی که باید درخت بکارند، اتوبان می زنند، خدایا فقط تو جای حق نشستی این مردم رو جابجا کن شاید با جابجای مردم، یه جابجای رخ بده و اینجا بشه اونجا و اونجا بشه اینجا...

کاریکاتور — ابراهیم ادوایی

چکاد

«ئەنجومەنی ئەدەبیی خانای قوبادی»

هیچ کۆمەڵگەیەک ڕاستەڕێگای گەشە و پێشکەوتن نادۆزێتەوە، مەگەر بە هۆی سەقامگیربوونی ئەو ڕێکخراوە مەدەنی و ئەنجومەن و ناوەندە خەڵکییانەوە نەبێ، کە ئەندامانی خۆبەخشانە و بەوپەڕی هوشیاری و حەز و ئاواتەوە بوێرانە لە هەموو بوارە جۆراوجۆرەکانی؛ فەرهەنگی، کۆمەڵایەتی، ئەدەبی، هونەری، زانستی، ژینگەیی و ... چالاکی دەنوێنن.

لە ڕاستیدا کۆمەڵگەی زیندوو گەشاوە، لە مانەوە و ژیوای خۆیدا قەرزداری هەلسووکەوت و هەنگاوە بەردەوامەکانی ئەو ڕێکخراوانەیە.

لاوانی کوردستان، بە هەست بە بەرپرسایەتی کردن و گرنگی دان بەو بابەتە هەستیارە، بەوپەڕی فیداکاری لە ڕێی دامەزران و سەقامگیری کۆمەڵگەی شارستانی، بە هۆی ئەنجومەن و ناوەندە ناحکومیەکانەوە، قورسەباری کێشە و گرفت و نالەباریەکانی ئەم ڕێگە ئەستەمەیان لە کۆڵ ناوە و چوونەتە پێشوازی هەموو ترس و مەترسیەک لە لایەن نەیاران و ناحەزانەوە. شانازییەکی زۆر مەزنە کە ئەم ئەنجومەن و ناوەندانە لە مەیدانی کردەوەدا گەلێک خزمەتی بەرچاوی فەرهەنگی و ئەدەبی و هونەری و .... پێشکەش بە کەمەڵگەی خۆیان کردووە. یەک لەو ناوەندە چالاکانە کە لە شاری جوانڕۆ بۆ خزمەت بە فەرهەنگ و زمان و ئەدەبی کوردی قۆڵی هیمەتی لێ هەڵماڵیوە، «**ئەنجومەنی ئەدەبیی خانای قوبادی**»ە. لەم ژمارەی چیادا بە ناساندنی ئەم ئەنجومەنە، یەکێکی تر لە ناوەندە چالاکەکانی کوردستانتان پێ ئاشنا دەکەین.

«ئەنجومەنی ئەدەبیی خانای قوبادی»

لە ئەنجامی هەوڵ و تەقەلای دلسۆزان و چالاکانی بواری زمان و فەرهەنگ و ئەدەبی کوردی لە شاری جوانڕۆ، «ئەنجومەنی ئەدەبیی خانای قوبادی» مۆڵەتی فەرمی لە دایەرەی ئیرشادی ئیسلامی وەرگرت و لە ڕۆژی دوانزەی سەرماوەزی ساڵی ١٣٧٥ی هەتاوی، دەستی بە چالاکی کرد. هەر لە سەرەتای دامەزراندنیەوە دەرکی ئاوەڵا بووە بە ڕووی هۆگرانی دلسۆز و چالاکانی بواری زمان و ئەدەبی کوردیدا و زۆربەی هەرە زۆری چالاکانی بواری زمان و ئەدەب و کولتووری کوردی لە دەوری یەک کۆکردەوە.

دامەزراندنی ئەم ئەنجومەنە خاڵی وەرچەرخانێکی بەرچاو بوو؛ بەتایبەت لەو شارانەی کە لە دابەشکردنە ئیداریەکانی ئێراندا بە ئەوراماناتی ناسراوە و جوانڕۆ، پاوە، ڕوانسەر و سەلاسی باوەجانی بە گوند و شارۆچکەکانیەوە لە خۆ دەگرێت.

«**خانای قوبادی**» سەرەڕای ئەو بەرنامە و چالاکییانەی کە دواتر ئاماژەی پێدەکەین، بوو بە هۆی بەیەک ناساندن و کۆکردنەوەی چالاکانی بواری زمان و ئەدەب و کولتووری کوردی لە پارێزگای کرماشان و تەنانەت دەرەوەی ئەو پارێزگایە، کە وەک نموونە پێوەندییەکی چڕوپڕی ساز کرد لە گەڵ قەڵەم بە دەستانی کوردستانی ڕۆژهەڵات؛ هەر لە گۆڤاری سروەوە تا کۆڕ و کۆبوونەوە ئەدەبییەکانی شارەکانی تر.

ئەم ئەنجومەنە وێڕای ئەو هەموو تەنگ و چەڵەمەیە کە بەربەستی بوون، بەڵام درێژەی بە خەباتی کولتوورییە خۆی دا؛ کە بەکورتی ئاماژە دەکەینە بەشێکی بەرچاو لەو چالاکییانە:

١- بۆ ماوەی دوانزە ساڵ و لە ساڵوەگەڕی کیمیابارانی هەڵەبجەدا هەموو ساڵێک لە مانگی ڕەشەمە، بە بەڕێوەبردنی کۆڕێک، یادی قوربانیان و شەهیدانی ئەو کارەساتەی بەرز ڕاگرت.

٢- بڵاوکردنەوەی گۆڤارێکی ناوخۆیی بە ناوی «ئاماژە».

٣- بەڕێوەبردنی سێ جار کۆڕی هونەریی دەنگ و گۆرانی ڕەسەنی کوردی، لە ژێر ناوی «آواها و نغمه های کوردی».

٤- بەڕێوەبردنی سمیناری «جوانڕۆ لە ئاوێنەی مێژوودا» و دواتر کۆ کردنەوە و چاپی کۆی وتارەکانی ئەو سمیناره لە کتێبێکدا بە ناوی «جوانرود در گذر تاریخ».

٥- بەڕێوەبردنی کۆڕی ڕۆژی ژن بە بۆنەی ٨ی مارسەوە.

٦- بەڕێوەبردنی پێشانگای وێنەیی و هونەری شێوەکاریی کارەساتی کیمیابارانی هەڵەبجە، بە هاوکاریی ناوەندی سەلاحەدینی ئەیووبی، کە زیاتر نمایشکردنی بەرهەمە هونەرییەکانی خوالێخۆشبوو جەعفەری قازی بوو.

٧- بەڕێوەبردنی کۆڕی حەفتانەی شیعر و ئەدەبی کوردی و هاوکات ڕەخنە و هەڵسەنگاندنی بەرهەمە ئەدەبییەکانی ئەندامانی ئەنجومەن.

٨- بەڕێوەبردنی چەندین خولی فێرکاریی زمانی کوردی.

٩- بەڕێوەبردنی ڕێورەسمی ساڵانەی جێژنی نەتەوەیی نەورۆزی کوردەواری.

١٠- دەعوەت کردن و ڕێزگرتن لە نووسەران و ئەدیبانی بەرچاو و خاوەن پێگەی کوردستانی ڕۆژهەڵات و ڕێکخستنی پانێل و سمینار و ناساندنیان بە خەڵکی ناوچەکە.

خانەی سبز

تمیز و براق کردن بدنه خودرو

کسانی که به‌اندازه کافی خوش‌شانس هستند که جای پارک در زیر سایه درختان بیابند، حتماً با ذرات چسبنده صمغ و شیره ترشح‌شده از برخی درختان، بر روی بدنه خودرو آشنا هستند. برای پاک کردن این ذرات چسبنده، کمی سس مایونز را به‌وسیله یک اسفنج یا دستمال نرم بر روی آنان بمالید. پس از چند دقیقه، با دستمال خشک و نرم، تمیز و براق کنید. سس مایونز را می‌توانید برای پاک کردن لکه‌های قیر از روی خودرو، تمیز و براق کردن کنسول و جلو داشبورد خودرو استفاده کنید.

بعد از باران، لاستیک ها و پوشش های اطراف شیشه های اتومبیل، کثیف و پرلک می شوند. این لک ها را با نوشابه بشویید. به جای شوینده های مخصوص، نرم کننده مو را تجربه کنید تا مدت های زیادی اتومبیل برق بزند و شما را از شستشوی مداوم اتومبیل خلاص کند.

چراغ های اتومبیل را بهتر است که با مایع شیشه شور بشویید تا وقتی در شب چراغ های ماشین را روشن می کنید، نوری شفاف از آن بتابد.

.....

سایت انجمن سبز چیا
www.chya.ir
@chya2716

عکس نوشت

چوارەمین هەڵمەتی دێتەکانی لە گوندەکانی مەریوان و سەوڵاوا

ئاگری نەورۆز لە کوردستان

چالاکیی ناوەندی ڤەژین لە گوندەکان | "سماقان" مەکەن بە زبڵدانی!

اعلامیه‌های جهانی

فرازی از اعلامیه جهانی درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد

مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱

* نظر به اینکه میثاق‌های بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیانگر اصول عدم تبعیض و برابری در مقابل قانون و حق آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا اعتقاد است،

* نظر به اینکه بی‌توجهی و نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، به‌ویژه حق و آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا هر نوع اعتقاد، مستقیم یا غیرمستقیم منشأ جنگ‌ها و رنج‌های گرانی است که به بشریت تحمیل‌شده،

* نظر به اینکه مذهب یا عقیده برای معتقدانش یکی از بن‌مایه‌های اصلی مفهوم زندگی است و اینکه آزادی مذهب یا عقیده باید به‌تمامی محترم شمرده‌شده و تضمین گردد،

* نظر به لزوم منع استفاده از مذهب یا عقیده برای نیل به اهداف مغایر با منشور و دیگر اسناد سازمان ملل متحد و اصول اعلامیه حاضر،

* با اعتقاد به اینکه آزادی مذهب یا عقیده، درعین‌حال، باید به تحقق اهداف صلح جهانی، عدالت اجتماعی و دوستی میان مردمان و از میان رفتن ایدئولوژی‌ها یا اعمال استعماری و تبعیض نژادی یاری رساند،

* با ابراز نگرانی از تجلیات ناروا‌داری و وجود تبعیض درزمینهٔ مذهب یا عقیده که هنوز در بخش‌هایی از جهان‌دیده می‌شود،

اعلامیه‌ی حاضر درباره‌ی محو همهٔ اشکال ناروا‌داری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده را اعلام می‌کند:

۱ - هر کس حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار باشد. این حق متضمن آزادی داشتن مذهب یا هر نوع عقیده و هم‌چنین آزادی ابراز مذهب و عقیده، به‌صورت فردی یا جمعی، چه آشکار و چه پنهان، از طریق عبادت و انجام آیین‌های مذهبی، عمل و آموزش مذهب است.

۲ - هیچ‌کس نباید تحت‌فشاری قرار گیرد که بتواند آزادی داشتن مذهب یا عقیده‌ای را که به اختیار برگزیده، خدشه‌دار کند.

۳ - آزادی ابراز تعلقات مذهبی یا عقیدتی، هیچ محدودیتی ندارد، جز آنچه از طریق قانون پیش‌بینی‌شده و برای حفظ امنیت و نظم عمومی، سلامت یا اخلاق یا آزادی‌های بنیادی دیگران ضروری است.

٤ - هیچ‌کس نمی‌تواند به خاطر مذهب یا عقیده‌اش از طرف دولت، نهاد، گروه، یا هیچ فردی مورد تبعیض قرار گیرد. تبعیض میان موجودات بشری به خاطر مذهب یا عقیده، تعرض به شأن انسانی و انکار اصول منشور ملل متحد است و باید به‌مثابه نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادیِ اعلام‌شده در اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر محکوم شود.

٥ - همهٔ دولت‌ها تدابیر مؤثری برای جلوگیری و رفع هر نوع تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده، با به رسمیت شناختن، به کار بستن و بهره‌مند شدن از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در همه‌ی زمینه‌های زندگی مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اتخاذ خواهند کرد.

٦ - همهٔ دولت‌ها کوشش خواهند کرد با تصویب قوانین تدابیر شایسته برای مبارزه با ناروا‌داری مبتنی بر مذهب یا عقیده، اتخاذ کنند.

٧ - کودک باید در برابر هر شکلی از تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده محافظت شود. او باید در فضای تفاهم، رواداری، دوستی میان مردمان، صلح و برادری جهانی، احترام به آزادی مذهب یا عقیدهٔ دیگران و با آگاهی کامل از این‌که انرژی و استعدادهای او باید در خدمت هم نوعانش به کار آید، تربیت شود.

٨ - انجام فرایض مذهب یا عقیده‌ای که کودک در [فضای] آن پرورش‌یافته، نباید به سلامت جسمی یا روحی و رشد همه‌جانبه او آسیبی وارد آورد.

آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا عقیده، ازجمله شامل آزادی‌های زیر می‌شود:

الف- انجام فرایض یک آیین و برگزاری جلسات مذهبی یا عقیدتی، ایجاد و نگاهداری اماکنی برای این اهداف،

ب- آزادی تأسیس و حفظ نهادهای خیریه یا بشردوستانه،

ج- آزادی تهیه، کسب و استفاده از اشیاء و لوازمی که از طریق مراسم و یا از راه مذهب یا عقیده، فراهم‌شده است،

د- آزادی نوشتن، چاپ و پخش نشریه دربارهٔ این موضوعات،

ه- آزادی آموزش مذهب یا عقیده در مکان‌های مناسب با این هدف،

و- آزادی درخواست کمک‌های داوطلبانه، مالی و غیره از افراد و نهادها،

ز- آزادی تربیت، انتصاب، انتخاب یا تعیین رهبران مربوطه به‌توالی و برحسب نیازها و هنجارهای هر مذهب یا عقیده،

ح- آزادی رعایت ایام تعطیل و برگزاری جشن‌ها و مراسم بر طبق تعالیم مذهبی یا عقیدتی،

ط- آزادی ایجاد و برقراری رابطه با افراد و جماعات درزمینهٔ مذهب یا عقیده، در سطح ملی و بین‌المللی.